

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

## رشد آموزش علوم اجتماعی

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش  
دوره‌ی بازندهم • تابستان ۱۳۹۲  
شماره‌ی بی‌دری ۵۹

● مدیرمسئول: محمد ناصری  
● سردبیر: دکتر مسعود فرحانیان مقدم  
● مدیر داخلی: دکتر احمد کلاه مال همدانی  
● هیئت تحریریه: دکتر فزیه خانی، دکتر حبیب‌الله فصیحی، دکتر ناهید فلاحیان، فریبرز بیات، ابوالفضل نفر  
● طراح گرافیک و طرح جلد: بهروز راستانی  
● ویراستار: پریسا بسندسی  
● نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
● صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹  
● تلفن: ۸۸۳۴۴۷۵۷  
● نمابر: ۸۸۳۰۱۴۸۷  
● وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
● پیام نگار: [ejtemaie@roshdmag.ir](mailto:ejtemaie@roshdmag.ir)  
● تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲  
● کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴  
● ۱۶۵۹۵/۱۱۱ صندوق پستی: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵  
● شماره گان: ۶۰۰۰ نسخه  
● چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- ۲
- ۴
- ۸
- ۱۶
- ۲۲
- ۲۴
- ۳۰
- ۳۲
- ۴۰
- ۴۳
- ۴۴
- ۴۸

- قابل توجه همکاران محترم:
۱. سعی شود مطالب ارسالی پیش‌تر جنبه‌ی کاربردی داشته باشد و از پرداختن طولانی به مبانی نظری و تئوری پرهیز شود.
  ۲. مطالبی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با آموزش علوم اجتماعی مرتبط باشد و در جای دیگری هم چاپ نشده باشد.
  ۳. مطالب ترجمه شده با متن اصلی ارسال شود.
  ۴. بهتر است متن را از طریق پیام نگار (E-mail) برای ما بفرستید.
  ۵. نثر مطالب روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
  ۶. مجله در رد، قبول، اصلاح و تلخیص مطالب رسیده مجاز است.
  ۷. در ابتدای مطالب ارسالی، واژه‌های کلیدی نوشته شود.
  ۸. شماره تلفن تماس و نشانی دقیق پستی حتماً نوشته شود.

پای در چه مسیری گذاشته‌ایم؟  
مد و تقلید در برابر تحقیق / محمد قنبری طلب  
جامعه‌شناسی خیزش مردم لبی / فاطمه سلیمی  
آموزش امنیت / فاطمه شهرزاد بخشایش  
که دخلت بود ۱۵ و خرج ۲۰ / زهرا آقایی  
رشد اجتماعی بیشتر در کلاس‌های چندپایه  
حبیب‌الله رحیمی - فرخنده مفیدی - مجید پاکدل  
خانواده‌های تهرانی و انتخاب مدرسه / عالیه شگری  
مشکل اصلی، بی‌ثباتی برنامه‌ها و مدیریت / محمود اردوخوانی  
استانداردهای تحلیل داده‌های کیفی در علوم انسانی - اجتماعی / عباس کسکنی  
نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی در علوم انسانی - اجتماعی / منیره همدانی  
معرفی کتاب / زهرا صادقی



دو سال از اجرای «طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش» گذشت. با همه زحماتی که مسئولان و دست‌اندرکاران این طرح اساسی در طول سال‌های متمادی و به‌ویژه در یک سال اخیر کشیده‌اند، هنوز در ابتدای مسیر قرار داریم و تا دستیابی به آموزش و پرورش مطلوب اسلامی راه طولانی و پرپیچ و خمی پیش روی ماست. اما در این دو سال حداقل شاهد آن بودیم که آموزش و پرورش ما با بنیادهای اسلامی در حال ساماندهی است که این خود دستاورد بسیار بزرگی محسوب می‌شود.

عزیزان مخاطب به‌خوبی می‌دانند که از ابتدای شروع تحصیلات نوین در کشور ما، عده‌ای که به اندیشه‌های غرب‌گرایانه و ساخت ایران نوین بر مبنای فلسفه آموزشی و تربیتی غرب تمایل داشتند، آموزش و پرورش نوین را بنیان گذاشتند. اندیشه‌های غربی گرچه متناسب با فلسفه وجودی خود تأثیرات بسیاری در جهان گذاشتند، اما چون زیر ساخت‌های آن‌ها متناسب با بافت وجودی و فطری انسان‌ها نبود، پیشرفت آن‌ها نیز صوری و عمدتاً ساختاری بود. اندیشمندان مسلمان ایرانی به‌خوبی دریافتند که این نوع از تربیت و آموزش نمی‌تواند علی‌رغم شکوفایی‌ها و درخشندگی‌هایی که دارد، برای ملت مسلمان انقلاب کرده مطلوب تلقی شود. به‌ویژه وقتی این اندیشه‌ها از دنیای غرب وارد شدند، تغییرات و تحریقاتی در آن‌ها به‌وجود آمد و موجودی بی‌هویت از آن‌ها ساخته شد که نه با فلسفه غرب‌گرایانه تناسب داشت و نه با مطلوبات انسان مسلمان.

اکنون باید بدانیم که پای در چه مسیری گذاشته‌ایم و حساسیت این موضوع را بهتر درک کنیم. ما مدعی هستیم که آموزش و پرورش ما اکنون با زیر ساخت‌های اسلامی روبه‌جلو می‌رود. اگر در این امر کوتاهی کنیم و به‌همین مقدار که تا به حال تلاش شده است، بسنده کنیم، قطعاً شکست خواهیم خورد و به آمل میلیون‌ها انسان در سراسر جهان ضربه خواهیم زد. اما اگر تلاش‌های خود را بی‌وقفه پی بگیریم و در این مسیر همواره از خدای رحمان مدد جوییم، بی‌تردید پیروزی از آن ما خواهد بود. در این فعالیت‌ها همواره باید از خود بپرسیم: «این اندیشه و یا این عمل آیا مطابق با آنچه در اسلام منظور شده است می‌تواند باشد و یا آنکه از اسلام ناب فاصله گرفته است؟» به عبارت دیگر، معیار و خط‌کش ما در این حوزه، اسلام بماهو اسلام است. با این تفکر به یقین می‌توان سره را از ناسره به‌خوبی تشخیص داد و با درک فرصت‌ها گام‌های سریع و پیش‌رونده‌ای را به جلو برداشت. ان‌شاءالله.

# پای در چه مسیری گذاشته ایم

تابستان و فعالیت‌های تابستانی در این میان به گمان ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است و انتظار می‌رود در این حوزه تلاش بیشتری شود. شاید پاسخ دوستان ما این باشد که ما آداب و مهارت‌های زندگی را مورد توجه قرار داده‌ایم و در قالب رویکردهای اجتماعی به مسئله تابستان پرداخته‌ایم. اما با توجه به آنچه در مدت این یک‌سال صورت پذیرفته است و برخی از استادان، معلمان و دبیران خبره و آگاه به ما منعکس ساخته‌اند، این منابع نیز بسیار جنبه بنیادی و فلسفی دارد و کمتر به ابعاد اجتماعی و مهارتی مورد نیاز دانش‌آموزان پرداخته شده است.

معمولاً ایام تابستان را اوقات فراغت می‌نامند که این با آموخته‌های دینی ما و با فطرت فعال نفوس انسانی سازگاری ندارد. اصولاً مؤمن نمی‌تواند فراغت (آسودگی خیال) داشته باشد. (فاذا فرغت فانصب) مؤمن همیشه باید تلاش کند و از ثمره تلاش خود لذت ببرد. (والی ربک فارغب) هیچ لحظه‌ای از زندگی مؤمن بدون جدیت، لذت و زیبایی نیست. حتی در سخت‌ترین شرایط، مؤمن همه چیز را زیبا می‌بیند. پس فراغت و اوقات فراغت از این منظر، به معنی بدون لذت و عشق زیستن است که ما چنین باوری را بر نمی‌تابیم که در قاموس «قرآن» آمده است: «فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب» (انشرح/۷ و ۸).

این نکته را آوردیم که بدانیم به تابستان و اوقات فراغت با رویکرد فعال‌سازی باید جدی‌تر از گذشته پرداخته شود. تنها محیط آموزش از دیواره مدرسه به بعد تغییر کرده و صحنه بزرگتری به نام جامعه باز شده است که به مراتب تلاش بیشتری را باید در این حوزه سامان داد. فضای بیشتر ذهنی و عملیاتی، قطعاً تلاش و جدیت بیشتری را می‌طلبد و به گمان ما در طرح جدید آموزش و پرورش آن چنان که شایسته است بدان پرداخته نشده است. لذا توصیه می‌کنیم که تابستان، فصل تلاش و جدیت بیشتر را متناسب با اندیشه‌های اسلامی سامان دهید. بدیهی است که این به معنای نفی تفریح و سرگرمی و فراغت نیست، بلکه مقصود بهره‌برداری بیشتر و بهینه‌تر از ایام و عمر ماست که در تفریح و سرگرمی نیز پیوسته باید آموزشی بیندیشیم و با مدد از خدای متعال از لذت واقعی و الهی برخوردار شویم. به عبارت دیگر، به نام تابستان کاری نکنیم که از مطلوبات الهی خود فاصله بگیریم.

سردبیر



### مقدمه

فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر نظام اجتماعی هستند که پایه ارزیابی ما را از پدیده‌های اطرافمان تشکیل می‌دهند و در واقع، رفتار ما را نسبت به آن‌ها تنظیم می‌کنند. بنابراین، در پذیرش یا عدم پذیرش کالاهای خارجی که در جامعه رواج می‌یابند، ابتدا باید رابطه آن‌ها را با نظام ارزشی حاکم بر جامعه و اصول و مبانی مورد قبول مردم، ارزیابی کرد و میزان هم‌گرایی یا واگرایی آن‌ها را از یکدیگر سنجید. برای نمونه، مدهای لباس، اگر در عین جذابیت و امروزی بودن، برخاسته از فرهنگ خودی باشند و با اصول و مبانی اعتقادی و اخلاقی جامعه ما تعارض نداشته باشند، نشانه خلاقیت و نوآوری جوانان ما خواهند بود و هویت فرهنگی آنان را به نمایش می‌گذارند. پس باید تدابیری سنجیده شود تا هم مدها و مدل‌ها نیاز به تنوع‌طلبی، نوجویی و میل به امروزی شدن جوانان را تأمین کنند و هم جوانان ما از پیامدهای منفی این امور در امان بمانند. از جمله تدابیر مذکور، شناخت دلایل این گرایش‌هاست که در مقاله حاضر به بررسی مهم‌ترین علت‌های گرایش به مصرف کالاهای خارجی می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** نوجوانان، گرایش، مصرف، کالاهای خارجی

### مدگرایی بین دانش‌آموزان

مد و مدگرایی پدیده‌ای است که کمابیش در میان همه اقشار جامعه وجود دارد اما جوانان و نوجوانان بیش از دیگران به «مد» اهمیت می‌دهند و «مدگرا» هستند. امروزه جوانان با گسترش وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید رایانه‌ای، ارتباطات گسترده‌ای با جوامع و فرهنگ‌های گوناگون یافته‌اند و شرایط آن‌ها در شناخت و فهم ارزش‌ها، باورها و انتخاب‌های منطقی، پیچیده‌تر و مشکل‌تر شده است. چه بسا زمینه‌های موجود باعث شده‌اند جوانان و نوجوانان به رفتارها و هنجارهای متضاد با ارزش‌های جامعه خویش رو آورند. یک روز مانتوهای بلند و روز دیگر مانتوهای کوتاه، زمانی شلوارهای دارای پاچه گشاد که روی زمین کشیده می‌شود و زمانی دیگر، شلوارهای تنگ و کوتاه مد می‌شوند. اگر از افرادی که عادت کرده‌اند رفتار، نوع و سبک لباسشان را طبق آخرین مدهای رایج تنظیم کنند، بپرسید که به چه علت این کار را می‌کنند یا مثلاً نشانه و کلمه روی لباس آن‌ها چه کار کردی دارد، به سختی بتوانند پاسخ متقاعدکننده‌ای بدهند؛ جز آنکه: «خب، قشنگه!»، «برای اینکه مده!»، «همه می‌پوشند!» و... این پاسخ‌ها گرچه سطحی به نظر می‌رسند، اما در یک تحلیل روان‌شناختی نشان‌دهنده نوعی از «تعلق گروهی» و گرایش جوانان به «امروزی شدن» هستند و پدیده‌ای کاملاً طبیعی و بهنجار در جهت ارضای نیازها محسوب می‌شوند. کالای مد شده، همواره شیوه‌های رفتاری، هنجاری و ارزش‌های خاصی را بین جوانان و نوجوانان رونق و شیوع می‌دهند و مد، عاملی برای انتقال هنجار پوشش و ارزش‌های رفتاری از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر است (زندن، ۱۳۸۴: ۹۳).



### تنوع طلبی

نوجوانی و جوانی، فصل تازه‌ای در زندگی و سرآغاز ورود انسان به جهان پرشور و رنگارنگی است که غرایز طبیعی در شکل‌دهی آن نقش اصلی را بر عهده دارند. استقلال طلبی، تنوع دوستی، هیجان خواهی، نقد گذشته و نوگرایی، از جمله ویژگی‌های دوران جوانی است. تمایل به امروزی شدن و نوگرایی، به درجات متفاوت در هر نوجوان وجود دارد و گواه نیاز وی به شکستن قالب‌های موجود، فاصله گرفتن از هنجارهای پیشین و رسیدن به هویتی متمایز از کسانی است که پیش از او بوده‌اند. همچنین، گرایش به فاصله گرفتن از گرایش‌های والدین است.

این نیاز، زمانی که نمود بیرونی به خود می‌گیرد و در رفتار نوجوان منعکس می‌شود، به صورت گرایش به کالاهای متنوع و گوناگون خارجی ظاهر می‌شود.



### هماندسازی

«هماندسازی» در مکتب روان تحلیلگری به فرایندی ناهشیار اطلاق می‌شود که فرد طی آن، ویژگی‌های (نگرش‌ها و الگوهای رفتاری) فرد دیگری را برای خود سرمشق قرار می‌دهد و با تقلید از نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری وی، احساس می‌کند که مقداری از قدرت و کفایت او را نیز به دست آورده است (اریکسون، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

منبع اصلی همانندسازی در دوران کودکی والدین هستند، زیرا کودک، اولین و بیشترین بر خورده را در زندگی با والدین خود دارد اما در دوران نوجوانی که فرد از والدینش فاصله می‌گیرد، الگوهایی که مطابق آن‌ها خود را با والدین شبیه کرده است، با الگوهای گذشته متفاوت شده‌اند. این تفاوت احساس ناامنی را باعث می‌شود. به اعتقاد روان‌شناسان، همچنین خلأ و احساس ناامنی ناشی از آن باعث می‌شود که نوجوان در مسیر خود به راه‌حل‌هایی متوسل شود که مبتنی بر همانندسازی با شخصیت‌هایی هستند که الگوی نوجوان قرار می‌گیرند. این شخصیت‌ها ممکن است شخصیت‌های معروف گذشته، هنرپیشه‌های سینما، نوازندگان و آوازخوانان، و یا گروه‌های متفاوتی مانند «هیپی» ها باشند. فرد، خود را از نظر ظاهری شبیه آن‌ها می‌سازد، در شیوه لباس پوشیدن و طرز رفتار با آنان همانندسازی می‌کند و در انتخاب‌های خود به آن‌ها تاسی می‌جوید. به محض اینکه یک هنرمند یا ورزشکار لباسی با فرهنگ خارجی بپوشد و در صحنه‌ای ظاهر شود یا کالایی با مارک کشورهای خارجی انتخاب کند، نوجوانان دانش‌آموز با وی همانندسازی می‌کنند و می‌کوشند در انتخاب خود، رفتار الگوی خود را سرمشق قرار دهند.

### لترام ناشی از دوستی

- یکی از عوامل
- گرایش به کالاهای
- خارجی بین دانش
- آموزان، ترس و نگرانی
- از مجازات‌ها، خصوصاً
- مجازات غیررسمی از
- سوی دوستان است.
- تحقیر و تمسخر،
- پوزخند زدن و متلک
- گفتن دوستان و ترس
- از آن باعث می‌شود
- که دانش‌آموزان به
- انتخاب و مصرف
- کالاهای خارجی
- گرایش یابند.



### جلب توجه دیگران

دانش آموزانی هستند که با تعویض و تغییر هر روزه لباس و آرایش خود و خریدن لباس های خارجی، درصدد جلب توجه دیگران برمی آیند. استفاده از لباس های تنگ، براق و رنگارنگ، کفش هایی با پاشنه های خیلی بلند باعث جلب توجه دیگران می شود.

### توجه تولیدکنندگان خارجی به روان شناسی فرهنگی مصرف کنندگان

شرکت های تولیدی از طریق روان سنجی و شناخت روحیات دانش آموزان و با توجه به همین روحیه نوگرایی و میل به امروزی شدن در نوجوانان دانش آموز، هر روز یک فرم شلوار، پیراهن، کفش، کلاه، عینک، آباژور، کاغذ دیواری، گوشی تلفن و... عرضه می کنند. در واقع، ایجاد اندک تغییری در این کالاها، آن ها را به یک کالای جدید تبدیل می کند. حتی گاهی برای آن که کالای تولیدی شان زودتر در جامعه به فروش برسد، با اعطای مبلغ زیادی پول، از فردی مشهور (مثل یک هنرمند سینما یا ورزشکار) می خواهند که برای یک بار هم که شده است، از آن کالا استفاده کند و در فیلم یا صحنه تلویزیون ظاهر شود.

یکی از دلایل اینکه تولیدکنندگان و طراحان خارجی توانسته اند در سطح جهانی برای خود جایی باز کنند، آشنایی آن ها با مبانی روان شناختی «تأثیرگذاری» و به کارگیری روش ها و اصول فنی مناسب در کار است؛ در حالی که تولید کنندگان داخلی و محدود، معمولاً به الگوبرداری و تقلید از آن ها می پردازند (غروی زاد، ۱۳۷۸: ۱۹۶).



## رقابت

انگیزه رقابت و چشم و هم‌چشمی با دیگران، از دیگر عوامل گرایش به مصرف کالاهای خارجی بین دانش‌آموزان محسوب می‌شود. این انگیزه در همه دانش‌آموزان وجود دارد و به گونه‌های متفاوت بروز می‌کند. رقابت اگر در زمینه‌های مثبت جهت داده شود، باعث پیشرفت و رشد و تکامل معنوی دانش‌آموز می‌شود اما اگر جهت‌گیری آن به سوی امور مادی باشد و دانش‌آموز سعی کند از لحاظ انتخاب کالاهای خارجی از دیگران عقب نماند، سرانجام خوبی نخواهد داشت (رفیعی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۸۷).



## تشخص طلبی

برتری جویی و تشخص‌طلبی که مکانیزم ابراز وجود و احراز هویت است از دیگر عوامل گرایش به انتخاب کالاهای خارجی بین دانش‌آموزان است. افرادی که خود را برتر از دیگران و متعلق به قشر مرفه جامعه می‌دانند، سعی می‌کنند این برتری را در گویش، لباس پوشیدن، محیط‌آرایی، سبک آرایش و انتخاب کالا، نشان دهند و لذا کالاهای جدید خارجی را مطرح می‌کنند. **تورشتاین و بلن**، انتخاب کالاهای خارجی را وسیله‌ای می‌داند برای اینکه افراد نشان دهند ثروتمند، با شخصیت یا دارای اندیشه‌ای خاص هستند (Veblen, ۱۹۹۸: ۸۷). لذا به محض این که کالای خارجی در جامعه گسترده شد، اشراف‌زادگان و ثروتمندان به سراغ آن می‌روند؛ زیرا کالاهای قدیمی دیگر آن‌ها را از سایر طبقات جامعه متمایز نمی‌کنند.

پی‌نوشت  
1. Thorstien  
veblen

## تلاش برای ارتقای طبقه اجتماعی

هر جامعه براساس فرهنگ و حکومتش دارای طبقات متفاوتی است. افراد خواه ناخواه خود را در یکی از این طبقات اجتماعی قرار می‌دهند و گاهی سعی می‌کنند به طبقات بالاتر برسند. پس بدیهی است که مثلاً وقتی یک خانواده متوسط می‌خواهد خود را به خانواده‌ای در طبقه مرفه و سرمایه‌دار برساند، باید منش و رفتار آن طبقه اجتماعی را نیز داشته باشد. لذا تقلید از آداب و رسوم، نوع پوشش و انتخاب کالاهایشان آغاز می‌شود. کشورهای غربی این واقعیت را به درستی و زیرکی دریافته‌اند. پس با قدرت تبلیغاتی که دارند، سعی می‌کنند دیگر ملت‌ها را که به مثابه «جهان سوم و در حال توسعه» فرض کرده‌اند، به خود نزدیک کنند. در این میان، طبقات پایین‌تر یا به عبارت دیگر، همان کشورهای در حال توسعه، نه تنها به طبقه بالاتر نمی‌رسند بلکه روز به روز به آنان وابسته‌تر می‌شوند. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) داریم که هر کس خود را شبیه به کسانی کند، از آنان است. این حدیث گوهر بار می‌رساند که چرا کشورهای استعماری دوست دارند تا ما را شبیه خود سازند و آداب و رسوم و منش خود را به ما تحمیل می‌کنند (رفیعی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۱).

منابع  
۱. اتکینسون، ریتا؛ **زمینه روان‌شناسی**. مترجم: محمد تقی براهنی و همکاران. تهران، رشد، ۱۳۸۵.  
۲. رفیعی‌پور، فرامرز؛ **آنا تومی جامعه**. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.  
۳. زندن، وندر؛ **روان‌شناسی رشد**. مترجم: حمزه گنجی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۸۴.  
۴. غروی‌زاد، احمدرضا؛ **درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی**. تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷.

## نتیجه‌گیری

از آنجایی که پیروی از الگوها و طرح‌های غربی نمی‌تواند به دانش‌آموزان شخصیت ملی و خودی اعطا کند و موجب پیشرفت و ترقی شود. ما باید روی عوامل اصلی موفقیت در تمامی زمینه‌ها، خودباوری (اعتماد به نفس) و پای‌بندی به اصول اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کار کنیم. تا زمانی که بینش صحیح و بصیرت در وجود دانش‌آموزان شکوفا نشود و زیرساخت‌های شخصیت مبتنی بر الگوهای فرهنگ اصیل این مرز و بوم، در آن‌ها شکل نگیرد، تقلید از خارجی‌ها و الگوهای دیگران، و انتخاب کالاهای خارجی، جز بحران هویت و دور شدن از اصالت فرهنگی، نتیجه‌ای برای نسل آینده نخواهد داشت. پس بیا باید یک بار دیگر در شیوه‌ها و رویکردهای تربیتی‌مان تجدید نظر کنیم و اصالت‌های فرهنگی‌مان را برای فرزندانمان تبیین کنیم تا هویت خود را در برابر فرهنگ بیگانه از دست ندهند. همان‌گونه که میل به امروزی شدن از ویژگی‌های دوران جوانی است که ناخواسته آن‌ها را به پیروی از الگوهای بیگانه می‌کشاند، غرور و احراز هویت نیز به همین دوره سنی اختصاص دارد. چه خوب است غرور ملی و غیرت دینی را در فرزندان‌مان تقویت کنیم تا میل به مصرف تولیدات داخلی را با الهام گرفتن از آموزه‌های تمدن ساز اسلام و فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی خویش و متناسب با هویت فرهنگی خود، به فعلیت برسانند.

۵. Veblen, Thorstein (1998). the theory of the leisure class. new York.

جامعه‌شناسی  
خیزش  
مردم  
در

# لیبی

فاطمه سلیمی

کارشناس مطالعات اجتماعی و دبیر آموزش و پرورش تهران

## اشاره

لیبی به دلیل سوابق طولانی تحت استعمار بودن، نقش ویژه‌ای در قاره آفریقا دارد. این سابقه دیرینه و دیکتاتوری نظامی حاکم بر آن سبب شد مردم نسبت به آنچه که می‌توانستند داشته باشند، بدبین شوند و سر به شورش بگذارند. رژیم سوسیالیستی سرهنگ قذافی درست در مقابل ایده‌آل‌های اسلامی مردم این سرزمین قرار گرفته بود. در دو دهه اخیر، تسلیم شدن او به خواست آمریکایی‌ها مردم را بیش از پیش نگران و متحیر ساخته بود. تحویل سلاح‌ها و واگذاری فعالیت‌های اتمی خود به آمریکا اوج این وابستگی بود. موج بیداری اسلامی به لیبی هم سرایت کرد و مردم یکپارچه قیام کردند. آن‌ها منتظر فرصتی بودند تا به بازآفرینی تمایلات دینی و اسلامی خود سامان دهند. این نوشتار به علل و عوامل و همچنین پیامدهای بیداری اسلامی در این کشور مسلمان و آفریقایی پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** لیبی، بیداری اسلامی، آفریقا



## لیبی در یک نگاه

**جغرافیا و جمعیت:** کشور لیبی در منطقه شمال آفریقا و در ساحل جنوبی دریای مدیترانه واقع شده است. اگر مصر و لیبی را جزء خاورمیانه بدانیم این کشور از شرق با مصر، از غرب با تونس و الجزایر، و از جنوب با سودان، چاد و نیجر همسایه است. با وسعتی معادل ۱/۷۷۵/۵۰۰ کیلومتر مربع، چهارمین کشور پهناور قاره آفریقا محسوب می‌شود و بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر ساحل در دریای مدیترانه دارد. براساس سرشماری سال ۲۰۰۶، جمعیت لیبی بالغ بر ۵/۳۲۱/۰۰۰ نفر است. ۹۷ درصد مردم لیبی مسلمان و مالکی مذهب هستند. زبان رسمی این کشور عربی و دین رسمی آن اسلام است.

آب و هوای کشور در نوار ساحلی مدیترانه‌ای است و هرچه از ساحل دورتر شویم خشک و صحرایی می‌شود؛ به طوری که بخش اعظم کشور را صحرای بزرگ آفریقا پوشانده است و حدود چهار پنجم جمعیت لیبی در نوار ساحلی این کشور مستقرند. «طرابلس» پایتخت کشور، شهری ساحلی است با کمتر از یک میلیون نفر جمعیت که بزرگ‌ترین شهر لیبی است. «بنغازی» دومین شهر بزرگ کشور است و شهرهای بندری و صنعتی - تاریخی آن، «مصراة»، «خمس»، «سرت» و «لبده» نیز در همین نوار ساحلی واقع شده‌اند.

**تحولات تاریخی:** سرزمینی که امروزه لیبی نامیده می‌شود، در دوره‌های تاریخی متفاوت جزو مناطق تحت حاکمیت فراعنه، لیدی‌ها، فنیقی‌ها، یونانی‌ها، کارتاژها و رومیان بوده است. پس از گسترش اسلام این سرزمین تابع خلافت‌های اموی، عباسی، فاطمی و عثمانی شد. با تضعیف و متلاشی شدن حکومت عثمانی، پای استعمارگران اروپایی به لیبی باز شد و نهایتاً در سال ۱۹۱۱ این کشور به اشغال ایتالیا درآمد. با آغاز جنگ جهانی دوم قوای آمریکایی و انگلیسی به تدریج قوای مشترک آلمانی و ایتالیایی را از لیبی اخراج کردند و خود اداره مشترک این کشور را تا سال ۱۹۵۱ به عهده گرفتند. در این سال (۱۹۵۱/۶/۱۵) لیبی به‌عنوان یک کشور پادشاهی مستقل به رسمیت شناخته شد. در اول سپتامبر ۱۹۶۹ سرهنگ **معمر قذافی** که در آن هنگام افسر گارد سلطنتی بود از غیبت **ملک ادیس سنوسی** که برای مداوا به ترکیه رفته بود، استفاده کرد و به همراه یاران خود در تشکیلات سری افسران آزاد (الضباط الاحرار) طی یک کودتای بدون خون‌ریزی، نظام سلطنتی را سرنگون کرد و با تشکیل «شورای فرماندهی انقلاب» و اعلام نظام جمهوری، رهبری کشور را به دست گرفت.

## ساختار سیاسی و اداری نظام جماهیری لیبی

ساختار نظام جماهیری لیبی برگرفته از نظریه «کتاب سبز» معمر قذافی و مبتنی بر مفهوم «دموکراسی مستقیم» (در برابر دموکراسی نمایندگی) بود. براساس این نظریه کشور از طریق کنگره‌های مردمی (به مثابه پارلمان) و کمیته‌های مردمی (به مثابه قوه مجریه) اداره می‌شد. طبق آخرین تقسیمات کشوری، در دوره قذافی، لیبی از ۳۲ استان و ۳ منطقه اداری تشکیل می‌شد و هر استان یا منطقه براساس تراکم جمعیتی از یک تا ۲۹ کنگره مردمی را در بر می‌گرفت. هر کنگره یک کمیته به‌عنوان بازوی اجرایی داشت که قذافی امور اجرایی منطقه را به آن سپرده بود و خود نظارت بر عملکرد آن را بر عهده داشت.

## سیاست خارجی لیبی

به‌طور کلی سیاست خارجی لیبی در زمان جنگ سرد به بلوک شرق متمایل بود. این کشور روابط خود را بر دو اصل حمایت از گروه‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان و ناسیونالیسم عربی استوار کرده بود. اعلام اتحاد با مصر و سوریه، پیوستن به جبهه پایداری عرب، حمایت از گروه‌های فلسطینی و مقابله با کشورهای سلطنتی عربی، از جمله سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی لیبی در این دوره زمانی بود.

بحران «لاکربی» (سقوط هواپیمای پان امریکن بر فراز لاکربی اسکاتلند با ۲۷۰ سرنشین در اثر بمب‌گذاری) مهم‌ترین چالش سیاست خارجی لیبی در دو دهه گذشته بود. به دنبال

جدول تفکیکی تعداد کنگره‌های محلی در هر استان (شعبیه)

نام استان	تعداد کنگره‌های مردمی	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت	نام استان	تعداد کنگره‌های مردمی	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت
بطنان	۱۹	۸۳۸۶۰	۱۴۴۵۲۷	مرقب	۱	۳۰۰۰	۳۲۸۲۹۲
درنه	۸	۴۹۰۸	۸۱۱۴۷	بنی ولید	۴	۱۹۷۱۰	۷۴۲۴
القبه	۱۰	۱۴۷۲۲	۹۳۸۹۵	ترهونه و مسلاته	۲۶	۵۸۴۰	۲۹۶۰۹۲
جبل الاخضر	۲۲	۷۸۰۰	۱۹۴۱۸۵	طرابلس	۲۹	۴۰۰	۸۸۲۹۲۶
المرج	۱۵	۱۰۰۰۰	۱۱۶۳۱۸	الجفاره	۲۰	۱۹۴۰	۲۸۹۳۴۰
بنغازی	۲۵	۸۰۰	۶۳۶۹۹۲	الزاویه	۲۴	۱۵۲۰	۱۹۷۱۷۷
واحات	۳	۱۰۸۶۷۰	۲۹۲۵۷	صبراتة و صرمان	۱۲	۱۳۷۰	۱۵۲۵۲۱
الکفره	۲	۴۸۳۵۱۰	۵۱۴۳۳	النقاط الخمس	۱۰	۵۲۵۰	۲۰۸۹۵۴
سرت	۲۵	۷۷۶۶۰	۱۵۶۳۸۹	غریان	۱۲	۴۶۶۰	۱۶۱۴۰۸
الجفره	۵	۱۱۷۴۱۰	۴۵۱۱۷	یفرن	۱۴	۹۳۱۰	۱۱۷۶۴۷
مرزق	۱۱	۳۴۹۷۹۰	۶۸۷۱۸	نالوت	۱۰	۱۳۳۰۰	۶۸۸۰۱
سیها	۱۳	۱۵۳۳۰	۱۲۶۶۱۰	الحزام الاخضر	۲۳	۱۲۸۰۰	۱۰۸۸۶۰
وادی الحیاه	۱۱	۳۱۸۹۰	۷۲۵۸۷	اجداییا	۱۳	۹۱۶۲۰	۱۶۵۸۳۹
وادی الشاطی	۱۶	۹۷۱۶۰	۷۷۲۰۳	غلت	۵	۷۲۷۰۰	۲۲۷۷۰
مصراته	۱۱	۲۷۰	۳۶۰۵۲۱	غدامس	۶	۵۱۷۵۰	۱۹۰۰۰
مزه	۹	۷۲۱۸۰	۴۱۴۷۶	القطرون تجرهی (منطقه اداری)	۲	۲۵۰۰	۱۱۸۶۰
تاجوراء و النواحی الاربع	۱۱	۱۴۳۰	۲۶۷۰۳۱	مراده (منطقه اداری)	۱	-	-



این حادثه، اقدامات تنبیهی علیه لیبی در دستور کار «شورای امنیت» قرار گرفت. لیبی که از سال ۱۹۸۸ از سوی غرب به اتهام بمب‌گذاری در آلمان و قتل دو سرباز آمریکایی و تعدادی از شهروندان آلمانی تحریم تسلیحاتی شده بود از ۱۵ آوریل ۱۹۹۲، براساس قطعنامه شورای امنیت، مورد تحریم تسلیحاتی و هوایی و محدودیت‌های دیپلماتیک و تحریم تجهیزات نفتی نیز قرار گرفت.

### توقف تولید سلاح‌های کشتار جمعی

در حالی که بحران لاکربی آخرین مراحل حل و فصل خود را طی می‌کرد، لیبی یک گام دیگر نیز به سوی غرب برداشت و قذافی توقف برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی خود را اعلام کرد. در این راستا لیبی در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۸۲ برابر با ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ طی بیانیه‌ای رسمی پایبندی خود را به تمامی معاهدات منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی اعلام کرد و از تصمیم خود برای کنار گذاشتن و استفاده نکردن از هر نوع تجهیزات و موادی که می‌تواند به تولید احتمالی چنین سلاح‌هایی منجر شود، خبر داد. در پی این تصمیم، لیبی اقدامات اعتمادساز خود را با آمریکا توسعه بخشید. کنار نهادن برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی، روند لغو تحریم‌های غرب علیه لیبی و نزدیکی دو طرف به یکدیگر را تشدید کرد.

### روابط لیبی با برخی از کشورها

**۱ روابط با آمریکا:** رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا، در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵ با صدور بیانیه‌ای اعلام داشت نام لیبی از فهرست حامیان تروریسم حذف شده و امکان برقراری روابط کامل دیپلماتیک میان دو کشور فراهم آمده است. این اقدام در واقع پاسخی به همکاری لیبی با جامعه جهانی در مبارزه با تروریسم پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و کنار گذاشتن برنامه

تولید سلاح‌های کشتار جمعی بود. همچنین از سرگیری روابط سیاسی با لیبی مقدمه‌ای برای پیگیری مسائلی چون حمایت از حقوق بشر، توسعه آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان و گسترش اصطلاحات اقتصادی و سیاسی در لیبی بود.

**۲ ایجاد سازمان ساحل و صحرا:** پس از نشست سران کشورهای لیبی، بوركینافاسو، مالی، نیجر، چاد و سودان در سال ۱۹۸۸ در طرابلس «سازمان ساحل و صحرا» شکل گرفت. رهبر لیبی هدف از تأسیس این مجموعه را خارج کردن کشورهای صحرایی واقع در جنوب کشورهای آفریقایی ساحل مدیترانه از حصار خشکی و اتصال آن‌ها به مدیترانه و اروپا از طریق لیبی اعلام داشت.

**۳ اتحادیه آفریقا و نقش لیبی در آن:** در جریان چهارمین نشست فوق‌العاده سران سازمان وحدت آفریقا، قذافی شعار وحدت آفریقا، تشکیل ایالات متحده آفریقا و اتحادیه آفریقایی را مطرح کرد و با رأی مثبت کشورهای آفریقایی، «سازمان وحدت آفریقا» به «اتحادیه آفریقایی» تغییر نام داد. رهبر لیبی در سخنرانی خود در این اجلاس گفت: «من بی‌صبرانه منتظر چنین روزی بودم، زیرا روز تولد ایالات متحده آفریقاست».

در اواخر بهمن ماه ۱۳۸۲ اجلاس فوق‌العاده سران اتحادیه آفریقا در لیبی برگزار شد که اغلب رهبران آفریقایی در این نشست شرکت کردند. در چهارمین نشست سران اتحادیه آفریقا در اواخر سال ۲۰۰۴ و در پی پیشنهاد لیبی برای تشکیل وزارتخانه‌های مشترک دفاع، خارجه، بازرگانی خارجی، اقتصاد و ارتباطات، لغو تعرفه‌های گمرکی میان اعضا و ایجاد یک کانال ماهواره‌ای مشترک برای هماهنگ ساختن این اقدامات میان اعضای اتحادیه، کمیته‌ای برای بررسی روش‌های اجرای این پیشنهاد به ریاست رییس‌جمهور اوگاندا تشکیل شد.

در حالی که  
بحران لاکربی  
آخرین مراحل  
حل و فصل  
خود را طی  
می‌کرد، لیبی  
یک گام دیگر  
نیز به سوی  
غرب برداشت  
و قذافی توقف  
برنامه تولید  
سلاح‌های  
کشتار جمعی  
خود را اعلام  
کرد. در این  
راستایی  
در تاریخ  
۲۸ آذرماه  
۱۳۸۲ برابر  
با ۱۹ دسامبر  
۲۰۰۳ طی  
بیانیه‌ای رسمی  
پایبندی خود  
را به تمامی  
معاهدات منع  
تولید و گسترش  
سلاح‌های  
کشتار جمعی  
اعلام کرد





کاردار اداره می‌شد. هیئت دولت لیبی نیز در خردادماه ۱۳۸۵ گشایش سفارت این کشور را در مسقط (عمان) تصویب کرد.

### نگاهی دیگر به ساختار سیاسی - اجتماعی لیبی

ساختار سیاسی - اجتماعی لیبی که به شکل قومی - قبیله‌ای است، پیوندی ناگسستنی با وضعیت سیاسی - اجتماعی این کشور دارد. بر این اساس می‌توان شکل‌گیری دولت - ملت‌سازی در این کشور را به‌عنوان یکی از عناصر برقراری دموکراسی، یکی از چالش‌های مهم پیش روی این کشور قلمداد کرد. از همان لحظات آغازین انقلاب در لیبی (در بهار عربی یا بیداری اسلامی) بسیاری از کارشناسان مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا پیروزی انقلابیون را وابسته به یک مسئله اساسی، یعنی میزان حمایت قبایل از انقلابیون می‌دانستند. چرا که این کشور کماکان بافت قبیله‌ای خود را حفظ کرده است. گفته می‌شود که در لیبی بیش از ۱۰۰ قبیله وجود دارد که از میان آن‌ها ۳۰ قبیله نقش اساسی و تعیین‌کننده در معادلات سیاست و قدرت در این کشور دارند. از زمانی که لیبی جزو متصرفات امپراتوری عثمانی بود، تا زمانی که ایتالیا در سال ۱۹۱۱ درصد تصرف لیبی برآمد و با مقاومت شدید این قبایل روبه‌رو شد، آن‌ها تاکنون نقش اساسی در تحولات سیاسی این کشور ایفا کرده‌اند. اینکه انقلاب از شرق لیبی شروع شد، اساساً ریشه در این موضوع دارد که قبایل ساکن در این نواحی نیم‌قرن قبل، از حامیان سلطنت ملک ادریس به شمار می‌رفتند و بعد از کودتای ۱۹۶۹ عملاً به حاشیه رانده شدند. از فرقه‌های مهم ناراضی در شمال شرق لیبی می‌توان به «سنوسی»‌ها اشاره کرد که بازماندگان آن‌ها هم‌اکنون نقشی اساسی در وقایع لیبی ایفا می‌کنند. چندی قبل شبکه تلویزیونی تازه‌تأسیس انقلابیون لیبی، در کنار سنوسی‌ها، نام‌های ۲۰ قبیله را به‌عنوان قبایل حامی انقلاب برشمرد که از جمله آن‌ها می‌توان به قبایل الزومیه و العبیدی اشاره کرد.

شایان توجه است که حتی انقلاب‌های مصر و تونس ریشه در افزایش شعاع طبقه شهری و همچنین رشد و گسترش

**۴ روابط لیبی با جهان عرب: عدم حمایت کافی جهان عرب از دولت لیبی در دوران محاصره این کشور، حرکت پرشتاب دولت‌های عربی به سوی اسراییل پس از جنگ نفت، و در نتیجه بیشتر شدن فشارها علیه دولت‌های تندرو عربی (از جمله لیبی)، این کشور را به عکس‌العمل واداشت. به طوری که قذافی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۲ اعلام کرد به علت ناکارآمدی اتحادیه عرب، لیبی از آن خارج خواهد شد. گرچه وساطت‌های به عمل آمده و ملاحظات جانبی لیبی مانع از خروج رسمی این کشور از اتحادیه عرب شد، اما سردی روابط طرابلس با اتحادیه عرب استمرار یافت. رهبر لیبی در کنفرانس سران عرب در الجزیره در سال ۱۳۸۴ شرق‌الوسط (خاورمیانه) را شرق‌الوسخ (شرق کثیف) خواند و خواستار جدا کردن مسائل خاورمیانه از مسائل شمال آفریقا شد. هیئت لیبیایی شرکت‌کننده در نشست وزیران خارجه اتحادیه عرب در خارطوم نیز در بهار ۱۳۸۵ بر این موضوع تأکید کرد.**

سرانجام و در پی سفر **عمرو موسی**، دبیر کل اتحادیه عرب به طرابلس در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ و ملاقات با رهبر لیبی، لیبی همه‌بدهی‌های معوقه خود را بابت حق عضویت در اتحادیه عرب پرداخت و به سردی چندین ساله روابط خود با این سازمان عربی پایان بخشید.

همچنین پس از پیروزی «جنبش حماس» در فلسطین، هیئت دولت لیبی در مصوبه‌ای کمک به مردم فلسطین را به‌طور رسمی تصویب کرد و به دنبال سفر بهار ۱۳۸۵ **محمودالزهار**، وزیر خارجه دولت خودگردان فلسطین به لیبی و دیدار وی با رهبر این کشور، لیبی متعهد شد ۵۵ میلیون دلار به دولت خودگردان (از طریق اتحادیه عرب) کمک کند که اولین قسط این کمک‌ها در سفر مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ دبیر کل اتحادیه عرب به طرابلس به وی پرداخت شد.

### ۵ روابط لیبی با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس: این روابط توسعه زیادی یافت و امارات و قطر در

طرابلس دارای سفارت‌خانه‌های فعالی شدند. سفارت کویت در طرابلس نیز در تابستان سال ۱۳۸۵ بازگشایی شد که در سطح



فرهنگ شهرنشینی در این جوامع داشتند؛ وضعیتی که بسیاری نبود آن را علت به خشونت کشیده شدن انقلاب در لیبی عنوان کرده‌اند. کشورهای غربی نیز با درک این موضوع که لیبی فاقد احزاب سیاسی، نهادها، تشکل‌ها و انجمن‌های سیاسی - اجتماعی کاراست، دریافتند که ارکان قدرت را در لیبی بعد از قذافی باید در تعاملات احتمالی میان قبایل جست‌وجو کنند.

با برگزاری انتخابات کنگره ملی در سال ۲۰۱۲، مردم لیبی پس از نیم‌قرن شاهد برگزاری نخستین انتخابات آزاد با شرکت نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت کشور بودند. با وجود این هنوز در بخش‌هایی از لیبی نزاع و درگیری میان قبایل و گروه‌ها در جریان است و وجود اسلحه در دست بسیاری از افراد غیرنظامی و گروه‌های کوچک، برقراری امنیت را در این کشور آفریقایی به‌عنوان معضل نخست دولت مرکزی مطرح کرده است. همچنین پس از انتخابات، شورای انتقالی لیبی قدرت را به کنگره واگذار کرد و طی مراسم انتقال قدرت، **عبدالجلیل**، رئیس شورای انتقالی، به ناتوانی شورای انتقالی در برقراری امنیت در لیبی پس از قذافی اعتراف کرد.

اکنون، حتی بعد از انتخابات کنگره ملی و انتقال قدرت از شورای انتقالی به کنگره ملی لیبی، آنچه روند دموکراسی را در این کشور تهدید می‌کند، نظام قبیله‌ای حاکم بر آن است. از سویی در این انتخابات برخی قبایل شرقی در بنغازی که مدعی خودمختاری هستند، به سهمیه اختصاص داده شده برای آن‌ها در مجلس معترض شدند و در روند انتخابات در منطقه خود اخلال ایجاد کردند و حتی برگه‌های رأی را سوزاندند. نکته اساسی این است که قبایل تجربه تبعیض را در دوره حکومت قبلی داشته‌اند و بنابراین دارای ذهنیتی منفی نسبت به تحقق حقوق خود هستند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه قبایل «تبو»، «آمازیق» و «طوارق» در مناطق مرزی لیبی مستقر هستند و رگه‌های مشترک نژادی با سایر قبایل آفریقا مانند قبایل نیجر و مالی دارند، ممکن است در آینده به سمت تجزیه‌طلبی حرکت کنند. به همین دلیل کنگره ملی لیبی باید در اولین گام، موضوع وجود تبعیض بین قبایل مرکزی و شرقی

را مورد توجه قرار دهد و نوعی آشتی ملی میان همه شهروندان لیبی ایجاد کند.

پیروزی لیبرال‌ها در کنگره ملی لیبی، هرچند ممکن است کمک‌های مالی و اقتصادی آمریکا و غرب را به سمت لیبی جذب کند، اما در بعد داخلی با برخی احزاب اسلامی که در کنگره ملی کرسی‌هایی به دست آورده‌اند، برخوردی جدی خواهند داشت. با توجه به چنین مشکلاتی می‌توان مسئله دولت - ملت‌سازی را یکی از مسائل مهم پیش روی این کشور قلمداد کرد. چراکه می‌دانیم تکوین ملت نیازمند تکوین دولت است و مفهوم دولت و سازمان سیاسی منطقاً و از نظر تاریخی بر ملت تقدم دارد. از این رو مجموعه کسانی که در درون نظام سیاسی والاتر از قوم و قبیله زندگی می‌کنند، یک ملت‌اند.

بنابراین تنها با ایجاد ساختارهای دموکراتیک نمی‌توان به توسعه دموکراسی و خروج از وضعیت قومی و قبیله‌ای امیدوار بود. بلکه باید تلاش کرد این ساختارها خود محل نزاع اقوام و قبایل قومی نباشند و هم‌زمان همراه با توسعه این ساختارها، به توسعه فرهنگ سیاسی دست یافت که خود مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به فرایندها و زندگی سیاسی توأم با هم‌زیستی مشترک زیر نظر یک دولت مشترک می‌انجامد.

### انقلاب‌هایی که مهار نخواهند شد

با اوج‌گیری بیداری اسلامی در کشورهای تونس، لیبی، بحرین، یمن و... که تبعاتی چون پررنگ شدن حضور جریان‌های اسلامی در صحنه سیاسی، تضعیف پایگاه‌های منطقه‌ای آمریکا و متحدانش در خاورمیانه و همچنین تقویت محور مقاومت در منطقه را به دنبال داشت، دستگاه امنیتی - دیپلماتی ایالات متحده و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، همچون قطر، ترکیه و عربستان را بر آن داشت که مهار خیزش‌های عظیم مردمی را در برنامه کار خود قرار دهند.

حفظ نهادهای امنیتی، نظامی و سیاسی در تونس به دنبال فرار بن علی، مداخله نظامی ناتو در لیبی و تلاش برای به

#### تنها با ایجاد ساختارهای

#### دموکراتیک

#### نمی‌توان

#### به توسعه

#### دموکراسی

#### و خروج از

#### وضعیت قومی و

#### قبیله‌ای امیدوار

#### بود. بلکه باید

#### تلاش کرد این

#### ساختارها خود

#### محل نزاع

#### اقوام و قبایل

#### قومی نباشند و

#### هم‌زمان همراه

#### با توسعه این

#### ساختارها، به

#### توسعه فرهنگ

#### سیاسی دست

#### یافت که

#### خود مجموعه

#### نگرش‌ها و

#### ارزش‌هایی

#### است که به

#### فرایندها و

#### زندگی سیاسی

#### توأم با هم‌زیستی

#### مشترک

#### زیر نظر یک


#### دولت مشترک

#### می‌انجامد





حاشیه راندن نیروهای مردمی و انقلابی در جریان شکل‌گیری دولت انتقالی، حفظ ارتش و نهاد امنیتی در مصر و در تنگنا قرار دادن «آخوان المسلمین» به عنوان رهبر جریان‌های اسلامی در این کشور برای به چالش نکشیدن منافع آمریکا در قاهره، تلاش برای کنترل بحران در یمن به عنوان ستون فقرات امنیت ملی عربستان سعودی، مهم‌ترین هم‌پیمان عرب آمریکا در منطقه، سرکوب قیام مردم بحرین با سیاست مشت آهنین و تلاش برای بازگرداندن ثبات به این کشور از طریق ارسال سلاح و مستشار نظامی، و دست آخر هم بحران آفرینی و ماجراجویی در سوریه برای فرار به جلو و ضربه زدن به محور مقاومت، باعث شد تا بسیاری از کارشناسان سیاسی از مهار انقلاب‌های مردمی توسط سیاستمداران آمریکایی سخن به میان آورند.

**دیدگاهی پیرامون آینده انقلاب‌های عربی**  خاورمیانه عربی و شمال آفریقا همچنان در التهاب بیداری اسلامی از نوع خاص خود به سر می‌برد. التهاب از تونس، لیبی، مالی در شمال قاره آفریقا و مصر، سودان و سومالی در شاخ آفریقا گرفته تا سوریه در سواحل شرقی مدیترانه و بحرین، عربستان و عراق در حوزه خلیج فارس، با شدت تمام در جریان است. کشورهای عرب به دو گروه تقسیم شده‌اند: کشورهایی که در آن‌ها انقلاب‌های مردمی ناتمام مانده و یا مصادره شده‌اند و کشورهایی که هنوز درگیر تب و تاب انقلاب‌های مردمی در آتش می‌سوزند و هنوز تکلیف آن‌ها روشن نشده است. در این بین کمتر کشور عربی است که انتظار داشته باشد از طوفان تحولات برکنار باقی بماند. بنابراین دنیای عرب با یک پرسش جدی و سرنوشت‌ساز روبه‌روست و این‌که: در فردای فروکش کردن طوفان، دنیا با چه خاورمیانه عربی سروکار خواهد داشت؟ اهمیت این پرسش در آن است که تاکنون، به عمد، کمتر به ریشه‌های بروز طوفان توجه شده است. طوفان تحول خواهی در دنیای عرب امری تصادفی نیست. اعراب بیش از نیم‌قرن است که تحقیر شده‌اند و در مقابل این تحقیرشدگی راه برون‌رفتی نیافته‌اند. آن‌ها در دو جهت با شکست سرنوشت‌سازی روبه‌رو شده‌اند:

**در حوزه نظری نیز جریان‌های هم‌سو با نظام سلطه کوشیدند با ایجاد ادبیات مورد نیاز برای مطالعات نظری در رابطه با قیام‌های منطقه، به قلب واقعیت بپردازند. طرح تئوری «پسا اسلام‌گرایی» و یا «عبور از گفتمان آمریکاستیزی» به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل خاورمیانه نوین، از جمله این تلاش‌هاست. آصف بیاتگ، استاد دانشگاه «لیدن» هلند، در تحلیل انقلاب‌های عربی با تأکید بر عبور از اسلام‌گرایی در خاورمیانه می‌نویسد: «جنبش‌های مدنی خاورمیانه بیش از همه در صدد پررنگ کردن حقوق شهروندی هستند. ایجاد دولتی دموکراتیک و جامعه‌ای باز، از اهداف انقلاب پسااسلام‌گرایی در کشورهای عربی است.» **الیور روی**، شرق‌شناس فرانسوی نیز در رابطه با ماهیت تحولات ۲۰۱۱ در خاورمیانه می‌نویسد: «عدم طرح شعارهایی چون **اسلام تنها راه حل است** و **یا مرگ بر امپریالیسم و صهیونیسم** نشان از ماهیت غیرایدئولوژیک جنبش‌های عربی دارد.**

این در حالی است که پخش اذان از رسانه‌های تونس پس از نیم‌قرن، تأکید انقلابیون لیبیایی بر شریعت به‌عنوان مبنای قانون‌گذاری در آینده این کشور، پیروزی چشمگیر نیروهای اسلام‌گرا در انتخابات مصر و تقویت اسلام سیاسی در منطقه، داستان دیگری را در رابطه با ماهیت و چیستی قیام‌های عربی روایت می‌کند. با این حال طغیان دوباره دریای خشم مردم

این در حالی است که پخش اذان از رسانه‌های تونس پس از نیم‌قرن، تأکید انقلابیون لیبیایی بر شریعت به‌عنوان مبنای قانون‌گذاری در آینده این کشور، پیروزی چشمگیر نیروهای اسلام‌گرا در انتخابات مصر و تقویت اسلام سیاسی در منطقه، داستان دیگری را در رابطه با ماهیت و چیستی قیام‌های عربی روایت می‌کند. با این حال طغیان دوباره دریای خشم مردم



۱. در مقابله با اسرائیل و احقاق حقوق فلسطینیان؛

۲. در جذب مدرنیسم و سازگار کردن آن با ساختارهای

سنتی، فرهنگی و دینی.

نتیجه این هر دو ناکامی در جهان عرب، خشم فروخته‌ای است که در کلیت جوامع عربی به‌طور متراکمی انباشته شده است و گاه‌گاه در قالب ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی امکان بروز می‌یابد. اما این برای اولین بار است که بیداری اسلامی تمام کشورها و تمام اقشار عرب را به میدان مبارزه کشانده است. همگانی شدن قیام اعراب علی‌القاعده می‌باید برای هر دو ناکامی اعراب راه‌حلی بیابد، اما روشن است که این کار به سادگی عملی نخواهد بود. مادامی که مشکل دوگانه اعراب باقی مانده باشد، انقلاب‌های عربی قابلیت دوام خواهند داشت. اینکه اعراب در هر دو شکل نظام‌های جایگزین همچنان انقلاب‌های خود را ناتمام می‌دانند و در اندیشه ادامه آن هستند، به خوبی نشان می‌دهد که هیچ کدام از دو مشکل اعراب حل نشده‌اند. این امر به‌خصوص در مصر که مهم‌ترین کشور عرب محسوب می‌شود، قابل ردیابی بیشتری است.

شاخه سیاسی اخوان‌المسلمین که جانشین رژیم سابق حسنی مبارک شده است، برای هیچ کدام از انتظارات و مشکلات جامعه پاسخ روشنی ندارد. بدین معنا که از یک طرف در چارچوب معادلات جهانی و منطقه‌ای قدرت قادر نیست قرارداد «کمپ دیوید» را با اسرائیل لغو و یا آن را تعدیل کند و از طرف دیگر به دلیل ماهیت ایدئولوژیک خود قادر نیست برای آشتی دادن سنت‌های فرهنگی و مذهبی مصری‌ها با شرایط متحول جهانی و جذب سازوکارهای مدرنیسم اقدامی جدی به عمل آورد. دموکراسی لیبرال، در ساخت قدرت، از الزامات جوامع مدرن غربی است. دولت اخوان در مصر که خود با استفاده از این سازوکار و از طریق انتخابات عمومی به قدرت رسیده است، نمی‌تواند در چارچوب آن راه‌حل بیابد و جامعه را به ثبات لازم برساند. میدان «التحریر» همچنان محل رفت و آمد و تجمع گروه‌های ناراضی است که خواهان پاسخ به هر دو مشکل یادشده دنیای عرب و مصر هستند.

تازه این در کشوری است که در هر حال یک گام نسبت

به سایر کشورها جلوتر است، و گرنه در کشوری نظیر سوریه

جنگ قدرت همچنان شدید و دورنمای آن ناروشن تر است.

رژیم‌های حاکم در کشورهای عربی با بن‌بست راهبردی

روبه‌رو شده‌اند و راه برون‌رفتی ندارند. اما ملت‌های عرب نیز

وضعیت بهتری پیش روی خود نمی‌بینند: انقلاب اجتماعی

کرده‌اند و یا در حال انجام انقلاب اجتماعی، در جنگ داخلی

درگیر شده‌اند. تفاوتی نمی‌کند که نمونه سوریه باشد یا نمونه

بحرین، نتیجه در هر حال یکی است. در هر کشور عربی، هر

نظامی که جایگزین رژیم دیکتاتوری سابق بشود، اگر نتواند

به دو مشکل اصلی ذکرشده پاسخ مناسب بدهد، در معرض

عدم مقبولیت عمومی قرار خواهد داشت. خلأ اصلی قدرت در

همین جاست که معنای واقعی خود را می‌یابد. این خلأ را از

طریق ظاهرسازی و رنگ دموکراتیک دادن به قدرت نمی‌توان

پر کرد.

رژیم اشغالگر اسرائیل همچنان عامل تهدید است و هر

قدرتی که جایگزین قدرت‌های شکست‌خورده می‌شود، می‌باید

برای این مشکل راه‌حل‌های روشنی پیش پای توده‌های عرب

بگذارد. زخم فلسطین چگونه التیام خواهد یافت: با سازش یا

محو اسرائیل؟ رژیم‌های نوپا چگونه می‌خواهند توده‌های عرب

را قانع سازند؟ در هر حال پیرامون تمامی این مسائل ابهامات

جدی وجود دارد و تا این ابهامات هستند، هیچ حکومت

جایگزینی نمی‌تواند امیدوار باشد که افکار عمومی را پشتوانه

مشروعیت قدرت خود سازد. اینکه خلأ قدرت به وجود آمده

را چگونه و با بهره‌گیری از چه نیروهایی می‌توان در دنیای

عرب پر کرد، به درستی روشن نیست. ولی این موضوع لااقل

تاکنون روشن شده است که حکومت‌های جایگزین در مصر،

تونس، لیبی و یمن آن ساختاری از قدرت را که بتواند به

مشکلات اصلی پاسخ بدهد، مستقر نگردند. التهاب دنیای

عرب همچنان باقی است و معلوم نیست که در نهایت کدام

شکل از قدرت در دنیای عرب جایگزین نظامی خواهد شد که

از جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

باقی مانده بود.

قابل توجه

مخاطبان: در این

نوشتار از پایگاه‌های

اطلاع‌رسانی زیادی

استفاده شده است که

از آن جمله می‌توان

به «وبگاه بیداری

اسلامی» و «وبگاه

پژوهشکده مطالعات

استراتژیک خاورمیانه»

اشاره کرد.

# آموزش امنیت

بررسی مفهوم نقش رسانه‌ها، آموزش و پرورش، و خانواده در آموزش امنیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

فاطمه شهرزاد بخشایش

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

## مقدمه

امنیت از نیازهای اساسی انسانی به‌شمار می‌رود، به‌طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، چنان‌که مازلو در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد. موضوع امنیت در متون دینی - اسلامی ما نیز همواره مورد توجه بوده است. **امیرالمؤمنین علی (ع)** فرموده‌اند: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین در آن امنیت نداشته باشند». (دایرةالمعارف جامع اسلامی، ج ۲: ۵۲۳).

**امام صادق (ع)** نیز در این باره فرموده‌اند: «سه چیز است که عموم مردم بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و فراوانی نعمت» (پیشین). یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم که به موضوع «امنیت» اشاره دارد، آیه ۱۲۶ سوره مبارکه «بقره» است که مشتمل بر دعای پیامبر بزرگ خداوند، **حضرت ابراهیم (ع)** درباره سرزمین و مردم مکه است: «وبه یادآور هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را، که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند، از ثمرات (گوناگون) روزی رسان». در قرآن کریم آمده است که ریشه امنیت در ایمان نهفته است و این هم در حوزه فردی و اجتماعی جاری است. فرد بی ایمان و بریده از معنویات هرگز به امنیت حقیقی دست نخواهد یافت.

امنیت اجتماعی یکی از شاخه‌های امنیت و همانا مایه آرامش و آسودگی خاطر است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد کند (رجبی، ۱۳۸۲: ۱۴). امروزه پیشرفت فناوری زندگی اجتماعی و جمعی را به‌شدت متحول کرده و روابط اجتماعی متأثر از عصر مدرنیته پیچیده‌تر شده است. اینترنت، ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، سینماهای چند بعدی و... جایگزین روابط انسانی شده‌اند که تأثیرات پیدا و پنهان آن‌ها، اهمیت و ارزش مفهوم امنیت اجتماعی را فزونی بخشیده‌اند.

در کشور ما امنیت اجتماعی به‌دلیل نسبت بالای جمعیت جوان اهمیت ویژه‌ای دارد. بدیهی است که آسیب‌پذیری جوانان در مقابل آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، جرم و جنایت، پرخاشگری، خشونت، بزهکاری و... بالاست. در نتیجه نخستین گام در تأمین امنیت اجتماعی می‌تواند آموزش امنیت اجتماعی باشد. به‌همین دلیل در نوشتار حاضر به جایگاه سه نهاد اجتماعی، **خانواده، نظام آموزشی و رسانه** که در امر آموزش امنیت اجتماعی افراد نقش آفرینی می‌کنند، پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش، امنیت اجتماعی، امنیت

## مفهوم امنیت اجتماعی

در تعریف لغوی، «امنیت» محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است. در فرهنگ لغات، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲). در «دانش نامه سیاسی» آمده است: «امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید یا حمله را گویند (آشوری، ۱۳۷۰).

در واقع امنیت یعنی رفع خطر و رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت. بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که امنیت دارای دو عنصر اساسی **تهدید** و **فرصت** است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۲۴۸). به این ترتیب، امنیت شامل دو وجه است: در وجهی تحقق امنیت در گرو «نبود خطر» است و در وجه دیگر، امنیت عبارت است از «کسب فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها».

**کارل دبلیو دوویچ** در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «منظور از امنیت اجتماعی، گروه هم‌پسته‌ای از مردم در یک سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان دارند. چنین امنیتی حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و سبب می‌شود که مردم تغییراتی آرام و تسوأم با انتظارات قابل پیش‌بینی را تجربه کنند.» وی در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد (Goetschel, 1999).

**گکز** (۱۹۹۳) معتقد است: «امنیت اجتماعی در یک مفهوم وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برچسب امنیت انسانی زده می‌شود، در بر می‌گیرد.» وی علاوه بر مؤلفه‌های اخیر، مؤلفه‌های دیگری

نظیر عدالت در سطح ملی، ریشه‌کن کردن فقر و آزادی نسل‌های آتی برای به ارث بردن محیطی سالم را مطرح می‌سازد. **آکایر** (۲۰۰۵) در تعریف خود از ناامنی اجتماعی، بر تهدیدات خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی (مجرمانه) متمرکز شده است (پیشین).

**مولر** در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «به‌طور عام، امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای دوام ویژگی‌های اساسی آن در فرایندهای تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی است و به‌طور خاص، امنیت اجتماعی توانایی محافظت و حفظ شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای اجتماعی، هویت ملی-مذهبی (مذاهب) و رسوم اجتماعی است.»

**مک‌سوئینی** در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: «امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع منافع و هویتشان را خلق و باز تولید می‌کنند.» **هایزمن** نیز معتقد است: «امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت‌ها متمرکز است» (Bilgin, 2003).

نمونه بارز تجربی بعد اجتماعی، خانواده و مسجد است. وسیله ارتباطی در این دو واحد تعهد و دوستی است. یعنی در خانواده و مسجد عمدتاً تعهد ذخیره شده است. به تعبیر دیگر، این دو واحد غالباً به تعامل اجتماعی با یکدیگر می‌پردازند. مضامین در خانواده و مسجد، معمولاً سنت‌ها هستند. البته این دو واحد از دو جنس نسبتاً متفاوت‌اند. مسجد یک اجتماع عقیدتی است و روابط اجتماعی در آن غالباً از نوع برادری-آرمانی است، در حالی که خانواده یک اجتماع طبیعی است و روابط اجتماعی در آن از نوع برادری - خونی است.

امنیت اجتماعی مواردی چون امنیت زیستی یا بنیادی، جانی، سرمایه‌ای، قضایی و ارتباطی را نیز شامل می‌شود.

## امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی عبارت است از: «ایجاد وضعیتی مطمئن، آرامش بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها میراث فرهنگی، آثار ادبی و... به عبارت دیگر، مصونیت فرهنگ فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید را امنیت فرهنگی گویند» (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۵۶).

امنیت فرهنگی در معنای عینی آن فقدان تهدید میراث فرهنگی و حفظ آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن، فقدان ترس از هجوم‌ها و حلقه‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد.

نمونه بارز تجربی بعد فرهنگی، کتابخانه است. کتابخانه مظهر نظام منطقی جامعه است. در کتابخانه عمدتاً اندیشه‌ها ذخیره شده‌اند. واحد بسیط فرهنگ در کتابخانه، «اندیشه متنی» و رابطه عمده در آن از نوع «رابطه منطقی» است. مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، مکان‌های ارائه هنر و تفریحگاه‌ها مصداق تجربی نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌روند. در مدرسه اندیشه‌ها در روابط گفتگویی رد و بدل می‌شوند. در تفریحگاه، شادی و نشاط که عامل امنیت روانی است، تولید و مبادله می‌شود. پس وجود گفتمان آزاد، بدون سانسور و انتخاب شادی و نشاط از جمله شاخص‌های امنیت فرهنگی محسوب می‌شوند. امنیت فرهنگی خود به امنیت بهداشتی، روانی، اخلاقی، حیثیتی، عاطفی و حمایتی تقسیم می‌شود.

## امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی و مالی به معنای ایجاد چنان نظامی در اجزا و بخش‌های گوناگون اقتصادی جامعه است که افراد را از

احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد اقتصادی امنیت، بازار و بانک است. وسیله اصلی ارتباطی در این دو نوع واحد، پول است. یعنی در بازار و بانک ثروت مادی و پول ذخیره می‌شود و روابط غالب بین کنشگران، از نوع روابط مبادله‌ای، باید در محیطی امن صورت گیرد. بدیهی است در این نوع واحد عمدتاً محصولات و خدمات بین کنشگران مبادله می‌شوند. وجود امنیت را در این بعد، با شاخص‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری‌ها، توزیع عادلانه ثروت، استفاده از امکانات به‌طور یکسان، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اداری، اختلاس، ارتشا، کاهش عوارض مختلف دولتی و تعرفه‌های غیر ضروری و ثبات بازار مشخص می‌سازند.

## امنیت سیاسی

به معنای فراهم نمودن امکان اظهار نظر برای افراد، پیرامون چگونگی اداره جامعه و شرکت در این گونه امور بدون احساس بیم و هراس است. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد سیاسی، کلاتری، زندان، دادگاه و نهادهای تأمین‌کننده حقوق مدنی است (صالحی امیری، ۱۳۹۰).

## نقش نهاد خانواده در آموزش امنیت اجتماعی

خانواده به‌عنوان هسته مرکزی اجتماع نقشی اصلی در تأمین امنیت افراد ایفا می‌کند. در حقیقت، اولین محیطی که فرد در آن احساس امنیت را تجربه می‌کند، خانواده است. توجه به جایگاه خانواده به‌عنوان رکن اصلی تأمین امنیت عاطفی، روانی، جسمی، فرهنگی و... می‌تواند تأمین امنیت در سطح جامعه را تضمین کند. واضح است عضویت و احساس تعلق به خانواده و تأمین نیازها و کسب امنیت در خانواده توسط افراد، به انتقال و تعمیم این حس به اجتماع منجر می‌شود و همه مردم در قبال جامعه به افراد احساس تعلق و تکلیف می‌کنند. در چنین شرایطی حفظ احترام و حقوق انسانی مردم در نتیجه حفظ و تأمین امنیت اجتماعی هم‌نوعان محقق می‌شود.

نهاد خانواده مانند سایر نهادهای اجتماعی، دارای کارکردهای متنوعی در درون خانواده و در بیرون آن، یعنی عرصه اجتماعی است. کارکرد نهاد خانواده در درون خانواده، با اثرگذاری بر اعضای خود نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به لحاظ اینکه بین اعضای خانواده ارتباطات مستقیم و چهره‌به‌چهره وجود دارد، تأثیر متقابل بین اعضا از عمق و پایداری بیشتری برخوردار است. جامعه‌شناسان در مورد کارکردهای

امنیت اقتصادی و مالی به معنای ایجاد چنان نظامی در اجزا و بخش‌های گوناگون اقتصادی جامعه است که افراد را از احساس خطر نسبت به کمبود و فقدان لوازم و امکانات اساسی مورد نیاز خود مصون دارد. نمونه بارز تجربی تعریف مفهومی بعد اقتصادی امنیت، بازار و بانک است





اجتماعی نهاد خانواده به نکات مهمی اشاره داشته‌اند. آن‌ها نقش و کارکرد نهاد خانواده را در ساخت‌های اجتماعی، مکمل کارکرد سایر نهادهای اجتماعی از جمله نهاد آموزش و مذهب و ... دانسته‌اند و آثار آن را در تقویت هویت و امنیت اجتماعی در سطح بالایی ارزیابی می‌کنند.

**وثوقی و نیک خلق** علاوه بر کارکرد پرورشی و اجتماعی کردن کودکان که در ارتباط با انواع خانواده متفاوت است، به وظیفه فرزندزایی، ایجاد هویت اجتماعی، حمایت و ارشاد فرد اشاره می‌کنند (۱۳۷۵: ۱۷۴). همچنین آن‌ها کارکردهای تولید، تعلیم و تربیت و آموزش حرفه‌وفن را در خانواده سنتی روستایی مطرح می‌سازند. یکی از بدیهی‌ترین نتایج کارکرد پرورشی و اجتماعی کردن کودک، ایجاد تعلق نسبت به افراد گروه‌های اجتماعی است که بستر ساز شکل‌گیری هویت و تأمین امنیت متقابل اجتماعی محسوب می‌شود.

**کوئن** خانواده را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، دارای کارکردهایی می‌داند که ماهیت آن‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت می‌پذیرد (۱۳۷۶: ۱۳۱). او در ادامه تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد، به مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان، اجتماعی کردن فرزندان، تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی و فراهم آوردن امنیت اقتصادی به‌عنوان کارکردهای خاص نهاد خانواده اشاره می‌کند.

**نوبدینیا** در توضیح کارکرد عاطفی خانواده و نیاز جامعه به احساس تعلق و پیوند میان اعضا، بر این باور است که حیات جامعه در گرو احساس تعلق، وابستگی و پیوند میان اعضای آن است؛ به‌نحوی که مراقبت از احساس تعلق و تعهد افراد نسبت به یکدیگر، مهم‌ترین ضرورت حیات هر اجتماعی به‌شمار می‌رود (۱۳۸۵: ۲۹). در این مورد می‌توان گفت تنها نهادی که می‌تواند به بهترین وجه از عهده چنین ضرورتی برآید، نهاد خانواده است؛ چرا که لازمه مراقبت از احساس تعلق افراد نسبت به یکدیگر، وجود روابط عاطفی، عشق و محبت است که شکل حقیقی و واقعی آن را تنها در نهاد خانواده می‌توان یافت. آنچه گاه در سایر نهادها مشاهده می‌شود، در سطح بالایی از شکنندگی قرار دارد و ناپایدار است. این نتیجه ما را از ظرفیت نهاد خانواده در هویت و امنیت‌سازی آگاه می‌سازد؛ زیرا ابتدایی‌ترین انتظار هر فرد انسانی در روابط با دیگران، احساس آرامش، آسایش و امنیت در هم‌زیستی با آنان است.

دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در مباحث خود معمولاً کارکردهای نهاد خانواده را به دو دسته کلی تقسیم

می‌کنند. آن‌ها از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی به وجه نرم و از مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی به وجه سخت کارکرد نهاد خانواده یاد می‌کنند.

### کارکرد نرم خانواده

**الف ابعاد فرهنگی:** شامل اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، نمادهای فرهنگی، کیفیت روابط و غیره در تعاملات اجتماعی است که از رویکردی به رویکرد دیگر متفاوت است. نوع انتخاب و منش نهاد خانواده که اعضای آن در ارتباط تنگاتنگ عاطفی هستند، در شکل‌دهی به هویت خانوادگی و هویت فرهنگی مؤثر است و سبب پیدایش انواع خانواده، مانند خانواده مذهبی، بی‌بند و بار و ... می‌شود.

**ب ابعاد اجتماعی:** شامل علقه‌ای که به واسطه ازدواج دختر با پسر بین یک خانواده با خانواده دیگری برقرار می‌شود و به سطوح متفاوت جامعه تعمیم می‌یابد، تعهد خانواده در قبال تعاملات اجتماعی مانند معامله، وام گرفتن و یا وفای به عهد، که در صورت التزام عملی و یا عدم التزام عملی، در وهله اول درونی، یعنی احساس خوشحالی و مسرت و یا احساس گناه و تقصیر است و در وهله دوم بیرونی شامل تأیید خانوادگی و اجتماعی، ملامت یا تحسین خانوادگی و اجتماعی و طرد یا جذب خانوادگی و اجتماعی است.

گفتنی است کارکردهای نرم نهاد خانواده را صرفاً نمی‌توان به ابعاد آشکار فرهنگی و اجتماعی محدود کرد، زیرا کارکردهای نرم، در حوزه کارکردهای غیرمستقیم و به تعبیری پنهان نیز قابل شمارش و تجزیه و تحلیل هستند.

### کارکرد سخت خانواده

**الف ابعاد سیاسی:** به‌نظر می‌آید ابزار گروه‌ها، در این بعد اعم از خانواده و دیگر نهادها، مشتمل بر زور، اقتدار، سلطه و جاذبه در روند تعاملات اجتماعی است. در این نوع از تعامل نقش دولت و پلیس، برجسته است. در این بعد گروه‌هایی دارای روابط سرد و همچون دو حریف در مقابل هم قرار می‌گیرند و هنجارهای تولید شده مبتنی بر روابط، تعارض آمیزند. کشمکش و نزاع از هنجارهای بدیهی در روابط بین خانواده و سایر گروه‌ها در این بعد است و نهادهای حقوقی و پلیسی عموماً نقش میانجی دارند.

**ب ابعاد اقتصادی:** ابزار ارتباطات اجتماعی در حوزه اقتصاد، پول یا منابع مادی، انگیزه‌ها یا تمایلات مادی، فعالیت‌های اقتصادی و روابط مبادله‌ای هستند. افراد در تعاملات فردی و اجتماعی خود بر مبنای محاسبه‌گری و

را به دانش‌آموزان انتقال دهد تا بدین وسیله بسترهای لازم برای تأمین امنیت اجتماعی نیز فراهم آید.

نظام آموزش و پرورش می‌تواند به روش‌های متفاوت به شرح زیر، مفهوم امنیت اجتماعی را در دانش‌آموزان نهادینه کند:

**۱** گنجاندن فرهنگ امنیت اجتماعی در کتاب‌های درسی؛

**۲** تشریح جایگاه قانون و هنجارهای اجتماعی به‌عنوان مبانی امنیت اجتماعی؛

**۳** اهتمام به افزایش آگاهی اجتماعی دانش‌آموزان از طریق ارتباط و همکاری با نیروی انتظامی؛

**۴** تبلیغ و تحکیم جایگاه و عملکرد نیروی انتظامی به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت اجتماعی مردم؛

**۱** رصد کردن اطلاعات و اخبار مرتبط با حوزه امنیت اجتماعی و انتقال آن به دانش‌آموزان؛

**۶** اهتمام به آموزش مسائل بزهکاری به‌عنوان آسیب اجتماعی و تهدیدکننده امنیت اجتماعی؛

**۷** تحکیم مبانی مذهبی، اخلاقی و اعتقادی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأمین امنیت اجتماعی؛

**۸** تأکید بر نقش ارزشی حجاب و عفاف به‌عنوان تضمین امنیت اجتماعی؛

**۹** تحکیم هویت ملی از طریق تبلیغ تاریخ، فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی و زبان و ادبیات.

### نقش رسانه‌ها در آموزش امنیت اجتماعی

امروزه رسانه‌ها به‌عنوان حلقه ارتباطی بین خانواده و جامعه نقش بسزایی در آموزش و تأمین امنیت اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. رسانه‌ها تأثیر قدرتمندی بر رفتارها و هنجارهای اجتماعی دارند، به طوری که از هر جنبه به تأثیرات رسانه‌ها توجه شود، اهمیت آموزش از طریق رسانه‌ها و تأثیر آن بر تغییر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مرتبط با امنیت اجتماعی ملموس و مشهود است. تأثیرگذاری رسانه‌ها روی مخاطبان نوجوان و جوان به مراتب بیش از سایر گروه‌هاست، چراکه ذهن نانوشتۀ این دسته از مخاطبان آمادگی دریافت و ثبت هرگونه اطلاعات بدیع و نو را دارد.

تجربیات آموزش رسانه‌های نشان داده است که مشکلات اجتماعی پایدار، از جمله تهدید امنیت اجتماعی را می‌توان از طریق آموزش عمومی برطرف کرد. برخی دلایل اثبات این موضوع عبارت‌اند از:

**۱** رسانه‌ها راهی مؤثر برای آموزش گروه‌های بزرگ جمعیت هستند.

هزینه و فایده با مسائل برخورد می‌کنند و در تمام مراودات، نقش منافع مادی برجسته می‌شود. در این زمینه گاه شاهد تخریب روابط عاطفی بین اعضای خانواده هستیم. در این بُعد مانند بُعد سیاسی، تضادها خیلی عریان نمی‌شوند. بنابراین خانواده در درون خود به ساخت مراودات و آداب و سنن اجتماعی ویژه‌ای مبادرت می‌کند که مبتنی بر تعاملات اقتصادی بین اعضاست. این شکل از تعامل، در چارچوب محیط مفهومی خود، ظرفیتی از امنیت‌سازی اجتماعی را متبلور می‌سازد که ضریب شکنندگی آن قابل توجه است.

جامعه‌شناسان غرب جایگزینی روابط اقتصادی به‌جای روابط عاطفی را در تعاملات اجتماعی موجب افول کارکردهای نهاد خانواده می‌دانند. آن‌ها معتقدند با انتقال تولید اقتصادی از مزرعه به کارخانه، افراد خانواده دیگر به‌صورت یک واحد با یکدیگر کار نمی‌کنند و همراه با نیاز کارگران به کار در کارخانه، وظایف اصلی خانواده به نهادهای تخصصی دیگر واگذار شد (تافلر، ۱۳۷۱: ۴۰). این روند ضمن رخنه در شکل سنتی نهاد خانواده، حذف و یا تنزل تعاملات عاطفی و کاهش کارکرد هویت‌سازی اجتماعی آن، ناظر بر انجام محاسبات هزینه و فایده در ارتباطات بین فردی و خانوادگی است که نقش مؤثری در تأمین امنیت اجتماعی ایفا نمی‌کند.

### نقش آموزش و پرورش در آموزش امنیت اجتماعی

نهاد آموزش و پرورش پس از خانواده در جامعه پذیر کردن افراد و کسب هویت اجتماعی و ملی توسط آن‌ها نقش بسزایی ایفا می‌کند. این نهاد با تربیت قشر تحصیل کرده به ارتقای سطح امنیت اجتماعی جامعه کمک می‌کند. در واقع برنامه‌ریزی نظام آموزشی باید به‌گونه‌ای باشد که به‌وسیله کتاب‌های درسی و برنامه‌های پرورشی، فرهنگ بومی و ملی

امروزه رسانه‌ها به‌عنوان حلقه ارتباطی بین خانواده و جامعه نقش بسزایی در آموزش و تأمین امنیت اجتماعی افراد ایفا می‌کنند. رسانه‌ها تأثیر قدرتمندی بر رفتارها و هنجارهای اجتماعی دارند، به طوری که از هر جنبه به تأثیرات رسانه‌ها توجه شود، اهمیت آموزش از طریق رسانه‌ها و تأثیر آن بر تغییر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای مرتبط با امنیت اجتماعی ملموس و مشهود است



## نتیجه گیری

خانواده از جمله نهادهای اجتماعی است که می تواند در پیدایش یا زوال امنیت نقش اساسی داشته باشد. خانواده اولین محیطی است که انسان در آن با معنی حقیقی امنیت در کنار اعضای خانواده آشنا می شود. کسب امنیت فردی در دوران کودکی می تواند زمینه ساز رشد اجتماعی و امنیت اجتماعی در آینده باشد. در نظریه فرهنگی امنیت، مهم ترین عنصر برای ایجاد، نگهداشت، کنترل و پایداری امنیت، فرهنگ است بر این اساس ابتدا امنیت باید از کودکی در خانواده تأمین شود و فرد در محیط خانواده معنا و مفهوم حقیقی امنیت را در همه ابعاد آن تجربه کند. سپس در مدرسه فرهنگ امنیت در کتاب های درسی گنجانده شود و با آموزش و تکرار رسانه های به طور مداوم امنیت اجتماعی درونی گردد.

### منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۷۰). دانش نامه سیاسی. نشر مروارید. تهران.
۲. حسینی دشتی، سید مصطفی، فرهنگ معارف و معاریف (ج ۲). مؤسسه فرهنگی آرایه. تهران.
۳. خلیلی، رضا (۱۳۸۱). «مهاجرت نخبگان، پدیده اجتماعی یا موضوع امنیت ملی». فصل نامه مطالعات راهبردی. سال پنجم، شماره دوم.
۴. زمانی، علی اکبر (۱۳۸۶). «نقش و کارکرد نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی». فصل نامه دانش انتظامی. سال نهم، شماره دوم.
۵. سلطانی فر، محمد (۱۳۸۷). آموزش رسانه های تأمین و امنیت اجتماعی. کارگاه، دوره دوم، شماره سوم.
۶. صالحی امیری، سیدرضا و افشاری نادری، افسر (۱۳۹۰). «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران». فصل نامه راهبرد. سال بیستم، شماره ۵۹.
۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان.
۸. کونن، بورس (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه شناسی. انتشارات توتیا. تهران.
۹. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی». فصل نامه مطالعات امنیت اجتماعی. سال دوم، شماره ۴ و ۵.
۱۰. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۸). مبانی جامعه شناسی. انتشارات خردمند. تهران.
11. Bilgin pina. (2003) Individual and social Dimen-tions of security Internationl studies. Reriew. Vol 5 Issue 2.
12. Catford, J(1995) The mass media is dead: Long Live multimedia. Health Promotion International, 10
13. Goetschel, Lavrent (1999) Globalization and security: The challenge of collective Action, Ex pertem kologuim. Dar Euangelische Akade mic Locum, Vol,10, bis12.
14. whitehead. b. (2000) usiny muss media within heath Promoting Practice Jurnal of Advanced media, 32(4).

۲ تمام افراد جمعیت حتی لایه های پنهان را پوشش می دهند.

۳ رسانه ها بر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تأثیر می گذارند.

۴ رسانه ها شاخصی از میزان جدی بودن مشکل ارائه می کنند.

۵ به مردم کمک می کنند که با تقلید از الگوها، رفتار خود را تغییر دهند.

۶ به مردم منافع ناشی از تغییر رفتار را می آموزند.

۷ درافزایش آگاهی و تغییر نگرش و عملکرد فردی و اجتماعی مؤثرند.

۸ اطلاعات و توصیه هایی برای زندگی سالم ارائه می دهند.

۹ در آموزش مهارت ها و تشویق اعتماد به نفس نقش مؤثری دارند.

۱۰ قادرند با ارائه برنامه تصویری با هویت مشارکتی، حمایت مادی و معنوی کسب کنند  
(cat ford,1995 :247-251)

با این حال، راهبردهای رسانه های در حوزه امنیت اجتماعی زمانی بیشترین تأثیر را خواهند داشت که عوامل زیر را مدنظر داشته باشند:

۱ پیام معتبر و مرتبط با مخاطبان باشد.

۲ پیام به راحتی برای مخاطبان قابل درک و دستیابی باشد.

۳ پیام تشویق کننده باشد و علاقه مندی را برانگیزد.

۴ مخاطبان به طور خاص و هدفمند دسته بندی شده باشند.

۵ راهبردها، اهداف را واقع گرایانه و کوتاه مدت تعیین کنند

۶ بسیج رسانه ای برای ایجاد امنیت اجتماعی ایجاد شود.

۷ رسانه ها در این راستا، از سوی مراکز و نهادهای رسمی پلیس و نیروی انتظامی حمایت شوند.

۸ از ارائه پیام های منفی با هدف بهره برداری مثبت پرهیز شود.

۹ پیام در زمان های مناسب، به صورت طبقه بندی شده و منظم و نه یکباره و پیچیده منتشر شود.

۱۰ برنامه رسانه ای به گونه ای واقعی ارزشیابی شود تا برای برنامه های آینده بتوان از نتایج آن سود برد.

۱۱ قرار دادن نیازهای مخاطبان در اولوی بالاتر از اهداف نیروی انتظامی و پلیس در راستای امنیت اجتماعی  
(whitehead,2000:807)



هرگاه سخن از «تورم» است، بحث «تثبیت قیمت» نیز به میان می‌آید. منظور از تثبیت قیمت، یعنی افزایش ملایم و آرام قیمت‌ها و جلوگیری از افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها [دولت‌شاهی، ۱۳۸۲: ۲۸۴]. دولت‌ها معمولاً به منظور ایجاد انگیزه در بخش تولید، سعی می‌کنند قیمت‌ها را ثابت نگه دارند. برخی از اقتصاددانان معتقدند که ثبات قیمت، شرط لازم برای رونق و رشد اقتصادی است و با افزایش قیمت به میزان دو تا سه درصد، سرمایه‌گذاری نیز افزایش می‌یابد [تفصلی، ۱۳۶۸: ۲۷].

در این مقاله سعی کرده‌ایم خوانندگان گرامی را با مفهوم اقتصاد از منظر برخی از اقتصاددانان آشنا سازیم. مفهوم تورم با توجه به دیدگاه اندیشمندان متفاوت است. در این جا مفهوم تورم از دو دیدگاه پولیون و ساختارگرایان مطرح می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** تورم، گرانی، قدرت خرید، ثبات قیمت، تحلیل اقتصادی، پولیون، ساخت‌گرایی

### تورم چیست؟

براساس دیدگاه‌های مختلف، از تورم تعاریف متعددی ارائه شده است. بنابر نظریه پولیون، «تورم عبارت است از مازاد قدرت خرید (یا وسایل پرداخت). هنگامی که قدرت خرید مردم از مقدار عرضه بیشتر است، زمینه افزایش قیمت فراهم می‌شود.» برای دانش‌آموزان این موضوع را می‌توان با یک مثال ساده بیان کرد. مثلاً فرض کنید یک مرتبه مقدار زیادی پول نقد به خانه شما آورده شود. در این صورت آیا باز هم تلاش می‌کنید که از اتوبوس برای حمل و نقل استفاده کنید یا تاکسی در بست سوار می‌شوید؟ حالا شما به راحتی می‌توانید کرایه تاکسی اختصاصی را بپردازید. فرض کنید چنین تزریق پولی در جامعه اتفاق بیفتد، ولی هیچ کالای جدیدی تولید نشده باشد. افراد برای اینکه نسبت به دیگران، زودتر کالا و خدمات خود را تهیه کنند، قیمت بالاتری پیشنهاد می‌کنند.

از دیدگاه پولیون، تورم از نبود تعادل بین مقدار پول نقد در دست مردم و مقدار پولی که برای انجام معاملات نیاز است، به وجود می‌آید. اگر تورم «فرایند افزایش مداوم قیمت‌ها و در مقابل کاهش مداوم قدرت خرید پول» تعریف شود [Laidher, 1975: 751]، این تعریف به علائم تورم اشاره دارد و از علل تورم صحبت نکرده است. می‌دانیم که افزایش بهای تعدادی از کالاها، با کاهش قیمت تعدادی دیگر، خنثی می‌شود و در این صورت، سطح عمومی قیمت تغییر نمی‌کند. با یک بار افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها، تورم رخ نداده است، مگر اینکه در طول زمان این افزایش ادامه یابد و در مقابل، درآمدها نیز به همان درصد تورم افزایش نیابد و قدرت خرید کاهش پیدا کند. پس تورم «تنزل مداوم در قدرت خرید پول به دلیل افزایش مداوم قیمت‌هاست، در صورتی که درآمد تغییر نکرده باشد».

### دیدگاه ساختارگرایان درباره تورم

ساختارگرایان معتقدند که آگاهی از علل و نتایج تورم نمی‌تواند به تحلیل اقتصادی بینجامد. زیرا این پدیده با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مرتبط است و می‌تواند پدیده ساختاری باشد [Hirsch & Gold Thorp, 1987: 11]. انسان استدلال می‌کنند در اقتصادهایی که با تنگناهای ساختاری مواجه هستند، تلاش برای حصول رشد سریع، به ناچار موجب تورم می‌شود. این تنگناها ریشه در وجوه بنیادی مشخصه اقتصادی، نهادها و ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد؛ مانند تورم کشورهای آمریکای لاتین که با تغییر رویکرد «اقتصاد درون‌گرا مبتنی بر بازار داخلی» به اقتصاد «برون‌گرای مبتنی بر صادرات» در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رخ داد.

تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی - اجتماعی را که برای رشد اقتصادی ضروری است، نمی‌توان با سازوکار قیمتی در ساختار بازارهای ناقص جست‌وجو کرد. تنگناهایی که ساختارگرایان برای کشورهای توسعه‌نیافته برمی‌شمارند، عبارت‌اند از عرضه بی‌کشش صنایع غذایی، محدودیت ارزش خارجی و محدودیت بودجه و سرمایه‌گذاری.

آشنایی با مفهوم تورم، انواع و علل آن  
... که دخلت بوده او خرج ۲۰  
ماهیت تورم و عوارض آن

زهرا آقایی

کارشناس ارشد اقتصاد و دبیر دبیرستان‌های تهران

«عرضه بی‌کشش صنایع غذایی» زمینه‌ساز تورم است، زیرا تنگنای بخش کشاورزی نمی‌تواند نیاز شهرنشینی رو به رشد را تأمین کند و ضعف در عرضه مواد غذایی ناشی از حاکمیت زمین‌داری غیر سرمایه‌داری در مقیاس وسیع است که به دنبال حداکثر کردن سود نیست. از طرف دیگر، خرده مالکانی که تقریباً در سطح تأمین معاش عمل می‌کنند، به سختی با اقتصاد بازار هم‌گام می‌شوند. محدودیت مهم دیگر «ارز خارجی» است. به این معنی که دریافت‌های ارزی برای تأمین واردات کافی نیست و کمبود واردات و عرضه داخلی، قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. قیمت‌های روبه رشد کالاهای وارداتی به افزایش تراکمی قیمت‌ها می‌انجامد. محدودیت ساختاری دیگر، «نبود منابع مالی داخلی» (کسری بودجه دولت) است. برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای به دخالت دولت در اقتصاد نیاز است، اما درآمدهای دولت برای تأمین مخارج این برنامه‌ها کافی نیست. معمولاً نظام مالیاتی این کشورها ناکارآمد است و با استقراض از بانک مرکزی و نشر اسکناس بدون پشتوانه، مخارج تأمین می‌شود. همین موضوع تورم را در پی دارد.

اقتصاددانان «دانشگاه کمبریج» چهار نوع تورم معرفی کرده‌اند:

**۱ تورم متعادل یا عادی:** به معنی افزایش دائمی و آرام سالانه قیمت‌هاست که بیشتر در کشورهای سرمایه‌داری وابسته اتفاق می‌افتد و نرخ رشد تورم بین سه تا چهار درصد است.

**۲ تورم گسترده:** که بین کشورهای آمریکای لاتین و اکثر کشورهای دارای نظام شبه سرمایه‌داری وابسته رایج است. نرخ تورم در این کشورها بین ۱۰ تا ۵۰ درصد نوسان دارد.

**۳ تورم حاد (افسار گسیخته):** نرخ تورم حاد بیش از ۵۰ درصد است. هرچند که عمر این تورم زیاد نیست، ولی آثار زیانبار آن موجب سقوط نظام پولی کشور می‌شود.

**۴ تورم پنهان:** این نوع تورم غالباً در کشورهای دارای نظام اطلاعاتی ناقص و بدون رسانه‌ها، مانند کشورهای کمونیستی، به‌ویژه کوبا و کره شمالی رخ می‌دهد. در این کشورها، چون از اقتصاد با برنامه‌ریزی در تنظیم بازار تبعیت می‌شود، از سیگنال‌های درست قیمتی در بازار خبری نیست و غالباً با دستکاری در اطلاعات آماری، نرخ تورم واقعی مشخص نمی‌شود [وزیری، ۱۳۸۳: ۲۸۳].

به‌طور کلی می‌توان علل اقتصادی تورم را در سه گروه دسته‌بندی کرد:

● **فزونی تقاضا نسبت به عرضه:** که مهم‌ترین شکل آن به دلیل کسر بودجه دولت و افزایش هزینه‌های دولت، به صورت تزریق پول به شکل‌های متفاوت به جامعه اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، ناشی از افزایش قدرت خرید نسبت به امکانات تولید است (سیاست پولی انبساطی).

● **کمبود عرضه در بخش کشاورزی و صنعت:** که در اغلب کشورهای با اقتصاد وابسته به واردات (کسری تر از پرداخت‌های خارجی) دیده می‌شود.

● **علل روانی:** در جامعه به دلیل بدبینی و عدم اعتماد به وضع اقتصاد، تقاضاهای غیر معمول افزایش می‌یابند. دیده می‌شود افراد بدون نیاز به کالای خاصی، برای خرید آن به مغازه‌ها هجوم می‌آورند؛ چون ممکن است در آینده نایاب شود و یا قیمت افزایش یابد. با کمی دقت درمی‌یابیم که این پدیده در چند ماه قبل از عید نوروز رخ می‌دهد. مردم به استقبال تورم می‌روند و پیشاپیش اذعان می‌کنند که این اجناس پس از نوروز گران‌تر می‌شوند.

## عوارض تورم

از مهم‌ترین نتایج تورم بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد، عدم اطمینان به آینده و کاهش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و بدتر شدن کسری تراز پرداخت‌های خارجی است.

## دیدگاه پولیون برای مهار تورم

طرفداران مکتب پولی معتقدند بهترین راه مهار تورم جذب نقدینگی و سوق دادن آن به سمت سرمایه‌گذاری مولد است. دولت به این منظور اوراق قرضه یا مشارکت منتشر می‌کند و در جهت سرمایه‌گذاری، دوباره این وجوه به جامعه باز می‌گردد؛ مثل پرداخت یارانه به تولیدکنندگان. از این طریق کمبود عرضه که یکی از دلایل عمده تورم است، برطرف می‌شود.



### منابع

۱. دولت‌شاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصادی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲.
۲. تفضلی، فریدون. اقتصاد کلان. بی‌نام. تهران، ۱۳۶۸.
۳. Laidler, Parkin (۱۹۷۵).
۴. Hirsch, & Goldthorp (۱۹۸۷).
۵. وزیر، حمیدرضا، کلیات علم اقتصاد. عشق دانش. تهران، ۱۳۸۳.



# رشد اجتماعی بید

حبیب‌الله رحیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی قائنات

فرخنده مفیدی

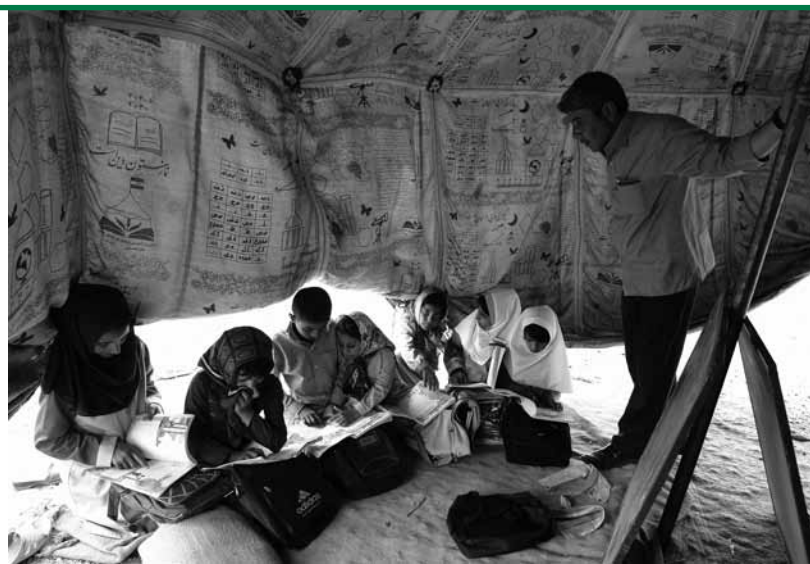
دکترای تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

مجید پاکدامن

دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران



خیمه کلاس عشایری نمادی از تلاش آموزشی در عشایر ایران



## چکیده

نشانگرهای اساسی رشد اجتماعی را می‌توان در انس و الفت با دیگران، اعتماد به نفس، پیروی از هم‌سالان، گسترش فعالیت‌های اجتماعی، علاقه به انتقاد و اصلاح، رغبت به یاری دیگران و علاقه به رهبری جست‌وجو کرد. بعد از خانواده و مدرسه، کلاس درس مهم‌ترین عاملی است که در اجتماعی

شدن کودکان نقش دارد. کلاس‌های درس از نظر حضور تعداد پایه‌های تحصیلی یکسان یا متفاوت، به دو گروه مجزای کلاس‌های درس تک‌پایه و کلاس‌های درس چندپایه تقسیم می‌شوند. هدف اصلی از انجام این پژوهش مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه بوده است.

نتایج نشان داد تفاوت نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه در سطح « $p < 0.001$ » معنی‌دار است. نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است. در مقایسه مؤلفه‌ها مشاهده شد، بین سه مؤلفه از هفت مؤلفه رشد اجتماعی (مشغولیت، ارتباطات و اجتماعی بودن) در این دو گروه دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری در سطح « $p < 0.01$ » وجود دارد. بین بهره اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معنی‌داری در سطح « $p < 0.001$ » مشاهده شد.

**کلیدواژه‌ها:** رشد اجتماعی، کلاس‌های چندپایه، کلاس‌های تک‌پایه

# مشترک‌ترین کلاس‌های چند پایه

مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چند پایه با تک پایه



زندگی اجتماعی به سازگاری با دیگران، توافق با آنان و تا حدی کوشش برای برآوردن انتظارات نیاز دارد. افزایش روزافزون افرادی که برای برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند، یا افرادی که دستخوش ترس از برخوردهای اجتماعی‌اند و یا نوجوانانی که دچار اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی هستند، مشکلات رشد اجتماعی و عامل‌های مرتبط با آن را به‌عنوان مسئله‌ای قابل توجه در جوامع مطرح می‌کند. «رشد اجتماعی»<sup>۱</sup> به زبان ساده یعنی اینکه فرد بتواند روابط اجتماعی برقرار کند. به عبارت دیگر، وقتی فرد یاد گرفت که با معیارهای گروه، خلیقات و سنت‌ها هم‌نوایی کند و به مرحله‌ای رسید که با جامعه‌اش ارتباط و تعاون داشته باشد، می‌گوییم که از لحاظ اجتماعی رشد و تکامل یافته است [شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰].

داده‌های پژوهشی گوناگون حاکی از آن هستند که بروز مواردی چون بزهکاری، افت تحصیلی و ناسازگاری مدرسه‌ای، به همراه ضعف در رشد اجتماعی به چشم می‌خورند. [Lieberman, 1989]. معلمان و مربیان در رشد اجتماعی دانش‌آموزان نقش بسزایی ایفا می‌کنند. در این میان، مدرسه در انتقال هنجارها و ارزش‌های جامعه به دانش‌آموز نقش حیاتی بر عهده دارد [شعاری‌نژاد، ۱۳۸۰]. مدرسه می‌تواند با فراهم آوردن فرصت‌های گروهی برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و رشد اجتماعی، به دانش‌آموزان کمک کند.

کلاس‌های درس از نظر حضور تعداد پایه‌های تحصیلی یکسان یا متفاوت، به دو گروه مجزای «کلاس‌های درس تک‌پایه» و «کلاس‌های درس چندپایه»<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند. کلاس‌های چندپایه برای گام برداشتن در مسیر آموزش مهارت‌های ارتباطی و رشد اجتماعی امکانات بیشتری را به همراه دارند [آقازاده و فتحی، ۱۳۸۹]. کلاس چندپایه از چندپایه تحصیلی (دو سه پایه یا بیشتر) تشکیل می‌شود و به همه دانش‌آموزان آن، در تمام طول سال تحصیلی یک معلم آموزش می‌دهد. در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزانی در سنین متفاوت و با توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوت شرکت می‌کنند [کیایی، ۱۳۸۲].

نگاه‌های مختلفی به کلاس‌های درس چندپایه وجود دارد. برخی این کلاس‌ها را در زمره معضلات نظام آموزشی می‌دانند که باید از میان برداشته شود. بعضی دیگر، وجود این کلاس‌ها را



به مثابه فرصتی برای آموزش و پرورش بهینه به شمار می‌آوردند. بررسی ادبیات کلاس‌های درس چندپایه، در سال‌های اخیر نشان می‌دهد در نظام‌های آموزشی پیشرفته (نظیر نظام آموزشی ایالات متحده، کانادا و...) کلاس‌های درس چندپایه به صورت عمدی ایجاد می‌شوند. به دیگر سخن، در کشورهای پیشرفته با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، در دوره ابتدایی نگاه‌ها به ایجاد کلاس‌های درس چندپایه معطوف است.

اگرچه مانسون و برنر (۱۹۹۶) معتقدند ماهیت تدریس در کلاس‌های چندپایه کیفیت آموزش را کاهش می‌دهد و یمن (۱۹۹۶) نیز در مصاحبه با معلمان کلاس‌های چندپایه در هلند از استرس این معلمان خبر می‌دهد، ولی توسعه کلاس‌های چندپایه در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است [فضلی، ۱۳۸۲].

سیمون و یمن در تحقیقی که نتایج آن را در سال ۱۹۹۵ منتشر کردند، ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن‌ها در ایالات متحده انجام گرفته بودند، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که عموماً نتایج برابر هستند؛ در حالی که تحقیقات دیگر تفاوت‌هایی را گزارش کرده‌اند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان می‌دهد، این کلاس‌ها ضمن اینکه فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر هستند که خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات یکدیگر اهمیت بدهند. بررسی‌ها در مجموع نشان می‌دهند، در صورتی که کلاس‌های چندپایه از طرف مسئولان و والدین حمایت شوند، بسیار موفق خواهند بود [کیایی، ۱۳۸۲].

مددی پایان‌نامه‌ای با موضوع «بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی

**در کشورهای پیشرفته با وجود امکان دسترسی به آموزش و تسهیلات برای برگزاری کلاس‌های درس تک‌پایه، در دوره ابتدایی نگاه‌ها به ایجاد کلاس‌های درس چندپایه معطوف است**

**بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه** به انجام رسانده است. وی هدف از انجام این پژوهش را، مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه بیان کرده است. گروه نمونه این تحقیق مشتمل بر ۲۶۱ نفر (۴۹ دختر و ۸۱ پسر تک‌پایه و ۵۶ دختر و ۷۵ پسر چندپایه) است که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ در پایه پنجم ابتدایی به تحصیل اشتغال داشتند. در این تحقیق از سه ابزار پرسش‌نامه عزت نفس پوپ، پرسش‌نامه رشد مهارت‌های اجتماعی و آزمون ریاضی معلم ساخته استفاده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آمارهای توصیفی مناسب و آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه به کار گرفته شد. به استناد یافته‌های این پژوهش، بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه از نظر میزان مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد. دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی بالاتری را نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه نشان دادند. بین این دو گروه (کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه) از نظر عزت نفس تفاوت معناداری مشاهده نشد و فقط در خرده آزمون‌های عزت نفس (عزت نفس تحصیلی)، میانگین نمره‌های دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه نسبت به تک‌پایه بالاتر بود [مددی، ۱۳۸۳].

در بسیاری از کشورها تحقیقات گسترده‌ای در زمینه کلاس‌های چندپایه انجام شده است، زیرا در این کشورها توسعه کلاس‌های چندپایه به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است. بررسی‌ها در ایالات گوناگون آمریکا نشان می‌دهند که گرچه روش گروه‌بندی براساس سن هنوز در حال توسعه است و مخالفت‌هایی با کلاس‌های چندپایه می‌شود، اما در برخی از ایالت‌ها، این کلاس‌ها برای متخصصان آموزشی یک انتخاب برتر محسوب می‌شود. در بسیاری از مدرسه‌ها، معلمان پیشنهاد ادغام کلاس‌ها را کرده‌اند و حتی دیوار کلاس‌ها را برداشته‌اند؛ زیرا معتقدند افرادی که در جامعه و خانواده زندگی می‌کنند، چند سنی هستند و آموزش باید نمونه‌ای از زندگی واقعی باشد. بنابراین، برای اینکه کلاس‌ها انعکاسی از زندگی واقعی باشند، دانش‌آموزانی با سنین متفاوت می‌توانند در یک کلاس حاضر شوند.

**ماریانو**، در تحقیقی با عنوان «کنسبات دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه»، تأثیر ساختار کلاس را بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی مطالعه کرده است. در این تحقیق ۱۹۰۰ نفر دانش‌آموز پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی حضور داشتند. نتایج این تحقیق در درس ریاضی نشان داد که نمرات دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه ۰/۱ انحراف استاندارد پایین‌تر از دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است.





تفاوت‌های مشاهده شده در کلاس‌های بالاتر یعنی چهارم و پنجم بیشتر شد و از نظر آماری معنی‌دار بود [آریانو، ۲۰۰۹].

**پاروان و میلر بروس** در تحقیقات دیگری نشان دادند که برنامه‌های کلاس‌های چندپایه باعث ارتقای سطح آموزش در بسیاری از مدرسه‌ها شده و نتایج بهتری از آموزش سنتی داشته است. پاروان ۶۴ مورد مطالعه در آمریکا و کانادا انجام داد و متوجه شد که اکثر کلاس‌های چندپایه (۵۸ درصد) در پاسخ به تست‌ها، موفقیت بیشتری داشته‌اند و در مورد بهداشت روانی نیز ۵۲ درصد آن‌ها از وضع بهتری برخوردار بوده‌اند.

## روش تحقیق

### جامعه آماری و طرح پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانش‌آموزان کلاس پنجم دبستان‌های دولتی شهرستان میامی است که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ به تحصیل اشتغال داشتند. براساس اطلاعات گرفته شده از اداره کل آموزش و پرورش میامی، این شهرستان ۴۹ مدرسه دولتی دارد که ۳۹ واحد از این تعداد به صورت چندپایه و ۱۰ واحد به صورت تک‌پایه اداره می‌شوند. تعداد کل دانش‌آموزانی که در این مدارس مشغول به تحصیل بودند، ۳۹۱۲ نفر بود. ۷۲۰ نفر از آن‌ها کلاس پنجمی بودند که جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. ۳۵۰ نفر آن‌ها دختر و ۳۷۰ نفر آن‌ها پسر بودند. ۴۸۰ نفر از این ۷۳۰ نفر در کلاس‌های چندپایه و ۲۳۰ نفر در کلاس‌های تک‌پایه به تحصیل اشتغال داشتند. با توجه به مطالعات و زمینه‌یابی‌های انجام شده (برای روش علی و مقایسه‌ای) و با توجه به حجم جامعه ۷۲۰ نفری، تعداد نمونه ۱۲۰ نفری در دستور کار قرار داده شد که با احتمال ریزش و وجود پرسش‌نامه‌های مشکل‌دار، ۱۳۵ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. در نهایت ۱۲۰ پرسش‌نامه سالم به دست آمد که برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از نتایج تحلیل‌های اطلاعات آن‌ها استفاده شد. بعد از تعیین حجم نمونه در جامعه آماری مذکور، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای اعمال شد. در این نمونه‌گیری سعی شد توازن جنسیت کنترل شود. این پژوهش از نوع «علی - مقایسه‌ای» است.

## ابزار پژوهش

«مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند»<sup>۳</sup> یکی از مقیاس‌های تحولی است که با میزان توانایی فرد در برآوردن نیازهای عملی خود و قبول مسئولیت سروکار دارد. گرچه این مقیاس گستره سنی تولد تا بالاتر از ۲۵ سال را در برمی‌گیرد و تا ۱۲ سالگی برای هر سال، سؤال‌های مجزا دارد، اما از ۱۲ سالگی به بعد برای ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۱۵ تا ۱۸ سالگی، ۱۸ تا ۲۰ سالگی،

۲۰ تا ۲۵ سالگی و از ۲۵ سالگی به بالا سؤالات مشترک دارد. با این حال معلوم شده است که کارآمدی آن در سنین پایین‌تر و به‌ویژه در گروه‌های عقب‌مانده ذهنی به حد اکثر می‌رسد. این مقیاس ۱۱۷ ماده دارد که به گروه‌های یک ساله تقسیم شده‌اند. در هر ماده اطلاعات مورد نیاز نه از طریق موقعیت‌های آزمون، بلکه از راه مصاحبه با مطلعین یا خود شرکت‌کننده به دست می‌آید. اساس مقیاس بر این امر استوار است که فرد در زندگی روزمره توانایی چه کارهایی را دارد. ماده‌های مقیاس را می‌توان به هشت طبقه تقسیم کرد: خودیاری عمومی، خودیاری در غذاخوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، خودفرمانی، اشتغال، ارتباط زبانی، جابه‌جایی و «اجتماعی شدن»<sup>۴</sup>. با توجه به نمره‌های شخص روی مقیاس می‌توان «سن اجتماعی» (SA) و «بهره اجتماعی» (SQ) را محاسبه کرد.

**روایی و اعتبار:** مقیاس واینلند روی ۶۲۰ نفر (شامل ۱۰ مرد و ۱۰ زن) در هر یک از گروه‌های سنی از تولد تا ۳۰ سالگی، هنجاریابی شده است. لازم به ذکر است که در این نمونه تعداد افراد در هر یک از گروه‌های سنی بسیار کم بود، و نیز با توجه به اینکه اکثر افراد مورد آزمایش از طبقه متوسط جامعه بودند، نمی‌توان چنین نمونه‌ای را معرف کل جامعه تلقی کرد. ضریب پایایی با بازآزمایی ۱۲۳ نفر، ۰/۹۲ گزارش شده است؛ با این توضیح که فاصله بازآزمایی از یک روز تا ۹ ماه بوده است.

**بهره اجتماعی (SQ):** برای به دست آوردن بهره اجتماعی، ابتدا نمره‌هایی را که کودک از هر سؤال می‌گیرد با هم جمع می‌کنیم و آن‌گاه در جدول پیوست، سن اجتماعی (SA) معادل نمره خام به دست آمده را می‌یابیم. سپس بهره اجتماعی (SQ) را با استفاده از فرمول مربوطه محاسبه می‌کنیم. SA و CA (سن تقویمی) به دست آمده به یک واحد تبدیل می‌شوند، یعنی هر دو را یا به سال یا به ماه حساب می‌کنیم. نتیجه به دست آمده، یعنی SQ نمره‌ای است که روان‌شناس براساس آن و با توجه به شناخت کودک و هنجارهای اجتماعی جامعه، قضاوت می‌کند که آیا نمره‌ای که کودک گرفته نشانگر نقص در «رفتار سازشی» است یا خیر. رفتار سازشی یعنی سازگاری فرد با توجه به سن خود در مورد روابط اجتماعی و فرهنگی [شیوه‌نامه مقیاس رشد واینلند، ۱۳۸۵].

## شیوه اجرا

در مجموع اطلاعات مورد نیاز برای فرضیه آزمایی این پژوهش با دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی جمع‌آوری شد. بعد از مطالعات کتابخانه‌ای، با استفاده از روش‌های میدانی اطلاعات توسط پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری شد تا با بررسی و تحلیل هر چه دقیق‌تر آن‌ها فرضیه‌های این پژوهش به چالش گذاشته شوند و اهداف پژوهش به نتیجه برسند.



همچنین، ۶۰ نفر از گروه نمونه در کلاس‌های چندپایه درس می‌خوانند که ۳۱ نفر آن‌ها دختر و ۲۹ نفر آن‌ها پسر هستند. در کل ۵۹ نفر از گروه نمونه معادل ۴۹/۲ درصد دختر و ۵۱ نفر معادل ۵۰/۸ درصد پسر هستند.

به منظور مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج در جدول ۲ گزارش شده‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار  $t$  به دست آمده برای مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس چندپایه با نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس تک‌پایه به مقدار ۳/۶۷۶ و با درجه آزادی ۱۱۸ در سطح  $P < ۰/۰۰۰$  معنادار است. به عبارت دیگر، بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه تفاوت معناداری مشاهده شد و فرضیه اصلی این پژوهش تأیید می‌شود. نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه است.

## بحث

با بررسی مقادیر میانگین‌ها مشخص شد که نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه (۴۹/۹)

در این راستا از پرسش‌نامه رشد اجتماعی وایلد نسخه‌های مجزایی برای پدر، مادر و خود دانش‌آموز تهیه و قرار شد که والدین به صورت مجزا پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کنند. ۲۷ نفر از والدین به دلیل کم‌سواد بودن توانایی تکمیل پرسش‌نامه‌ها را نداشتند که در این امر به آن‌ها کمک شد. در مرحله بعد پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و نمره‌گذاری شدند تا با استفاده از روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند.

## نتایج

در این پژوهش به منظور مقایسه رشد اجتماعی در دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های چندپایه و کلاس‌های تک‌پایه تکالیف متفاوتی اجرا شد. رشد اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به پاسخگویی آن‌ها و والدینشان به پرسش‌نامه رشد اجتماعی سنجیده شد.

در اولین مرحله، ساختار کلاس که متغیر مستقل این پژوهش است، به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار گرفت که خلاصه‌ای از یافته‌های این بررسی در جدول ۱ گزارش شده است. در جدول ۱ مشاهده می‌شود گروه نمونه از نظر ساختار کلاس در دو طبقه مجزای کلاس‌های تک‌پایه و کلاس‌های چندپایه قرار گرفته‌اند. از گروه نمونه، ۶۰ نفر شامل ۲۸ دختر و ۳۲ پسر در کلاس‌های تک‌پایه اشتغال به تحصیل دارند.

جدول ۱. فراوانی وضعیت ساختار کلاس به تفکیک جنسیت

کل	جنسیت		وضعیت ساختار کلاس	
	پسر	دختر	فراوانی	تک‌پایه
۶۰	۳۲	۲۸	فراوانی	تک‌پایه
۵۰/۰	۲۶/۷	۲۳/۳	درصد	تک‌پایه
۶۰	۲۹	۳۱	فراوانی	چندپایه
۵۰/۰	۲۴/۲	۲۵/۸	درصد	چندپایه
۱۲۰	۶۱	۵۹	فراوانی	کل
۱۰۰/۰	۵۰/۸	۴۹/۲	درصد	کل

جدول ۲. نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه با دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه

p	df	t	Sd	M	N	میزان رشد اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۱۸	۳/۶۷۶	۵/۲۰	۴۶/۹۶	۶۰	دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه
			۳/۶۹	۴۹/۹۸	۶۰	دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه

## پی‌نوشت

1. Social development
2. Multigrade classrooms
3. WINELEND
4. Socialization

## منابع

۱. آقازاده، محرم و فضل‌ی، رخساره (۱۳۸۹). *راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه*. انتشارات آبیژ، تهران، چاپ هشتم.
۲. امیرتاش، علی‌محمد؛ سبحانی‌نژاد، مهدی؛ عابدی، احمد. (۱۳۸۵). *مقیاسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر ورزشکار و غیرورزشکار دوره راهنمایی تحصیلی*. المپیک. تابستان ۱۳۸۵.
۳. برج، ایان و لالی، مایک (۱۳۷۹). *تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی*. ترجمه پرویش جعفری. وزارت آموزش و پرورش. دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی. ۱۳۷۹.
۴. حاجی اسحاق، سهیلا؛ حشمتی، فرخ‌لقا؛ مساعدمقدم، تقی (۱۳۸۳). *فرایند یاددهی یادگیری در کلاس‌های چندپایه*. مؤسسه کوروش. تهران.
۵. دمیرچی لو، محمد (۱۳۷۲). *سودمندی آموزش مهارت اجتماعی*. ماهنامه تربیت. تهران. شماره ۸. ۱۳۷۲.
۶. علیین، حمید (۱۳۸۴). *مقیاسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد شهر تهران: دانش‌ور رفتار*. اسفند ۱۳۸۴.
۷. مک‌هارد، ریچارد و پرتیچارد، وندی (۱۳۸۲). *مدیریت تحول و نوآوری*. ترجمه مهدی ایران‌نژاد پاریزی. نشر مدیران. تهران.
۸. فاتحی‌زاده، مریم، (۱۳۸۰). *بررسی عملکرد مدارس در پرورش مهارت‌های اجتماعی*. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.
۹. میلر، بروس (۱۹۹۰). *بررسی تحقیقات کمی در مورد تدریس چندپایه*. ترجمه پرویش جعفری، مجله رشد معلم، دوره ۱۴. شماره ۱.
10. Barkely, R. A. (2003). Issues in the diagnosis of attention- deficit/ hyperactivity disorder in children. *Brain and development*, 25, 77- 83.
11. Hervey, A. S., Epstein, J. N., & Cury, J. F. (2004). Neuropsychology of adults with attention-deficit hyperactivity disorder: A meta-analytic review. *Neuropsychology*, 18(3), 485-503.
12. Hill, L (2003). *Module MG. I introduction to multigrade teaching*. Papua New Guinea: PASTEP.
13. L. T. MARIANO, SHEILA NATARAJ KIRBY. (2009). Achievement of Students in Multigrade Classrooms Evidence from the Los Angeles Unified School District, WR-686- IES.
14. Holden R. R. (1992). Association between the holden psychological screening inventories in a non-clinical sample. *Psychological Reports*, 1039-1042.
15. Stormshak E. A, Bierman, K. L., McMahon, R. J, and Lengua, L. J. (2000). The over-scheduled child: avoiding the hyper – parenting trap. *The brown university. Child and adolescent behavior letter*, 29, 17-29.



بیشتر از نمرات رشد اجتماعی دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه (۴۶/۹) است. این یافته با بسیاری از مبانی نظری در توافق است و به شکل مناسبی یافته‌ها و گفته‌های پژوهش‌های پیشین را تأیید می‌کند. از این میان می‌توان به یافته‌های مددی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی و مقایسه مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس و پیشرفت درسی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه» اشاره کرد. نتایج این پژوهش نیز نشان داده بود، بین دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه و دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه از نظر میزان مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی تفاوت معناداری وجود دارد و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت درسی بالاتری نسبت به دانش‌آموزان کلاس‌های تک‌پایه دارند. در این پژوهش متغیرهای دیگری مانند عزت‌نفس نیز سنجیده شده بودند که تفاوت‌ها در آن‌ها معنادار نبود [مددی، ۱۳۸۳].

در مطالعات ویلکسون (۲۰۰۳) عنوان شده است، علاوه بر انجام فعالیت‌های گروهی، ارتباط دانش‌آموزان با معلم، در کلاس‌های چندپایه عمیق‌تر است. معمولاً دانش‌آموزان به مدت چندسال با یک معلم در ارتباط هستند و این فرصت مناسبی است تا دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر به افراد پایه‌های پایین‌تر در یادگیری کمک کنند. همین امر باعث تقویت آموخته‌های خودشان هم می‌شود. همچنین براساس تشخیص معلم، دانش‌آموزان این کلاس‌ها در بیش از یک امتحان دو نوبته ارزشیابی می‌شوند و هر کودک می‌تواند به شیوه خودش یاد بگیرد. در مجموع استفاده از کلاس‌های چندپایه، از نظام مبتنی بر فرد یا یک پایه تحصیلی، مؤثرتر و ارزان‌تر است [ویلکسون، ۲۰۰۳]. در مطالعات پیشین پژوهشی یافت نشد که متغیر وابسته آن با متغیرهای این تحقیق یکسان، و نتایج آن متضاد با یافته‌های این پژوهش باشد. ولی تحقیقاتی یافتیم که در آن‌ها کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه تفاوت معناداری نداشتند. سیمون و یمن (۱۹۹۵) ضمن بررسی ۶۵ تحقیق در زمینه کلاس‌های چندپایه که ۳۳ مورد آن در ایالات متحده انجام شده بود، نتایج تست‌های استاندارد را در کلاس‌های تک‌پایه یا چندپایه مقایسه کردند و نتیجه گرفتند که عموماً نتایج برابر هستند. بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان داد، این کلاس‌ها ضمن اینکه فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم می‌کند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه‌ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر می‌شوند. خود این امر سبب می‌شود، دانش‌آموزان به نظرات یکدیگر اهمیت بدهند. براساس نتایج این فرضیه و تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت که کلاس‌های چندپایه نسبت به کلاس‌های تک‌پایه تأثیر مناسب‌تری بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارند.

# خانواده‌های تهرانی وانتخاب مدرسه

عالیه شکری

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

## چکیده

مقاله حاضر به بررسی نگرش خانواده‌ها نسبت به انتخاب نوع مدرسه (دولتی یا غیردولتی) در شهر تهران می‌پردازد. فرزندان همانند خمیری هستند که با دست‌ان خانوادها شکل می‌گیرند. یعنی خانوادها تحت تأثیر عوامل خاصی شخصیت و تفکر فرزند و در نهایت آینده فرد و جامعه را شکل می‌دهند. معیری (۱۳۷۲) بر این عقیده است که در جامعه امروز همه ملت‌ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی، پیشرفته یا در حال پیشرفت، به موضوع تربیت توجه دارند. آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیت‌های اجتماعی در مقیاس جهانی از اولویت خاصی بهره‌مند است. این توجه شدید بر این منطق قوی استوار است که دنیای امروز تربیت فرزند را از نیازهای اولیه زندگی می‌شناسد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، خانواده‌های تهرانی، مدرسه

## مقدمه

تربیت و آموزش فرزندان برای خانواده‌ها اهمیت بسزایی دارد. والدین سعی می‌کنند بیشترین توان خود را برای تربیت فرزندان خود صرف کنند، تا نتیجه مطلوبی بگیرند. ثبت‌نام در مدرسه مطلوب نیز یکی از این تلاش‌های آنان است.

در حال حاضر مدارس به دو صورت دولتی و غیرانتفاعی اداره می‌شوند. «مدرسه دولتی به مدرسه‌ای گفته می‌شود که کلیه امور آموزشی و پرورشی، اداری و مالی آن توسط دولت و کارگزاران آن صورت می‌گیرد» (صافی، ۱۳۸۳: ۷۴). ثبت‌نام در این مدارس تقریباً بدون پرداخت شهریه انجام می‌شود.

مدارس غیردولتی (غیرانتفاعی) مدارسسی هستند که از طریق مشارکت مردم مطابق اهداف، ضوابط و دستورالعمل‌های عمومی وزارت آموزش و پرورش تحت

نظارت آن وزارتخانه تأسیس و اداره می‌شوند (مجموعه قوانین...، ۱۳۸۲). انتخاب کادر آموزشی و همچنین انتخاب دانش‌آموز برای مدرسه غیرانتفاعی بر عهده مدرسه است، اما در مدارس دولتی انتخابی در این زمینه وجود ندارد. کیفیت آموزش و اجرای فوق‌برنامه‌های آموزشی و تفریحی نیز در این مدارس متفاوت است. همچنین تأمین هزینه این دو نوع مدرسه به صورت متفاوت انجام می‌شود. براساس آماري که «سازمان آموزش و پرورش شهر تهران» در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ اعلام کرده است، تعداد ۱۴۲۸ مدرسه دولتی ابتدایی ۴۴۵،۱۰۷ دانش‌آموز و تعداد ۳۲۲ مدرسه غیرانتفاعی ابتدایی ۴۲،۱۵۸ دانش‌آموز ابتدایی را در خود جای داده‌اند (معاونت پژوهشی و...، ۸۵-۱۳۸۴).

والدین تحت تأثیر نگرش خاص خود، فرزندان خود را در یکی از این دو نوع مدرسه ثبت‌نام می‌کنند. «نگرش» نظامی با دوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است (فردینمن و همکاران، به نقل از: کریمی، ۱۳۷۸). به‌طور کلی «در روان‌شناسی اجتماعی نگرش را آمادگی برای بعضی از انواع واکنش‌ها تعریف می‌کنند و هدف مطالعه آن تأثیرگذاری بر رفتار است. زیرا انواع نگرش‌ها به عنوان شاخص‌ها یا پیشگویی رفتار شناخته می‌شوند» (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۴۳). منظور این است که نگرش افراد در رفتار آن‌ها عینیت پیدا می‌کند. خانواده‌ها نیز نگرش خود را در رفتارها و یا انتخاب‌هایشان نشان می‌دهند و یکی از این انتخاب‌های مهم انتخاب نوع مدرسه فرزندان است؛ چون مدارس فعلی جامعه ما یکسان نیستند.

مهم‌ترین دوره تحصیلی، دوران ابتدایی است که تأثیر آن در دوره‌های بعدی و آینده فرزندان روشن است. انتخاب والدین در این دوره متأثر از نگرش آن‌هاست تا راهبرد کنکور یا مسائل دیگر. بنابراین برنامه‌ریزی برای آینده فرزندان که به‌صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه در نگرش والدین وجود دارد، به‌طور طبیعی در این انتخاب تأثیرگذار است. ضمن اینکه نگرش والدین تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یا به تعبیر **بورديو** (۱۳۸۱) سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (سطح تحصیلات، مهارت‌ها و شناخت‌ها) قرار می‌گیرد. به نظر اکثر افراد، عوامل اقتصادی و استطاعت مالی مهم‌ترین عوامل در انتخاب نوع مدرسه فرزندان است. لذا پاسخ به این پرسش که چرا تعدادی از خانواده‌ها مدارس دولتی و تعدادی دیگر مدارس غیرانتفاعی را برمی‌گزینند، نقش نگرش والدین را در این انتخاب نشان می‌دهد که هدف مقاله حاضر است.

## روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده است، یعنی نه قبل از شروع پژوهش و نه در طول آن، پژوهشگر هیچ‌گونه پیش‌فرض ساختارمند شده‌ای در ذهن نداشته است. در این روش، با اهداف کاملاً مشخص اطلاعات جمع‌آوری شده، نتایج پژوهش را هدایت می‌کنند (منادی، ۱۳۸۷). همچنین، پژوهشگر قصد آزمون تست استاندارد شده‌ای را ندارد و جامعه آماری وسیعی را در نظر نمی‌گیرد (منادی، ۱۳۸۷). بنابراین «پژوهشگر کیفی، اشیاء را در موقعیت‌های طبیعی آن‌ها مطالعه می‌کند و می‌کوشد پدیده‌ها را بر حسب معناهایی که مردم به آن‌ها می‌دهند، مفهوم‌سازی یا تفسیر کند» (گال و همکاران، به نقل از: نصر و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۰). روش‌های کیفی قابل‌انعطاف‌ترند و در پی توصیف‌های تفسیری از پدیده‌ها هستند (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۴). به علاوه، پژوهش‌های کیفی در دنیای واقعی انجام می‌گیرند و هدف آن‌ها درک پدیده‌های اجتماعی است.

مصاحبه یکی از ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در روش کیفی است. این ابزار مزایای بسیاری دارد. با استفاده از مصاحبه پژوهشگر می‌تواند علاوه بر برقراری ارتباط کلامی و نزدیک با مصاحبه‌شونده، اگر ابهامی در سؤال‌ها و یا پاسخ‌ها وجود داشت، برطرف کند. علاوه بر سؤال‌های از پیش تعیین‌شده، محقق می‌تواند براساس موقعیت‌های جدیدی که پیش می‌آید، تحقیق خود را گسترش دهد و کامل‌تر و عمیق‌تر نگرش والدین را بررسی کند و دلایل انتخاب آن‌ها را به‌دست آورد. چون نگرش بحث عمیقی است و نیاز به فکر کردن دارد، پس از طریق مصاحبه بهتر می‌توان به آن دست یافت. در نهایت با استفاده از روش کیفی می‌توان جامع‌تر و کامل‌تر به عمق واقعیت موجود پی برد.

مصاحبه در این پژوهش به روش هدایت کلیات انجام شد. طبق تعریف **گال** و همکارانش (۱۳۸۲)، این روش شامل تشریح مختصری از عناوین و موضوعات است و طرح موضوعات و تصمیم‌گیری در مورد شیوه پرسش آن‌ها بر مبنای موقعیتی که در مصاحبه به‌وجود می‌آید، توسط مصاحبه‌گر انجام می‌شود (نصر و همکاران، ۱۳۸۲).

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است که در مورد روایی آن با استادان راهنما و مشاور مشورت شد. به‌دلیل کیفی بودن پژوهش و اینکه قصد تعمیم نتایج را نداشتیم، اعتبار معنایی نداشت. این پرسش‌نامه حدود ۳۰ سؤال باز و تعدادی سؤال مربوط به اطلاعات عمومی داشت؛ مانند: میزان تحصیلات، شغل و درآمد. سؤالات باز در برگیرنده چند موضوع اصلی شامل شناخت (دلایل انتخاب) خانواده‌ها و سرمایه‌های فرهنگی آنان بود.

## جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل والدین دانش‌آموزان پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی می‌شد که در مدارس دولتی و غیرانتفاعی عادی شهر تهران مشغول به تحصیل بودند.

## خانواده‌هایی که سرمایه فرهنگی شان

### نسبت به سرمایه‌های دیگرشان بالا باشد،

### نتایج

نتایج تحلیل محتوای عمیق این پژوهش نشان‌دهنده نگرش مثبت والدین نسبت به مدارس دولتی و غیرانتفاعی است. خانواده‌ها براساس انتخابشان به دو گروه تقسیم شدند: گروه اول، خانواده‌هایی که مدارس دولتی را انتخاب کردند و خود در دو دسته قرار گرفتند: دسته اول مدارس را به دلیل کارایی و بازدهی بالای آن‌ها انتخاب کردند و نسبت به آن نگرش مثبت داشتند. دسته دوم این مدارس را به‌دلیل کم‌هزینه بودن و نزدیکی انتخاب کردند، اما نگرش مثبت به مدارس غیرانتفاعی داشتند. خانواده‌های گروه دوم مدارس غیرانتفاعی را به دلیل اهمیت بُعد تربیتی انتخاب کردند و نسبت به آن نگرش مثبت داشتند.

تعدادی از خانواده‌ها دارای سرمایه فرهنگی بالا، تعدادی دارای سرمایه فرهنگی متوسط و تعدادی دیگر دارای سرمایه فرهنگی پایین بودند. در جمع‌بندی که از سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی خانواده‌های دو نوع مدرسه به عمل آمد، خانواده‌هایی که فرزند خود را در مدرسه دولتی ثبت‌نام کرده بودند، در کل دارای سرمایه اقتصادی بالا و سرمایه فرهنگی پایین نسبت به خانواده‌هایی بودند که فرزندان خود را در مدرسه‌های غیرانتفاعی ثبت‌نام کرده بودند. به عقیده **بورديو** (۱۳۸۱)، خانواده‌هایی که سرمایه فرهنگی شان نسبت به سرمایه‌های دیگرشان بالا باشد، سرمایه‌گذاری بیشتری در امر آموزش و پرورش فرزند خود انجام می‌دهند. براساس نتایج پژوهش حاضر، اهمیت بعد تربیتی اولویت اول برای همه خانواده‌های گروه دوم بود، در صورتی که در پژوهش‌های داخلی، مانند **قدیری** (۱۳۸۰)، **گل‌پرور** (۱۳۸۲)، **نظام‌آبادی** (۱۳۷۶)، **ربیعی و صالحی** (۱۳۸۵)، و همچنین پژوهش‌های خارجی مانند **سندی**<sup>۱</sup> (۱۹۸۹)، **بودین**<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۸)، **اندرسون**<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) و **شک**<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۷) اشاره‌ای به ضرورت بعد تربیتی از سوی والدین نشده و بیشتر به کیفیت آموزشی پرداخته شده بود. بعد مذهبی نیز برای والدین گروه دوم، دومین اولویت انتخابشان بود، در حالی که والدین گروه اول اولیویتی برای این موضوع قائل نشدند. همچنین، بین دیدگاه والدین دو گروه به سیاست، آرزوهایشان و حتی تعریف آن‌ها از علم که در بخش سرمایه‌های فرهنگی آن‌ها بررسی شد، تفاوت وجود داشت.

منابع در دفتر مجله موجود است.



**اشاره**  
 هر نظام آموزشی دارای زیرساخت‌های نظری است. سیستم‌های متمرکز، نیمه متمرکز و غیرمتمرکز هر کدام مزایا و معایبی دارند. برخی نظام‌ها منسوخ شده‌اند و برخی نیز حیات بیمارگونه‌ای را ادامه می‌دهند. در این نظام‌ها مدیران مدارس نقش‌های متفاوتی دارند که در سیستم‌های دیگر فاقد این نقش‌ها هستند. آن‌ها به‌عنوان رکن بزرگی در آموزشگاه‌های کشور، هدایت و راهبری اصلی را به‌عهده دارند منتها این مسئله که مدیریت آن‌ها با چه فلسفه، اهداف، روش، فضا، امکانات، تجهیزات و... هدایت می‌شود، موضوعی است که در نشست با چند تن از مدیران مدارس منطقه هفت، آقایان آخشبیجان، سمعی و قمصری درباره آن گفت‌وگو کرده‌ام. این میزگرد خواندنی را تعقیب کنید.

● آقای آخشبیجان، نظر شما در مورد بازنگری نقش مدیران در نظام آموزشی کشور، به‌خصوص آموزش و پرورش چیست؟

موفقیت هر سازمان یا اداره در اهداف سازمانی‌اش، به ثبات و برنامه‌ریزی مدیریت آن بستگی دارد. باید ببینیم اهداف مدیر چیست. مدیر به موضوع کار خود نگاه کلان دارد، یا کوتاه مدت و میان مدت؟ برنامه‌ای را که به‌صورت کلان و مثلاً پنج ساله می‌دهد، می‌تواند پیاده کند یا در میانه کار عوض می‌شود؟ آیا مدیر جدید دنباله‌روی مدیر قبلی است و ایده‌های وی را قبول دارد یا نه؟

مشکل ما این است که در مسائل آموزشی ثبات مدیریت نداشته‌ایم، یا اگر داشته‌ایم، خیلی کم بوده است. مدیر کل یا وزیر جدیدی که می‌آید، خیلی از اهداف نفر قبلی را قبول ندارد، یا قبول دارد ولی آن‌ها را به نوع دیگری پیاده می‌کند. مثلاً در حالی که امام خمینی (ره) فرمود: «امید من به شما دبستانی‌هاست.» می‌فرمود ما بهترین‌ها را باید برای دبستان‌ها بگذاریم، ولی متأسفانه تاکنون این‌طور نبوده است و دلیل آن را غالباً کمبود نیروی انسانی اعلام کرده‌اند.

به‌طور کلی، اگر به اهداف نگاه کنیم، می‌بینیم موفق نبوده‌ایم. اگر هم در جایی موفق بوده‌ایم، بسیار کم بوده است. برای دبستان‌ها باید بهترین فضاهای آموزشی ساخته شود، ولی این‌طور نیست. یا مثلاً می‌گوییم تربیت بدنی باید از نونهالان شروع شود، در صورتی که می‌بینیم چنین چیزی در مملکت ما پیاده نمی‌شود. ما در آموزش و پرورش، فضای تربیت بدنی و ورزش برای همه بچه‌ها نداریم! بعد می‌گوییم تربیت بدنی باعث رشد فکری و جسمی کودک می‌شود؛ یادگیری و آموزش او را ارتقا می‌دهد. همان‌طور که خرد می‌گوید: عقل سالم در بدن سالم است. اما ما در مدرسه ابتدایی به‌طور کامل معلم ورزش نداریم. در دورانی که ما مشغول کار بودیم، وزیر آموزش و پرورش برای تمام کلاس‌های اول تا پنجم معلم

بی‌ثباتی  
 برنامه‌ها و  
 مدیریت

# مشکل اصلی

ورزش گذاشت. وزیر بعدی معلم ورزش کلاس‌های اول، دوم و سوم را که به ورزش بیشتر احتیاج داشتند، برداشت و فقط کلاس‌های چهارم و پنجم معلم ورزش داشتند. این‌ها یعنی معیار نداشتن یعنی سلیقه‌ها بر مدیریت حاکم است!

● شما بازنگری در نقش مدیران را فقط از بالا به پایین می‌بینید؟

ما از بالا دستور می‌گیریم که چه چیزی را در مدرسه پیاده کنیم. من می‌خواهم در دو رشته تربیت‌بدنی معلم داشته باشم. الان وزارت‌خانه گفته است که دانش‌آموزان سوم دبستان باید آموزش شنا و فوتبال داشته باشند. آیا این در فضای مدرسه مقدور است؟ من تا دیروز معلم ورزش نداشتم. حتی معلم ورزش کلاس‌های چهارم و پنجم را برداشتم.

● یعنی می‌فرمایید دستوراتی که از بالا به پایین صادر می‌شوند، با توجه به بضاعت و امکانات دست‌یافتنی نیستند؟  
با آقای سمیعی برنامه‌ای را در تلویزیون دیدیم که داشت مسائل تربیت‌بدنی را که وزیر محترم مطرح فرمودند، بررسی می‌کرد. خبرنگار صداوسیما گفت: ان‌شاء الله که در پایان سال به اهداف رسیده باشیم. یعنی خبرنگار باور نمی‌کرد که تا پایان سال این اهداف پیاده بشوند.

● حالا خود شما باور می‌کنید یا خیر؟

خیر! چون بضاعت نداریم. نیروی انسانی مناسب نداریم. نیروی مناسب که می‌گوییم، منظوم مدیریت کلان است. اگر مدیریت کلان در رابطه با مسائل آموزش و پرورش مناسب باشد، افکار آموزش و پرورشی می‌شوند. چون رییس بنده است، هرچه گفت باید اطاعت کنم، ولی می‌تواند با مشورت با چند نفر از کسانی که به قول معروف در این شاخه بوده‌اند، بهتر تصمیم‌گیری کند. ثبات مدیریت همان برنامه و معیار و منطبق داشتن است یعنی اینکه مدیر بعدی، اهداف مثبت مدیر قبلی را پی‌گیری کند.

● جناب سمیعی، نظر شما در مورد صحبت‌های جناب آخشيجان چیست؟ صحبت‌های ایشان پایه‌ای و اساسی بود، اما بیشتر حالت گله‌مندی از وضعیت را داشت. آیا تغییر مدیر تغییر در برنامه است؟ و این یعنی ما بی‌برنامه هستیم؟ با هر مدیر جدید یا با هر تغییر کلان در مدیریت، یک برنامه جدید پیدا می‌کنیم و روش‌های قبلی فراموش می‌شوند. در حالی که ما برنامه پنج ساله داریم؛ چشم‌انداز داریم!

البته یک مجموعه برنامه به نام آیین‌نامه در مدارس وجود دارد؛ مثل آیین‌نامه اجرایی که الان مشخص کرده است برای اجرا باید برنامه‌ریزی شورای انجام شود، یعنی مشارکتی باشد. ما در مدرسه انجمن اولیا و مربیان، شورای دانش‌آموزی، شورای بهداشت مدرسه و شورای آموزگاران را داریم. ما می‌توانیم طبق آیین‌نامه اجرایی برنامه مدون شده را در مدرسه پیاده کنیم. اما اگر مدیر مدرسه فکر خود را به کار نیندازد، در این قضیه آیین‌نامه معطل می‌ماند و اجرا نمی‌شود. دست مدیر در مدرسه خیلی باز است که برنامه‌ها را طبق آیین‌نامه پیاده کند. ولی خب آن‌ها همان‌طور که آقای آخشيجان گفتند، عمل می‌کنند.

مدیرانی که در سطح کلان می‌آیند و در ستاد برنامه‌ریزی می‌کنند، نظری از نیروهای صف نمی‌خواهند که خط‌حمله کار هستند. من مدیر مدرسه هستم و از مشکلات، کمبودها، نقاط قوت و ضعف و... در مدرسه اطلاع دارم. اما نمی‌آیند با من مدیر برای جلسه‌ای که در سطح بالاتر برگزار می‌شود و در مورد هدفی که قرار است پیاده شود، مشورت کنند. متأسفانه خودشان هم از دوردستی دارند و بدون مشورت با ما برنامه‌ریزی می‌کنند و مدیر مدرسه می‌ماند و اجرای برنامه. این شرایط مقداری دست ما را در کار بسته است.

● این‌طور که می‌فرمایید، از همه حوزه‌های مدیریتی استفاده نمی‌شود و نظرات و تجربیات آن‌ها به کار گرفته نمی‌شود.



منطقه حمایت می‌کند، اما با تغییر مدیریت‌ها، یک سلسله برنامه‌های مازاد بر این کارها برای مدرسه تعیین شد. مثلاً اجرای برنامه تا زمانی تداوم دارد که آن مدیر سرکار خود است. وقتی که او تغییر می‌کند، برنامه‌ها معطل می‌ماند؛ انگار که از قبل برنامه‌ریزی نشده و یا در سطح کلان نبوده است. متأسفانه از حاصل کار و تصمیم‌گیری‌ها بازخوردی به گروه مدیران داده نمی‌شود. آخر سال کسی ارزشیابی نمی‌کند و نمی‌گوید که مدیران الف ده جلسه داشتند و این کارها را انجام دادند. این‌ها نقاط قوت وی و بقیه نقاط ضعفش بوده است.

● **منظورتان این است که ارزیابی و ارزشیابی صورت نمی‌گیرد؟**

بله. به‌طور دقیق ارزشیابی نمی‌شود و متأسفانه کیفیت کار کاهش می‌یابد.

● **آقای قمصری نظر شما در مورد بازنگری در نقش مدیران چیست؟ ما می‌گوییم در نقش مدیران بازنگری می‌شود. این چه تأثیری در برنامه دارد؟**

هر مدیری طبق برنامه‌ای عمل می‌کند. مشکل اصلی که دوستان فرمودند، کارشناسانه نبودن برنامه‌هاست! برنامه‌هایی که از بالا می‌آیند، کارشناسی نشده‌اند.

● **یعنی می‌فرمایید نقش مدیران در رابطه با برنامه مشخص نشده و کارشناسی‌های لازم صورت نگرفته است؟** من معتقدم، کسی که پای تخته گچ خورده و در کلاس تدریس کرده، متوجه شده است که آموزش و پرورش یعنی چه. این مدرسه‌محوری که اشاره کردند، موضوع خیلی مهمی است. مدرسه‌محوری حدود هفت یا هشت سال پیش مطرح شد و اعلام کردند که اختیارات به مدیران مدارس واگذار می‌شود. آن سال مدیران برنامه‌ها و ایده‌های جالبی داشتند. اگر می‌خواهند کاری را انجام دهند، ابتدا فراخوان بدهند و نظر خواهی کنند تا نقاط ضعف و قوت بخش نامه‌ای که می‌خواهند به مدارس ابلاغ کنند، آشکار شود و بعد دچار مشکل نشویم.

برای مثال، اگر به‌خاطر داشته باشید ۱۵ یا ۱۶ سال پیش، تحت شرایطی بعضی مدارس را نمونه مردمی می‌کردند و برای هر مدرسه ۱۵ هزار تومان شهریه در نظر می‌گرفتند. تمام مدارس از این طرح استقبال کردند. در این مدارس، مدیران دیگر مشکل مالی و دغدغه فکری نداشتند. الان بیشتر مدیران ما در مدارس کارپردازند. یعنی به تنها چیزی که نمی‌رسند، آموزش است؛ به‌خاطر مشکلاتی که دارند. اگر وزیر اعلام کند که در تهران، هر مدرسه دولتی ۵۰ هزار تومان بابت یک‌سال تحصیلی از ولی دریافت کنند، به فرض داشتن ۴۰۰ شاگرد، ۲۰ میلیون تومان تأمین

ظرفیت‌ها خیلی بالاتر از این حرف‌هاست که فقط در نظرسنجی از مدیران استفاده کنند. این طرح نباید به خاطر نقاط ضعف در مدرسه بماند. ما الان فقط ظاهر کار را حفظ می‌کنیم. بخش‌نامه صادر می‌کنیم که فلان کار انجام شود. آیا در مدرسه‌ای که کلاس‌های آن کوچک است، طرح جدید قابل اجراست؟ آیا در مدرسه‌ای که بزرگ‌تر (از نظر تعداد کلاس و دانش‌آموز) است می‌توان این کار را انجام داد؟ در مدرسه شلوغ یا کم‌جمعیت چطور؟ مدیر مدرسه هم متأسفانه کارهای خود را نمایشی انجام می‌دهد. مثلاً می‌گوید فلان اردو را برگزار کردیم و بعد می‌بینیم اصلاً برگزار نشده است و در عوض می‌گوید فلان جشن را برگزار کردیم!

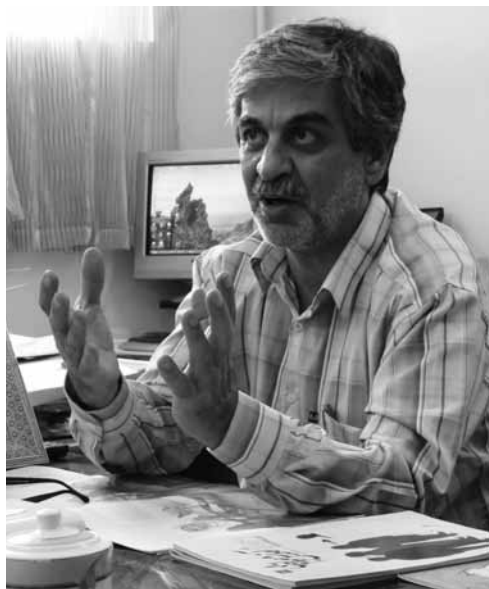
● **آیا آیین‌نامه‌های اجرایی در رابطه با شورایی بودن کارها را با استفاده از انجمن اولیا و مربیان، آموزگاران و دانش‌آموزان تا حالا اجرا کرده‌اید و در برنامه‌های آموزشی خود با این رویه جلو رفته‌اید؟**

مدتی مدرسه‌محوری رایج شد. اعلام کردند رویکرد اجرایی مدرسه‌محور است و باید با توجه به آیین‌نامه‌های اجرایی که موجود است، مدیر مدرسه در مدرسه شورا بگذارد و با مشارکت سایرین کارها را پیش ببرد. تصمیم‌گیری باید با مدرسه باشد.

● **توانایی‌های مادی و معنوی مدرسه اجازه می‌دهد که شما از طریق این شوراها برنامه‌ریزی‌های خود را به اجرا بگذارید؟**

به بهترین نحو می‌شود اجرا کرد. حمایت منطقه و بالاتر را می‌طلبید تا ما این کار را انجام دهیم.

● **منطقه حمایت می‌کند یا خیر؟**





خودت در دسر درست می کنی؟ اگر اجازه بدهند مدارس در برنامه ریزی کلان ما اختیار مدیران باشند، مدیران برنامه ریزی کنند و گزارش کار بدهند، و در پایان عملکرد آن ها ارزیابی شود، مشکلات امروز را نخواهیم داشت.

● آقای آخشیجان اگر وزارتخانه سیاست های کلان را اعلام کند، آیا مدیران ما این قابلیت را دارند که آن سیاست های کلان را در مدرسه اجرا کنند؟

اگر «مدیر محوری» برقرار باشد، بله این قابلیت را دارند. اگر دست مدیر را باز بگذارند، برنامه ریزی را هم خود او انجام می دهد و ارزیابی هم باشد.

● چه الگویی را باید ارائه داد تا مدیر محوری را در آن الگو انجام دهیم؟

۹۰ درصد محیط های آموزشی ما - محیط آموزشی نیستند. بالای ۹۰ درصد ساختمان های آموزشی فعلی ما برای آموزش مناسب نیستند. مدرسه ما قبلاً منزل مسکونی بوده است. در کل ۵۵۰ متر مساحت دارد. اندازه کلاس های ما از ۱۰ تا ۲۴ متر مربع است. میخ به دیوار می کوبی، دیوار می ریزد. من در چنین ساختمانی با بچه ها زندگی می کنم.

● مشکل مالکیت این ساختمان، تغییر ساختمان و بازسازی آن را چگونه می توانید حل کنید؟ آیا مدل خاصی دارید؟

در مدارس استیجاری بزرگ ترین درد ما این است که نمی توانیم دست به دیوار بزنیم. صاحب ملک شکایت می کند. از لحاظ قانونی هم حق دارد و ما نمی توانیم حرفی بزنیم. ما در این جا باید براساس موجودی و داشته هایمان برنامه ریزی می کنیم. نمی توانیم ۲۰۰ نفر بچه را یکجا برای نماز نگه داریم؛ جا و مکانی نداریم. براساس توانایی و موجودیت مدرسه برنامه ریزی می کنیم. ما برای نماز جماعت باید ۳۰ دانش آموز را نگه داریم.

برنامه ریزی کلان ما که برعهده مدیریت است، باید از بالا اصلاح شود. یعنی تصمیمی که امروز گرفته می شود، ادامه دهنده تصمیمات قبلی باشد. وقتی این طور نباشد، ما هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر مالی ضرر می کنیم. معلم امور تربیتی یادگاری بود از انقلاب. آقایان رجایی و باهنر امور تربیتی را پایه گذاری کردند. چند سال بعد، دیگری آمد و امور تربیتی را محو کرد. طوری رفتار کردند که تمام نیروهای تربیتی جذب امور آموزشی شدند. آقای علی احمدی دوباره مسائل تربیتی و آموزش قرآن را تقویت کرد.

اما آن نیروهای تربیتی که ساخته شده بودند، بیش از ۱۵ سال است که آموزشی شده اند و دیگر برگشت به امور تربیتی برای آن ها سخت است.

می شود. بنده اگر تابستان این پول را داشته باشم، دو میلیون برای جایزه می گذارم، دو میلیون برای کارهای تعمیراتی، سه میلیون برای فعالیت های پرورشی، و به این ترتیب برنامه ریزی می کنم. ولی وقتی روز اول مهر بدون بودجه وارد مدرسه می شوم، نمی توانم کار پرورشی، تبلیغاتی و آموزشی انجام بدهم. چه کار می توانم انجام بدهم؟ من اعتقاد دارم این موضوع باید کارشناسی شود!

● منظور شما این است که هزینه ها را بگذاریم روی دوش مردم؟

الان هم هزینه روی دوش مردم هست.

● آیا درست است که به طور مستقیم هزینه ها را روی دوش مردم بگذاریم؟

نمی گوئیم مردم تحت فشار باشند. اگر کسی نمی تواند بپردازد، ما به اجبار نمی گیریم. خود آموزش و پرورش می تواند سرانه ای برای هر دانش آموز، به فرض ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان، در نظر بگیرد، ولی این مبلغ در تابستان به دست مدیران برسد.

● یعنی می فرمایید مدارس خصوصی شوند؟

خصوصی سازی در صورتی که مدرسه محوری باشد و مدیر مدرسه قدرت اجرایی داشته باشد و بتواند تصمیم بگیرد. ما الان کاری انجام می دهیم و فردا می گویند این مطابق با آیین نامه ها و دستورالعمل ها نیست! اگر بخواهم برای پر کردن اوقات فراغت بچه ها کلاس فوتبال بگذارم، آن قدر باید دوندگی کنم و مجوز بگیرم که خودم به خودم می گویم این چه کاری است که انجام می دهی؟! چرا برای



و منطقه تداوم نیافته است. این به هم ریختگی و عدم تداوم، نظم مدرسه را به هم می‌ریزد.

● جناب قمصری، تغییر نقش مدیران در ساختار کلان آموزش و پرورش، چه تأثیری بر رابطه مدیر با معلمانش از لحاظ مالی، روحی و روانی و آموزشی دارد؟

تأثیر منفی دارد. اگر ما ثبات مدیریت داشته باشیم و مدیر مدرسه یا هر مجموعه‌ای، مدت چهار تا شش سال بماند، خوب می‌تواند برنامه‌ریزی کند. اگر من به‌عنوان مدیر منصوب می‌شوم، برای حداقل چهار سال برنامه‌ریزی می‌کنم. اما برنامه‌ای که از بالا می‌آید، چون ثبات مدیریت وجود ندارد، به رده‌های پایین آسیب می‌زند. همان‌طور که آقای سمیعی هم فرمودند، کار اجرایی را دچار مشکل می‌کند. طبق «طرح تقلیل نیرو در مدارس» از بالا به ما اعلام شده است، نیرویی به ما داده نمی‌شود. از طرف دیگر، معلمی که طبق قانون بیش از ۲۰ سال خدمت کرده است، از چهار ساعت تقلیل کار در هفته برخوردار است. آن چهار ساعت را چگونه پر کنیم؟ آن هم در حالی که نیرو به ما تعلق نمی‌گیرد.

● جناب آخشيجان تغییرات مدیریتی و تغییر نقش مدیران اگر توسط مناطق انجام شود بیشتر اثر منفی دارد، یا در سطح کلان و یا در سطح خود گروه‌های آموزشی؟

گاه از مدرسه‌های پنج معلم را برمی‌دارند. همین امسال ما چند معلم بازنشسته داریم. گاهی بدون نظر مدیر، معلم‌ها جابه‌جا می‌شوند. کسی که در اداره نشسته، حق دارد که موقعیت خود را در نظر بگیرد. آخرین لطمه را ما می‌خوریم. تصمیمی که در سطح کلان گرفته می‌شود، معلوم نیست چه تأثیری بر مدرسه می‌گذارد. وقتی آن تصمیم کلی جزئی می‌شود، به ما لطمه می‌زند.

● یعنی فکر می‌کنید هیچ اطلاعی از وضعیت مدیران آموزشی در سطح خرد ندارند؟ یا اگر دارند، دیگر چاره‌ای نیست؟

چاره آن را نتوانسته‌اند پیش‌بینی کنند. چاره را باید از قبل پیش‌بینی کنند. مثلاً سه سال پیش تصمیم گرفتند، معلمان مرد را با ۲۵ سال سابقه و خانم‌ها را با ۲۰ سال سابقه بازنشسته کنند. این بخش نامه سه سال مهلت داشت. تا پارسال که سال دوم بود، بهترین دبیرها و معلم‌های خانم خودشان را با ۲۰ سال ۲۵ روز و ۲۵ سال ۳۰ روز حقوق بازنشسته کردند. همه این‌ها جذب مدرسه‌های غیرانتفاعی شدند. یعنی معلم‌های سطح بالای دولتی جذب مدرسه‌های غیرانتفاعی شدند.

مشکل ما از پارسال شروع شد. من الان بیش از ۳۰ سال است که در حال خدمت. فرم بازنشستگی را پر



● تأثیر نظام مدیریتی و ساختار آموزش و پرورش را بر روند مدیریت آموزشی خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آخشيجان: من براساس تجربه گذشته، نمی‌خواهم بگویم ناامید هستم، ولی امید زیادی ندارم.

سمیعی: برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی یا روش‌های توصیفی که جدیداً در سال اول و سوم در مدارس مستقر شده‌اند، کلاً خوب هستند.

● پس چرا شما در اجرا ناراحت هستید؟

سمیعی: چون ظرفیتی که اشاره شد، به کار گرفته نشده است. شاید من مدیر هم نظری درباره این برنامه داشته باشم. یعنی از قبل تصمیم‌گیری شده است و ناگهان به مدرسه ابلاغ می‌شود و نظم کار مدرسه را به هم می‌ریزد.

● این اشکال کار مدیریتی است یا یک نگاه اجرایی است؟ هویت مدیریت آموزشی را در نظرسنجی و مشاوره در نظر نگرفتن بیشتر اذیت می‌کند یا اجرای تصمیمات؟

سمیعی: نه، مشاوره نگرفتن بیشتر اذیت می‌کند. طرحی در حال اجراست، ولی مدیر مدرسه اصلاً خبر ندارد! مدیر مدرسه به‌عنوان نیروی خط‌مقدم اجرا، باید از قبل بداند برنامه چیست تا در برابر اجرا مقاومت نکنند. در مجموع، برنامه‌هایی که از بالا تعریف می‌شوند، به هر حال چون کارشناس‌ها آن‌ها را برنامه‌ریزی کرده‌اند، و در مراحل بعدی ادامه پیدا می‌کنند، خوب هستند.

ولی خیلی از برنامه‌ها هم وجود دارند که ظاهری انجام می‌شوند و قانونی نیستند. یعنی صوری هستند و از طرف آموزش و پرورش تأیید نشده‌اند. مدیریتی طرحی را پایه گذاشته است که با عوض شدن او، اجرای آن در مدرسه

کردم، ولی وزارت خانه امسال جلوی آن را گرفت. دید واقعاً آموزش و پرورش لطمه خورد. همه معلم‌های سطح بالا رفتند. من جلوتر از این هم اقدام کرده بودم که آقای وزیر با مجلس و کمیسیون مجلس هماهنگ شدند و جلوی آن را گرفتند!

● دربارهٔ درس مهارت‌های زندگی اطلاعاتی دارید؟

مهارت‌های زندگی عنوان شعار سال گذشته بود که امسال مدرسهٔ زندگی شد و قرار است اجرا شود. برنامه‌های آموزشی، اجتماعی، اخلاقی و قرآنی، حدیث و شناخت ائمه جزو آن‌هاست.

● جناب سمیعی، شما چه مشکلاتی در حوزهٔ مدیریت در رابطه با معلمین و حقوق آن‌ها دارید؟

رضایتی از حقوق‌ها نیست، چون با کاری که انجام می‌دهند، همخوانی ندارد. شرایطشان با آن مدرک تحصیلی که دارند، با شرایط کارکنان سایر نهادها و مزایا و فوق‌العاده‌هایی که آن‌ها می‌گیرند، اصلاً قابل مقایسه نیست. خود من به‌عنوان مدیر مدرسه با مدرک لیسانس، وقتی خودم را با فردی در مخابرات، شرکت نفت یا شهرداری مقایسه می‌کنم، ناامید می‌شوم. حقوق‌ها خیلی تفاوت دارند. اصلاً فوق‌العاده‌ای نداریم.

اضافه‌کار را یک‌سال اصلاً قطع کردند. امسال دوباره دایر شده و ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان در ماه است. هیچ‌کس هم نمی‌آید بگوید که مدیر مدرسه، شما چگونه زندگی می‌گذرانید. آیا واقعاً مشکلاتی برای زندگی دارید؟ فقط کار، کار، کار.

رفت‌وآمدهای ما را در نظر نمی‌گیرند و هزینه‌ها و قیمت بنزین هم سرسام‌آور است. با وجود طرح ترافیک، طرح زوج و فرد و دوربین‌هایی که نصب شده است، من که ۷۰۰ دانش‌آموز دارم، باید سر وقت در مدرسه باشم. اما با چه امکاناتی؟ یک مجوز عبور از طرح برای ما به‌عنوان مدیر مدرسه صادر نمی‌شود. درحالی که به خبرنگار کارت مجوز عبور از طرح می‌دهند. اگر پیاده بروم یا با وسیلهٔ نقلیهٔ عمومی، سر وقت به محل کارم نمی‌رسم. تا به حال کسی نیامده است مشکلات و معضلات شخصی مدیر را بررسی کند. هر بازرسی هم که به مدرسه می‌آید، می‌پرسد این کارها را چرا انجام ندادی؟ یا چرا فلان جلسه غایب بودی؟

● آقای قمصری! نظر شما دربارهٔ بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که برای شما صادر می‌شود، چیست؟

بخش‌نامه‌ای که صادر می‌شود، طبق شرایط کاری، موظف به اجرای آن هستیم. به هر حال وجود آن‌ها الزامی است. ارتباط بین مدیر، منطقه و استان از طریق بخش‌نامه برقرار می‌شود. منتها خیلی از بخش‌نامه‌ها تکراری هستند و به هر حال کاربردی ندارند. بیشتر آن‌ها موازی صادر می‌شوند.

بعضی از بخش‌نامه‌ها شرایطی را مطرح می‌کنند که بر شرایط مدارس منطبق نیستند، ولی خواه ناخواه مدیر مجبور است به نحوی آن‌ها را اجرا کند. مثلاً ما را موظف می‌کنند که تعداد دانش‌آموزان هر کلاس ۳۳ نفر باشد، درحالی که کلاس‌ها فقط ۲۰ نفر ظرفیت دارند.

● فکر می‌کنید اشکالات این بخش‌نامه‌ها به دلیل عدم ارتباط تنگاتنگ مدیریت سطوح بالا با مدیریت آموزشی است که اطلاع ندارد و این بخش‌نامه‌ها را صادر می‌کند؟

قمصری: من فکر می‌کنم، کسانی که در شاخه‌ای کار می‌کنند، می‌کوشند در آن شاخه بخش‌نامه‌ای صادر کنند. حجم بخش‌نامه‌ها خیلی زیاد است و همه سعی می‌کنند برای خودشان کاری انجام دهند. پیشنهاد می‌کنم کار را گروهی کنند. مثلاً در کارهای پرورشی، بخش‌نامهٔ واحد قرآن جداسست، واحد نماز جداسست و... در صورتی که همهٔ این‌ها می‌توانند یکی باشند.

آخشیبجان: در مورد ساختمان مدرسه هر سال اوایل سال بخش‌نامه‌ای داریم که می‌پرسد چند دست‌شویی و کلاس دارید و آمار می‌خواهد. در پی آن، یک نامه از اتاق مجاور و از واحد بهداشت می‌آید که چند آب‌خوری، چند دست‌شویی و... دارید. این آمار را می‌توانند از اتاق مجاور بگیرند!

● هنوز هم همین مشکل وجود دارد؟

سمیعی: بله، هر کدام یک بخش‌نامه دارند که آقا شما این‌ها را انجام دهید. بسیج برای خود یک سلسله شاخه‌هایی دارد که می‌گوید این موارد را انجام دهید. بخش‌نامهٔ روابط عمومی هم به همین شکل، رییس هم همین‌طور و جواب را هم با سی‌دی و عکس و غیره می‌خواهند.

قمصری: راهکار این است که ما همهٔ این‌ها را به روابط عمومی بدهیم و روابط عمومی خودش به بقیه اطلاع دهد. دیگر دلیلی ندارد به سایر اتاق‌ها هم گزارش بنویسیم. این وقت ما را می‌گیرد و باعث می‌شود به کار خودمان نرسیم.

**اگر ما ثبات مدیریت داشته باشیم و مدیر مدرسه یا هر مجموعه‌ای، مدت چهار تا شش سال بماند، خوب می‌تواند برنامه‌ریزی کند. اگر من به‌عنوان مدیر منصوب می‌شوم، برای حداقل چهار سال برنامه‌ریزی می‌کنم. اما برنامه‌ای که از بالا می‌آید، چون ثبات مدیریت وجود ندارد، به رده‌های پایین آسیب می‌زند**

● **لطفاً مشکلات حوزه مدیریتی خود را با توجه به نزدیک به سه دهه تجربیاتی که دارید، طوری بازگو کنید که بشود از آن راهکار درآورد!**

اگر روزی اعلام کنند مدارس را به مدیران واگذار کنند، ما بهترین راهکارها را داریم. اگر روزی اعلام کنند، ما می‌گوییم.

● **شاخص‌ها و راهکارها را مطرح کنید و بگویید ما چگونه مشکلات را حل کنیم.**

من راهکار کلی را خدمتان عرض می‌کنم. اگر مدرسه‌محوری باشد و ما بتوانیم به مدیر اختیار بدهیم، مدیر خیلی راحت می‌تواند کارها را انجام دهد. البته ارزیابی عملکرد هم در کنار آن باید وجود داشته باشد تا مشکلی ایجاد نشود. مثلاً الان اعلام می‌کنند ثبت‌نام دانش‌آموزان انجام شود. ولی من دلم می‌خواهد، دانش‌آموزی را که در طول سال تحصیلی با مشکل انضباطی مواجه بوده است، تابستان بیآورم تا با او مشاوره شود. در سال جدید دوباره نمی‌تواند همان مسائل را داشته باشد. اما اگر ثبت‌نامی در کار نباشد، اول مهر ایشان می‌آید سر کلاس می‌نشینند. من چه‌طور می‌توانم با او مشاوره داشته باشم؟

فقط دریافت هزینه‌ها که نیست. خیلی از دانش‌آموزان به ثبت‌نام مجدد نیاز دارند و باید مشاوره شوند. این مشکل در دوره ابتدایی کمتر، ولی در دبیرستان بیشتر است. لازم است در خود مدارس مدرسه‌محوری باشد و اجازه دهند مدیران سیاست‌هایی را که دولت مدنظر دارد، اجرا کنند. ما مقدمات را تجربه کرده‌ایم، ولی به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که ببینیم موفق است یا خیر.

● **جناب آخشيجان، نظر تان را در همین رابطه با ۳۰ سال سابقه بفرمایید.**

ثبات مدیریتی که آقای سمیعی و قمصری می‌فرمایند، نباید خارج از حیطه کلی نظام باشد. این را همه قبول داریم. باید در چارچوب برنامه نظام آموزش و پرورش مملکت باشد. ولی با آن چه که در اختیار داریم، باید ببینیم که می‌شود این اهداف را پیاده کرد یا خیر. امکانات مدرسه آقای قمصری با امکانات مدرسه ما فرق می‌کند. من خیلی کارها می‌توانم

بکنم که در مدرسه ایشان نمی‌شود و برعکس. توزیع امکانات در مدارس قابل مقایسه نیست. مناطق بالا و پایین داریم. در منطقه ۷ که ما هستیم، دو نوع منطقه وجود دارد: منطقه مرفه و منطقه ضعیف. کمک‌های مردمی در مدرسه ما خیلی کمتر است؛ یعنی به نصف هم نمی‌رسد. آقای قمصری ایده‌های خود را با کدام بودجه پیاده کند؟

● **بنابراین مدرسه‌محوری در مدرسه ایشان ممکن است جواب ندهد؟**

آخشيجان: ممکن است در حد موجودی مدرسه جواب بدهد نه بیشتر!

قمصری: مثلاً ما اگر بخواهیم کاری را انجام دهیم، باید با آنچه موجود است، آن را انجام دهیم. دست آقای آخشيجان برای انجام کارهای بیشتری باز است.

آخشيجان: شما حیطات مدرسه‌ها را مقایسه کنید. حیطات مدرسه من ۴۵۰ متر است، حیطات مدرسه ایشان حدود ۷۰ متر. خب من از این ۴۰۰ متر خیلی بهتر می‌توانم استفاده کنم.

● **آقای سمیعی، نظر شما به‌طور کلی در مورد نقش مدیریت در آموزش و پرورش چیست؟**

نقش مدیریت در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش بسیار مؤثر است. یعنی مدیر می‌تواند سازمان را متحول کند. می‌تواند ابزارهایی را که دارد جای‌جا کند تا به اهداف نزدیک‌تر شود. اگر مدیریت ضعیف باشد، مطمئناً هر قدر هم بخش‌نامه و دستورالعمل صادر شود، کار به نتیجه نمی‌رسد. من فکر می‌کنم مدیریت مشارکتی در اولویت است.

باید بتوانیم اهرم‌هایی را که در اختیار داریم، به نقطه قوت تبدیل کنیم. اگر مدیر مدرسه توانمند باشد، از تمام امکانات مدرسه بهره می‌گیرد. اولیای توانمند را دعوت می‌کند. از اطراف مدرسه، نهادهایی مثل مسجد و شهرداری را برای کمک به کار می‌گیرد. اگر ذهن مدیر به کار گرفته شود، از او حمایت کنند و انگیزه‌ها را از او بگیرند، وظایف خودش را به راحتی انجام می‌دهد. مدیر می‌تواند مثلاً ذهن دانش‌آموزان را به کار بگیرد. می‌تواند مشکلات مدرسه را از طریق دانش‌آموزان شناسایی کند. در هر حیطه‌ای، مدیریت حرف اول را می‌زند.

● **آقای آخشيجان! شما مدیریت خود را مدیریت اجرایی می‌بینید یا مدیریت برنامه‌ریزی؟**

نمی‌شود گفت یکی از این‌ها. با این سابقه‌ای که دارم، می‌گویم دستور مافوق باید اجرا شود. دستور را با تجربه می‌آمیزیم و نتیجه مثبت هم می‌دهد. امکان ندارد نتیجه ضعیفی حاصل شود. من معتقدم دوسوم برنامه‌ریزی متعلق به من است، یک‌سوم برنامه‌ریزی کلان. من با تجربه‌ای که

**اگر مدرسه‌محوری باشد و ما بتوانیم به مدیر اختیار بدهیم، مدیر خیلی راحت می‌تواند کارها را انجام دهد. البته ارزیابی عملکرد هم در کنار آن باید وجود داشته باشد تا مشکلی ایجاد نشود**

**برنامه‌ریزی اگر از بالا خوب باشد،  
خواهناخواه تأثیر مثبتی روی من دارد و  
مرا به تلاش وامی‌دارد. حتی شاید به دنبال  
مطالعه بیشتری بروم. ولی مدیر مدرسه  
کارپرداز نیست. من بهترین برنامه‌ها را  
دارم، ولی از لحاظ امکانات دستم بسته  
است.**

دارم، سعی می‌کنم دست و بال خودم را نبندم. یعنی سازمان با نظارتی که از بالا دارد، می‌گوید اگر کار خوب پیش برود، کاری ندارم. مدیریت کلان آموزش و پرورش، اگر کارها خوب پیش بروند، مشکلی ندارد.

حمایتی که آقای سمیعی می‌گوید چند جنبه دارد. حمایت مالی شاید جزء مهمی باشد، ولی حمایت معنوی شاید ارزش بیشتری داشته باشد. مثلاً از ۷۰۰ دانش‌آموز، یکی ایراد پیدا می‌کند و روی همان یک ایراد انگشت می‌گذارند.

یک نکته هم این است که مدیریت پایین خوب انتخاب نمی‌شود. مثلاً در مدرسه‌ای ۲۰ نفر مشغول کار هستند، یک‌دفعه کسی مدیر می‌شود که ممکن است معنوی، مؤمن و خوب باشد، ولی مدیر موفق نباشد.

● **آقای قمصری! اگر فضا و نظامی که شما دوست دارید و می‌پسندید، توسط سطح کلان برای شما پیاده شود، می‌توانید قول دهید خروجی بچه‌های ما از این مدارس، بچه‌های بسیار پاک، آماده و مطهر باشند؟ یعنی ما در آینده چند مطهری، چند بهشتی، چند امام خمینی(ره) و علامه طباطبایی خواهیم داشت؟**

برنامه‌ریزی اگر از بالا خوب باشد، خواهناخواه تأثیر مثبتی روی من دارد و مرا به تلاش وامی‌دارد. حتی شاید به دنبال مطالعه بیشتری بروم. ولی مدیر مدرسه کارپرداز نیست. من بهترین برنامه‌ها را دارم، ولی از لحاظ امکانات دستم بسته است.

● **نگاه شما آموزشی است یا پرورشی؟  
قمصری: هر دو.**

سمیعی: فرمایش شما ایده‌آل است. ضمانت نمی‌شود کرد، ولی تمام تلاش این است که برنامه آموزشی را درست پیاده کنیم. اگر امکانات باشد، می‌توان گفت ۶۵ تا ۷۰ درصد بچه‌های ایده‌آل می‌شوند. نیروی انسانی، فکر آزاد و سایر عوامل باید موجود باشند. نیروهای خارجی اثرگذار بر دانش‌آموز را هم باید لحاظ کرد و روی آن‌ها هم کار کرد. فقط کار ما کافی نیست، همکاری سایر سازمان‌ها را هم می‌طلبید. ما داخل مدرسه را می‌بینیم، ولی عوامل بیرونی مثل اجتماع و رسانه‌ها نقش مهمی دارند.

آخشیجان: دانش‌آموزان دوره ابتدایی چهار ساعت در شبانه‌روز در مدرسه هستند. آیا در این چند ساعت بهتر می‌شود مسائل تربیتی را روی کودکان پیاده کرد یا در ۲۰ ساعت باقی‌مانده؟ ما خمیر اولیه را آماده می‌کنیم، اگر در خانه یا جامعه خمیر را خراب کردند، چه کسی مقصر است؟ اگر خانه، مدرسه و اجتماع هماهنگ نباشند، بچه دچار دوگانگی خواهد شد. در اجتماع ما، مسئولیت مسائل

تربیتی برعهده مدرسه است. آیا در مدرسه کم کاری مشاهده شده است؟

● **آخرین صحبت‌های شما را در مورد نقش مدیران و حوزه مدیریت بشنویم.**

قمصری: صحبت خاص دیگری نیست. اگر ثبات مدیریت و برنامه‌ریزی کارشناسی شده وجود داشته باشد، نتایج خوبی خواهیم گرفت. اگر شخصی به‌عنوان مدیر انتخاب می‌کند، باید کارشناس باشد. هر کس در هر رده‌ای قرار باشد مدیر شود، باید آموزش دیده باشد؛ مخصوصاً آموزش ضمن خدمت. باید با مشکلات آموزش و پرورش آشنا باشد.

آخشیجان: اگر امکانات وجود داشته باشند و تمام برنامه‌ها کارشناسی شده باشند، می‌توان آن‌ها را به‌صورت کاملاً ایده‌آل اجرا کرد.

قمصری: من معتقدم، رفاه آموزش و پرورش، خصوصاً معلمان و مدیران، نادیده گرفته شده است. این موضوع مشکلات زیادی ایجاد می‌کند. من ۲۳ سال زندگی خود را وقف آموزش و پرورش کرده‌ام، ولی یک نفر از مسئولین آموزش و پرورش از وضعیت پسر مرحوم بنده در بیمارستان سؤال نکرد. آیا مدیر شهرداری هم بودم، به همین صورت بود؟ ما از آموزش و پرورش انتظار داریم.

● **جناب سمیعی، شما فکر نمی‌کنید خوب است برای معلمان حقی به نام «حق معلمی» قائل شوند؟**

بله. مثلاً می‌توانند اول مهر تا آخر خرداد این حق را مشخص کنند. هر کاری که برای افزایش سطح رفاه معلم انجام شود، به نفع خود دانش‌آموزان و جامعه ما تمام خواهد شد.

● **جناب آخشیجان آخرین نظر تان را بفرمایید.**  
چنانچه مدیریت کلان با مسائل آموزشی آشنا باشد و تصمیمات کلان خوب باشند، تصمیم کلان و پنج‌ساله‌ای که گرفته می‌شود، توسط دیگرانی که بعد از این‌ها می‌آیند، پیگیری می‌شود.



## منابع درسی علوم اجتماعی

منابع آموزشی فراوانی در حوزه علوم اجتماعی وجود دارند و برای انتخاب از میان آن‌ها، اولاً معلم باید بداند از کجا می‌تواند منبع مورد نظرش را پیدا کند و ثانیاً، چه منبعی دقیقاً مناسب است. منابع باید از نظر محتوا، فرم و شکل، هماهنگ با سن، دانش و قدرت خواندن و نوشتن دانش‌آموز باشند. منبع آموزشی در علوم اجتماعی به معنای هر منبعی است که بتواند معلم را در تعلیم و تربیت کمک کند. زمانی که دانش‌آموزان از چند حس به جای یک حس برای آموختن استفاده کنند، می‌توانند مطالب را سریع‌تر، راحت‌تر و ماندگارتر یاد بگیرند. معلم باید بدین نکته توجه داشته باشد که منابع

درس نیاز ندارد. می‌توان دانش‌آموزان را برای انجام مصاحبه با افراد به بیرون از کلاس درس فرستاد. اگرچه دعوت از شخصی ثالث به کلاس برای به اشتراک گذاشتن علم و تجربه‌اش باعث جلب توجه و تمرکز بیشتر دانش‌آموزان می‌شود، ولی باید مراقب بود مسائل ذکر شده توسط او با هماهنگی قبلی معلم صورت پذیرد و شخص از گفتن مسائل نامربوط پرهیز کند. مدعو باید تصویر درستی از موضوع و موارد مورد نیاز در ذهن خود داشته باشد. منابع مکانی شامل مکان‌هایی هستند که برای تدریس در کلاس ارزشمندند. ارزش گردش‌های علمی و بازدید از منابع مکانی، بسته به نوع انتخاب آن‌هاست. مثلاً انتخاب

# استانداردهای تدریس علوم اجتماعی

## روش‌ها و منابع تدریس در علوم اجتماعی

نویسنده: آد کانل M.O.Adekunle

ترجمه: عباس گسگنی

چند مکان مشابه این امکان را می‌دهد که دانش‌آموز آن‌ها را با هم مقایسه کند. در بازدیدها می‌توان بین دانش‌آموزان مسابقه برگزار کرد تا از میان آن‌ها، کسی که بهترین درک را از محیط داشته است، شناسایی شود یا در میان آن‌ها سؤالی مطرح کرد تا شناخت آن‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. منابع مکانی می‌توانند موزه، کارخانه، کاخ و مکان‌های جغرافیایی و یا تاریخی باشند. منبع آخر همان لوازم کار معلم است؛ لوازمی که معلم برای انتقال دانش از آن‌ها استفاده می‌کند، مانند کتاب، نقشه، عکس، مدل، اشیاء، فیلم و مانند آن‌ها. در ادامه به بررسی چند منبع از این دست می‌پردازیم.

باید علاقه دانش‌آموز را جلب کنند. منابع در علوم اجتماعی متشکل از انسان‌ها، مکان‌ها و منابع مادی دیگر هستند. معلم خود به عنوان یک منبع انسانی، نقش مدیریت منابع دیگر و همچنین انتقال اطلاعات از خود به دانش‌آموز را دارد. موارد دیگری هم به عنوان منبع انسانی به غیر از معلم می‌توان ذکر کرد. علاوه بر معلم، بعضی اشخاص را می‌توان به کلاس دعوت کرد تا معلومات و دانش خود را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. این حتی ممکن است دعوت از دانش‌آموزی دیگر باشد که در موقعیت بهتری از لحاظ تحصیلی قرار دارد. علم و تجربه به سن و جایگاه شخص منحصر نیست و این امر همیشه به دعوت افراد به کلاس



## کتاب درسی

کتاب درسی یکی از لوازم سنتی تدریس است. کتاب درسی مجموعه‌ای از دروس است که البته برای آموزش به ابتکار عمل معلم نیاز دارد. تقریباً در همهٔ دروس، در کنار کتاب درسی، باید از وسایل کمک‌آموزشی دیگر همچون نمودار، نقشه، عکس و... نیز بهره‌برداری کرد. کتاب درسی در دسترس‌ترین منبع آموزشی است و به همین خاطر در کشورهای در حال توسعه بیشترین استفاده را دارد.

رایس<sup>۱</sup> (۱۹۸۲) برای انتخاب کتاب درسی مناسب علوم اجتماعی واقعیت‌هایی به شرح زیر را بیان می‌کند:

الف) فعالیت‌های عنوان شده برای مدرسه در کتاب مورد نظر باید دارای هدف مشخصی باشند. به همین خاطر مدرسه باید کتابی هدفمند را برای تدریس انتخاب کند.

ب) کتاب‌های درسی معمولاً برنامهٔ مدرسه را در جهت برنامهٔ درسی تغییر می‌دهند. به همین خاطر مدرسه باید کتابی را انتخاب کند که با برنامهٔ خود مطابقت و سازگاری داشته باشد.

ج) کتاب درسی محتوای یک موضوع را مشخص می‌کند. به همین دلیل عمق و محتوای دروس کتاب باید مدنظر باشد.

د) کتاب درسی همیشه مرجع درسی و یادگیری دانش‌آموز است.

با توجه به موارد موفق، کتاب درسی همواره مرجع اصلی یادگیری باقی می‌ماند. از این‌رو، در انتخاب کتاب درسی، سن، سواد، علاقه و رابطهٔ درسی دانش‌آموز باید در نظر گرفته شود.

## روزنامه

ریمونند<sup>۲</sup> (۱۹۶۵) معتقد است: معلمانی که تمام زمان آموزش را صرف تدریس‌های کلیشه‌ای می‌کنند، می‌توانند درصد همکاری و فعالیت دانش‌آموز را با انجام تکالیفی از قبیل ساخت روزنامه بالا ببرند. این امر دانش‌آموزان را به خواندن مطالب بیشتر تشویق می‌کند. روزنامه معمول‌ترین و پرخواننده‌ترین منبع است، اما بسیاری از معلمان از این امر غافل‌اند.

## تصویر و نمودار

استفاده از تصویر برای دانش‌آموزانی که در خواندن مشکل دارند یا دانش لغوی اندکی دارند، بسیار مفید است.

تصویر به دانش‌آموز کمک می‌کند از مطلب مورد بحث، تصویری حقیقی در ذهن خود بسازد. نمودارها هم در بردارندهٔ اطلاعات دربارهٔ مطلب مورد بحث هستند. تصویرها اشتیاق دانش‌آموز را به تحصیل بیشتر می‌کنند و جلوه‌های جالب و زیبا به درس می‌دهند، در حالی که نمودارها مطالب درسی را شفاف‌تر و قابل فهم‌تر می‌کنند.

هنگام استفاده از تصویر، معلم باید تصویرهای متفاوتی را به دانش‌آموزان نشان دهد تا مطلب مورد نظر به آن‌ها تفهیم شود. وقتی نمودار برای واضح‌تر کردن یک بحث به کار می‌رود، باید به اندازهٔ کافی بزرگ و شفاف باشد تا برای همهٔ دانش‌آموزان قابل رؤیت باشد.

## نقشه

مطالعه، بررسی و ترسیم نقشه فعالیت‌هایی هستند که آثار بسیار مثبتی در تدریس علوم اجتماعی دارند. نقشه‌ها در بردارندهٔ قابلیت‌های فیزیکی، موقعیت‌ها و مکان‌ها، مرزهای سیاسی، محدودیت‌های فرهنگی و مناطق شغلی هستند. به همین دلیل معلم باید شیوهٔ استفادهٔ صحیح از نقشه را به دانش‌آموزان تعلیم دهد تا در این زمینه‌ها از آن بهره‌مند شوند.

## مدل

تیلمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۶) عقیده دارد: مدل‌ها باعث می‌شوند معلم راحت‌تر مطالب مربوط به درس را سازماندهی کند. استفاده از مدل، روش مورد علاقهٔ دانش‌آموزان است و توجه آنان را بیشتر از استفاده از نمودار جلب می‌کند. البته استفاده از مدل خیلی پرکاربرد نیست؛ زیرا تنها از مدل‌هایی می‌توان استفاده کرد که با شرایط کلاس همخوانی داشته باشند.

## اشیای واقعی

اشیای واقعی از منابع بازارش برای آموزش علوم اجتماعی در کلاس محسوب می‌شوند. این اشیا می‌توانند اثر زیادی روی علاقه و کشش کودک به یادگیری داشته باشند. برای مثال، می‌توان اسلحه، لباس، ماکت انواع ماشین و اشیایی مانند آن‌ها را به کلاس آورد و به‌منظور یادگیری بهتر دانش‌آموزان از آن‌ها استفاده کرد.



## مرکز منابع

این واژه تعاریف متفاوتی دارد، اما در کل به محلی اطلاق می‌شود که در آن معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند اطلاعاتی را پیدا کنند که در کلاس درس نمی‌توان آن‌ها را یافت. در این میان می‌توان از اسباب‌بازی‌ها، نقشه‌ها، لوازم کتابخانه، آزمایشگاه و دیگر اشیا نام برد. از مهم‌ترین این مراکز، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز آثار ملی هستند. دارا بودن کتابخانه غنی از اولین نیازهای هر مدرسه است. کتابخانه مهم‌ترین مرکز منابع درسی است؛ نه تنها محلی برای نگاه‌داری کتاب، بلکه مکانی برای یافتن دیگر منابع علمی مانند فیلم، عکس و نقشه. دانش‌آموزان می‌توانند برای درک بهتر مطالب آموزش داده شده در کلاس از منابع کتابخانه استفاده کنند. موزه‌ها هم به همین منوال می‌توانند در فهم حقایق و واقعیت‌ها به کودکان کمک کنند.

## لوازم صوتی- تصویری

لوازم صوتی- تصویری اشکال متفاوتی می‌توانند داشته باشند؛ از یک ضبط صوت ساده گرفته تا دوربین‌های بسیار پیچیده فیلم‌برداری. این لوازم شیوه تدریس را هیجان‌انگیز می‌کنند. روت<sup>۴</sup> (۱۹۵۸) عقیده دارد: به کمک فیلم است که کودک فراز و نشیب زندگی را درک می‌کند. گاردن<sup>۵</sup> (۱۹۶۴) می‌گوید به کمک دوربین فیلم‌برداری کودک می‌تواند از کارهای خود فیلم بگیرد و آن‌گونه که کودکان دیگر او را می‌بینند، خود را بنگرد و از رفتار خود آگاه شود. به کمک این‌گونه فعالیت‌ها، معلمان و کودکان می‌توانند در مورد کارایی و بازتاب کارهای خود قضاوت کنند. ضبط صدا به دلیل سهولت و سازگار بودن با دستگاه‌های متنوع، بسیار راحت و در دسترس است. در یک بحث می‌توان صدای ضبط‌شده توسط شخص را بارها و بارها پخش کرد. تلویزیون یکی از اختراعات برجسته‌ای است که زندگی ما را شکل داده است. یک وسیله ارتباطی قوی است که می‌تواند کیفیت آموزش و معلومات میلیون‌ها دانش‌آموز را ارتقا دهد. دانش‌آموزان می‌توانند از طریق تلویزیون، همانند معلم یا کتاب، به یادگیری بپردازند. فیلم وسیله خوبی برای آموزش علوم اجتماعی است. دیدن یک فیلم می‌تواند موضوع یک درس را قابل فهم‌تر کند. همچنین، دیدن فیلم باعث تحریک و تشویق دانش‌آموزان به یادگیری می‌شود. در سال‌های اخیر، استفاده از رایانه هم بین دانش‌آموزان رایج شده است. قابلیت‌های زیاد رایانه، از جمله بازی‌های شبیه‌سازی‌شده را می‌توان در جهت آموزش علوم اجتماعی به کار برد. با وجود فایده‌ها و قابلیت‌های زیاد لوازم صوتی- تصویری، قیمت بالای این تجهیزات، استفاده از آن‌ها را محدود می‌کند.

## تخته کلاس

تخته کلاس معمول‌ترین و در دسترس‌ترین وسیله آموزشی معلم است و از آن می‌توان برای نوشتن سرفصل موضوعات و یا خلاصه آن‌ها استفاده کرد. همچنین می‌توان از آن برای رسم تصویر و نمودار بهره گرفت. معلم باید بداند که هنگام نوشتن روی تخته، مطالب باید خوانا و به اندازه کافی درشت باشد تا برای همه دانش‌آموزان قابل دید باشد. بعد از استفاده هم باید تخته را تمیز نگه داشت. هنگام انتخاب منابع آموزشی، معلم ناچار است منبعی را انتخاب کند که در دسترس و مطابق با سن، توانایی و علاقه دانش‌آموز باشد. هنگامی که وسایل آموزشی مدرسه کامل نیست، باید از لوازم موجود به خوبی بهره برد و آن‌ها را در جهت آموزش به خوبی مدیریت کرد تا بیشترین بهره‌برداری از آن‌ها انجام شود. در نهایت همه این لوازم باید در جهت کاربردی‌تر شدن دروس و کاستن از میزان خسته‌کنندگی مورد استفاده قرار گیرند.

## نتیجه‌گیری

روش‌های زیادی برای تدریس علوم اجتماعی هست؛ از روش شبیه‌سازی که متشکل است از شبیه‌سازی تاریخی، فعالیت‌های شبیه‌سازی و بازی‌های شبیه‌سازی، تا روش آزمایشگاهی که متشکل است از لوازم مکانیکی، لوازم صوتی و تصویری و دیگر لوازم جانبی مانند کتاب، و همچنین شیوه‌های گردش علمی، بحث، اجرای پروژه، نمایش، سؤال و جواب، و روش‌های حل مسئله. البته باید در نظر داشت، تنها یک روش برای همه موقعیت‌ها مناسب نخواهد بود. تلفیقی از همه روش‌ها برای دستیابی به نتیجه، بهترین راه است. تدریس به کمک منابع، به معنی استفاده از هر گونه منبع به‌منظور کمک به معلم در این راه است. منابع در علوم اجتماعی متشکل‌اند از انسان‌ها، مکان‌ها، منابع مادی و اشیا. معلم (منبع انسانی) باید در جهت استفاده از منابع دیگر کوشا باشد.

منابع مکانی عبارت‌اند از موزه‌ها، کارخانه‌ها و مکان‌های جغرافیایی و تاریخی. منابع مادی و اشیا نیز شامل کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، مدل، نقشه و نمودار می‌شود. معلم در انتخاب منابع باید سن، توانایی، علاقه و دانش کودک را در نظر بگیرد و در جهت حفظ، مدیریت و بهره‌برداری حداکثری از این منابع بکوشد.

پی‌نوشت

1. Rice 2. Raymond 3. Tillman 4. Rovte 5. Gordon



# نرم افزار تحلیل داده‌های کیفی در علوم انسانی - اجتماعی

منیره همدانی

کارشناس مهندسی نرم افزار

نرم افزار تجزیه و تحلیل نتایج در تحقیقات کیفی این نرم افزار عمدتاً برای تجزیه و تحلیل متون در تحقیقات کیفی به کار می‌رود. به این ترتیب که داده‌ها (متن مصاحبه‌های انجام شده، یا پاسخ‌های تشریحی به پرسش‌نامه‌ها) وارد این نرم افزار می‌شوند و سپس کدگذاری متن انجام می‌گیرد و در نهایت از نرم افزار برای بررسی کدهای موجود و ارتباط آن‌ها با خصوصیات افراد شرکت کننده استفاده می‌شود. قابلیت سازماندهی اطلاعات و جستجوی واژه در تمام داده‌های موجود، کمک‌های بسیار بزرگی به محقق محسوب می‌شوند. همچنین امکاناتی برای مدل سازی و نمایش مدل با اشکال هندسی وجود دارد.

## معرفی بخش‌های نرم افزار

تألیف یک کتاب استفاده کرده است. این نرم افزار توسط دانشجویان مدیریت و جامعه‌شناسی و چند رشته دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

source: به فایل‌های حاوی داده اطلاق می‌شود؛ مثل متن پیاده شده یک مصاحبه که ممکن است وارد نرم افزار شده یا به صورت مستقل باشد.

case: معمولاً مقصود فرد شرکت کننده در تحقیق است. Casebook: جدولی است که تمام Caseها و خصوصیات آن‌ها را به نمایش می‌گذارد و برای بررسی و اکتشاف مناسب است. Node: کد یا خصوصیتی است که به یک بخش از متن نسبت می‌دهیم. بر حسب فلسفه انتخاب شده، نوع کدبندی متفاوت خواهد بود؛ مثلاً در grounded theory، ابتدا کدگذاری آزاد انجام می‌شود.

Relationship: نشان‌دهنده ارتباط دو چیز است و برای مدل سازی و به تصویر کشیدن ایده مناسب است.

Attribute: خصوصیت یک Case است. کدها از مشخصات یک source محسوب می‌شوند و ربطی به افراد ندارند؛ بنابراین، اگر لازم است خصوصیات یک فرد تعیین شود، باید با ایجاد attribute این کار را کرد. برای رسم نمودار و برخی موارد دیگر، لازم است attribute مناسب را تعریف کرده باشیم. بهتر است هر گزینه جداگانه به شکل «دارد/ندارد» تعریف شود، نه اینکه برای یک صفت گزینه‌های متعدد تعریف شود. در این صورت برای مواردی که یک فرد هم‌زمان چند گزینه را دارد، مشکلی پیش نمی‌آید و مقایسه افراد راحت‌تر خواهد بود.

Matrix: برای بررسی تعداد موارد در یک جدول متشکل از گزینه‌های مختلف کاربرد دارد؛ مثلاً جدولی که یک ستون آن از سطوح متفاوت میزان تحصیلات، و ردیف‌های آن از سطوح گروه‌های سنی تشکیل شده است. حاصل بررسی جدولی است که به ما می‌گوید از هر سلول (که نماینده گروهی با سن و تحصیلات خاص است) چند نفر داریم.

Query: برای جستجوی تعداد موارد خاص یک چیز و یا پیدا کردن واژه‌های مورد نظر مفید است.

Annotation: برای یادداشت برداری مفید است. دکتر سیلورمن جایی اشاره کرده بود که از این نرم افزار برای ساماندهی یادداشت‌های شخصی‌اش به منظور

## روش نصب، رجیستر و اجرای برنامه

نصب نرم افزار را شروع کنید. فایل «Keygen» موجود در فولدر «Crack» را اجرا کنید. سریال ارائه شده توسط Key-gen را در حین نصب وارد کنید. فایل Keygen را بنبندید. بعد از اتمام نصب، نرم افزار را اجرا کنید. گزینه «Email» را انتخاب کنید. فیلدهای ضروری فرم را پر کنید و روی «Generate» کلیک کنید. کد ساخته شده را در Keygen قرار دهید و کد جواب را بگیرید و در برنامه قرار دهید و «Activate» را بزنید. ارتباط خود را با اینترنت قطع کنید و نرم افزار را اجرا کنید.

## نکات مهم در مورد کرک

1 نرم افزار در اولین اجرا سعی در اتصال به سایت سازنده، ارسال سریال برنامه و خارج شدن از حالت رجیستر دارد. پس در اولین اجرا باید اتصال شما از اینترنت قطع باشد.

2 سریالی که در حین نصب وارد می‌کنید، باید همان سریالی باشد که در حالت رجیستر کردن مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس یا نباید Keygen را ببندید یا در زمان رجیستر کردن باید سریال برنامه را به Keygen منتقل کنید و بعد کد دو قسمتی را Generate کنید.

3 stall و نصب مجدد نیست. فرم را با اطلاعاتی متفاوت پر کنید، سریال را به Keygen انتقال دهید و برنامه را رجیستر کنید.

4 برای کسب اطمینان از عدم دسترسی نرم افزار به سرور سایتش می‌توانید از یک «فایروال» مانند ESET Smart Security برای جلوگیری از این اتصال استفاده کنید.

پی‌نوشت

1. word



# آشنایی با روزهای ملی

زهرا صادقی

## مقدمه

ایام تابستان مصادف است با اتفاقات بسیاری که هر کدام به تنهایی می‌توانند در تاریخ اجتماعی و فرهنگی ما نقش ویژه‌ای ایفا نمایند.

توصیه می‌کنیم دبیران ما با روشن‌بینی خاص خود، تلاش کنند ریشه و بن‌مایه اصلی این ایام را به مخاطبان خود بشناسانند و با درک عمیق به تجزیه و تحلیل آن‌ها بپردازند؛ به‌ویژه در این ایام که انقلاب اسلامی لحظه به لحظه دچار تهدیدات بیشتری شده است و خواهد شد. باید استقامتی درونی برای نسل فعلی ساخت تا آن‌ها خود بتوانند آینده‌ای مستحکم را بسازند و زمینه‌ساز واقعی حکومت مولايمان، امام عصر، **حضرت مهدی (عج)** شوند. مهم‌ترین اتفاقات اجتماعی این دوران عبارت‌اند از:

**۶ تیرماه:** روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

**۷ تیر:** شهادت آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش در

حزب جمهوری اسلامی

**۱۰ تیر:** روز آزادسازی مهران

**۱۶ تیر:** روز مالیات

**۲۵ تیر:** روز بهزیستی و تأمین اجتماعی

**۲۷ تیر:** پذیرش قطعنامه ۵۹۸

**۶ مرداد:** روز کارآفرینی و آموزش فنی و حرفه‌ای

**۱۶ مرداد:** تشکیل جهاد دانشگاهی

**۱۷ مرداد:** روز خبرنگار

**۸ شهریور:** انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت

رجائی و باهنر

**۱۷ شهریور:** قیام ۱۷ شهریور (جمعه سیاه)

**۳۱ شهریور:** روز آغاز جنگ تحمیلی

تیر، روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که به جنگ تحمیلی هشت ساله خاتمه داد و نیز هشتم شهریور، روز انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت رئیس‌جمهور مردمی، شهید رجایی و نخست‌وزیر محبوب شهید باهنر.

مفهوم حاکمیت انقلاب اسلامی درست در تقابل با پیام منفعت‌طلبانه دنیای غرب است و درست به همین دلیل، ترفندها و نیرنگ‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب اسلامی بیش از ۳۴ سال تداوم یافته است. آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل و جیره‌خواران اروپایی آنان به‌خوبی می‌دانند که پیام انقلاب اسلامی برای آنان از هر بمب اتمی خطرناک‌تر است. به همین دلیل بهانه‌تراشی می‌کنند و ایادی‌شان در ایران دست به ترور می‌زنند و عزیزترین فرزندان بشریت را از ما به ظاهر می‌گیرند تا این پیام گسترش نیابد و اشاعه پیدا نکند. شهیدان رجایی و باهنر دقیقاً به همین دلیل ترور شدند و ۷۲ تن از مسئولان رده بالای کشور با درک این پیام آماج بمب‌گذاری‌های منافقین قرار گرفتند.

آنچه که ما از این وقایع درمی‌یابیم، همان استقامتی است که خدا بدان فرمان داده است. لذا درس مقاومت، تدبیر و اندیشه، و تلاش برای درک پیام انقلاب اسلامی در صدر وظایف ما قرار می‌گیرد. به‌دنبال آن رفتارهای اجتماعی مطرح می‌شود که در درون خود ارزش‌های اجتماعی را باید نشان دهد. باید به فرزندانمان این پیام‌ها و رفتارها را بشناسانیم تا خود با بصیرتی که مورد نظر مقام معظم رهبری است، بتوانند آینده انقلاب اسلامی را تضمین کنند. اکنون در ادامه به تناسب، موضوع برخی از این ایام را مرور می‌کنیم.

## روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

اعتیاد به مواد مخدر، بلای خانمان‌سوزی است که همواره قدرت اندیشه، نوآوری، پشتکار، کوشش و سازندگی را در انسان‌ها، به‌ویژه در نسل جوان جامعه، از بین می‌برد و بنیان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را به نابودی می‌کشاند. امروزه کمتر کشوری را در جهان می‌توان یافت که پدیده مواد مخدر و اعتیاد، مهم‌ترین دغدغه یا یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی‌اش نباشد. این بلای خانمان‌سوز متأسفانه امروزه به صورت مواد روان‌گردان و مواد مخدر

## مروری بر وقایع مهم تابستان

از گذشته‌های دور همواره تابستان در ایران آبستن حوادث تاریخ‌سازی بوده است. با یک نگاه می‌توان دریافت که از منظر اجتماعی وقایع بسیار مهمی در این ایام رخ داده‌اند؛ قیام ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) که امام خمینی (ره) به حق آن را «ایام‌الله» نامیدند، هفتم تیر، شهادت آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یاران با وفایش در حزب جمهوری اسلامی ایران، ۳۱ شهریور، روز آغاز جنگ تحمیلی، ۲۷



## روز کارآفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ویژگی‌های کارآفرینان

کارآفرینی فرایندی است که طی آن، فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق، شناسایی فرصت‌های جدید و بسیج منابع به ایجاد کسب‌وکار و شرکت‌های نو و سازمان‌های جدید و نوآور مبادرت می‌ورزد. این امر توأم با پذیرش خطراتی است، ولی غالباً به معرفی محصول یا ارائه خدمت به جامعه منجر می‌شود. بنابراین «کارآفرینان» عوامل تغییر هستند و گاهی موجب پیشرفت‌های حیرت‌انگیز نیز شده‌اند. انگیزه‌های متفاوتی در کارآفرین شدن مؤثرند که از جمله آن‌ها: نیاز به موفقیت، نیاز به کسب درآمد و ثروت، نیاز به داشتن شهرت، و مهم‌تر از همه، نیاز به مفید بودن و استقلال‌طلبی را می‌توان نام برد. کارآفرینان از خلاقیت و نوآوری، قدرت تحمل ابهام، اعتماد به نفس و عزت نفس، آینده‌نگری، عمل‌گرایی و فرصت‌شناسی برخوردارند. برای ترویج روحیه کارآفرینی از طریق ایجاد و حمایت از خلاقیت‌ها توسط استادان، دبیران و معلمان محترم، چند راهکار می‌تواند مفید واقع شود:

- طرح سؤالات و گاهی ایجاد محیط معماگونه در تدریس.
- آموزش نحوه تفکر علمی و چگونگی آزمون فرضیه‌ها.
- تشویق دانشجویان به مشارکت و فعالیت ذهنی هنگام تدریس.
- محترم شمردن سؤالات اصیل.
- تشویق به گفت‌وگو در مورد تجربه‌های شخصی.
- تشویق دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به نوشتن پایان‌نامه‌های مرتبط با مفاهیم کارآفرینی.

### تعریف کارآفرینی

در مورد تعریف کارآفرینی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارند و درک کامل مفهوم و موضوع «کارآفرینی» نیازمند اطلاع از دیدگاه‌های بین رشته‌ای است. کارآفرینی بر حسب ماهیت خود و توجه محققان رشته‌های مختلف از نظر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، صنعت و حتی تاریخی تعریف شده است. واژه «کارآفرینی» از کلمه فرانسوی «Entrepreneurs» به معنای «متعهد شدن» گرفته شده است. از قرن ۱۶ میلادی تاکنون، تمامی مکاتب اقتصادی به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های اقتصادی خویش تشریح



صنعتی در حال پخش است که خسارات وحشتناکی به جامعه خصوصاً جوانان وارد می‌سازد. هر ساله مبالغ هنگفتی برای مبارزه با این گرفتاری هزینه می‌شود. در ایران نیز معضل مواد مخدر، سال‌هاست وجود دارد و باتوجه به مبارزه پیگیرانه جمهوری اسلامی با این پدیده نابودگر، هنوز نتوانسته‌ایم به‌طور کامل بر آن چیره شویم. این پدیده اکنون در میان طبقات سنی پایین‌تر به‌ویژه جوانان و برخی از مدارس نفوذ کرده و باعث نگرانی‌های متعددی برای خانواده‌ها و جامعه شده است.

متأسفانه امروزه مواد مخدر به تجارتی جهانی و مسئله‌ای سیاسی تبدیل شده است. ایالات متحده آمریکا، هر ساله بودجه‌ای برای براندازی نظام اسلامی، در بسته سیاست خارجی خود می‌گنجاند و یکی از راه‌های شکست جمهوری اسلامی، از دید خام آمریکایی‌ها و سران آن کشور، صدور مواد روان‌گردان و مواد صنعتی مخدر به ایران و دامن زدن به مصرف این بلای هستی‌سوز است. یعنی منافع دولت‌مردان آمریکا و سازمان سیا، برای اجرای سناریوی استحاله جامعه ایران، از راه شیوع اعتیاد ممکن می‌شود. بنابراین امروزه وظیفه تبلیغ درباره صدارت‌ش بودن اعتیاد و مواد مخدر، به رسانه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه این امر باید در همه سطوح اجتماعی اجرا شود. امکانات جمهوری اسلامی بی‌تردید محدود نیست، ولی بهره‌برداری صحیح از آن‌ها به تخصص و آموزش نیاز دارد. این تبلیغات باید از مدرسه و خانواده آغاز شود تا با معتاد و قاچاقچیان مواد مخدر و تبلیغاتی که انجام می‌دهند، مبارزه شود.

نکته مهم در تبلیغ بر ضد پدیده اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر این است که تبلیغات و مبارزه با آن، به‌صورت کارشناسانه صورت پذیرد. صاحب‌نظران و اندیشمندان متعهد، حل شدن معضل اعتیاد و پدیده مواد مخدر را نیازمند مبارزه‌ای فراگیر و پیوسته در ابعاد نظامی، انتظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌دانند. در این میان، مبارزه ریشه‌دار فرهنگی، تضمین‌کننده بهره‌دهی فعالیت دیگر بخش‌ها خواهد شد. با تلاش فرهنگی، می‌توان از گسترش روزافزون اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در کشور جلوگیری کرد و از این رهگذر، سلامت فردی و اجتماعی را به کشور بازگرداند.



و پس از مشخص شدن سطح مهارتشان، مدرک صلاحیت حرفه‌ای متناسب با آن سطح را دریافت کنند.

باتوجه به اینکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آموزش‌های مهارت بنیاد هستند و از سوی دیگر، فلسفه وجودی این آموزش‌ها توانمند شدن نیروی انسانی است، نقش مؤثری در پایداری بنگاه‌های اقتصادی دارند. چراکه با توانمند شدن نیروی کار شاغل در این واحدها می‌توان به ارتقای کیفیت محصولات و رسیدن آن‌ها به سطح رقابت‌پذیری امیدوار شد. زمانی می‌توانیم بگوییم در اشتغال پایدار کشور مؤثر عمل کرده‌ایم که افراد جویای کار را از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توانمند سازیم و پس از تعیین صلاحیت حرفه‌ای در پایان آموزش‌ها، به سمت جذب در بنگاه‌های اقتصادی و یا خوداشتغالی هدایت کنیم. روز کارآفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را گرامی می‌داریم و برای همه تلاشگران عرصه کار و کارآفرینی از درگاه خداوند بزرگ سلامت و موفقیت روزافزون آرزو داریم.

### روز خبرنگار

در دنیای کنونی باوجود فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و متعدد در امر دستیابی سریع به اطلاعات و منابع مختلف، و با وجود درگیری‌ها و خشونت‌هایی که به‌طور آشکار در بیشتر نقاط این کره خاکی وجود دارد، کسب اطلاعات موثق و قابل اطمینان در مورد وضعیت سیاسی، اجتماعی و امنیتی انسان‌ها بسیار دشوار و در عین حال بسیار ضروری و حیاتی است. در این زمینه خبرنگاران از مهره‌های اساسی به‌شمار می‌روند. خبرنگار باید به واقعیت رویدادها پی ببرد و گام به گام با حوادث حوزه کاری خود حرکت کند تا به تحلیل‌های کامل و رسا برسد.

خبرنگار موفق همیشه در انعکاس رخدادها بی‌طرفانه عمل می‌کند؛ چون ذات خبرنگاری مبتنی بر بی‌طرفی است. علاوه بر این، خبرنگار باید همواره برای ایجاد جو اعتماد بین خود، منابع خبری و مردم تلاش کند.

در جهان حاضر که جوامع در حال تحول و نوزایی هستند، قدرت درک، تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی حوادث از دیگر مسائل اساسی این حرفه به‌شمار می‌رود.



کرده‌اند. کارآفرینی از مباحثی است که از حدود ۲۰ سال پیش در تمامی ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی و عملاً در دنیای تجارت و کسب‌وکار مطرح شده است.

از جمله تعاریف کارآفرینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● ژوزف شومپیتر (۱۹۳۴) فرایند کارآفرینی را «تخریب خلاق» می‌نامد. به دیگر سخن، ویژگی تعیین‌کننده در کارآفرینی همانا انجام کارهای جدید و یا ابداع روش‌های نوین در امور جاری است. روش نوین همان «تخریب خلاق» است. از نظر وی نوآوری در این زمینه‌ها محسوس می‌شود:

۱ ارائه کالای جدید؛

۲ ارائه روش جدید در فرایند تولید؛

۳ گشایش بازار جدید؛

۴ یافتن منابع جدید؛

۵ ایجاد تشکیلات جدید در صنعت.

● کارآفرینی کیفیتی است که افراد را قادر می‌سازد فعالیت جدیدی را شروع کنند یا با قدرت و به‌طور ناباورانه فعالیت موجود را توسعه دهند.

● کارآفرینی موتور تحول و توسعه اقتصاد، فرهنگ و جامعه است. رشد و فراگیری این پدیده می‌تواند به تحول و دگرگونی اساسی در اقتصاد ملی منجر شود. کارآفرینی فرایندی است که طی آن فرد کارآفرین با ارائه ایده و فکر جدید ایجاد کسب‌وکار با قبول مخاطره و تحمل ریسک، محصول و خدمت جدیدی را ارائه می‌کند.

### ارزش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

در تمام کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و امنیت اجتماعی و ملی بسیار پررنگ دیده شده است و این آموزش‌ها تحت یک نظام واحد آموزشی خاص قرار گرفته‌اند. ما نیز برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در افق ۱۴۰۴ که در آن در زمینه تولید سهم برتر به منابع انسانی داده شده است، باید به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت «توسعه‌محور» بپردازیم. باید شرایطی ایجاد کنیم که افراد دارای مهارت، از نظر حرفه‌ای تعیین صلاحیت شوند



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

**رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

**رشد نوآموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

**رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

**رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸



حرفه خبرنگاری بی‌هیچ شکی جزو مشاغل سخت و پرمخاطره است. در اقصا نقاط جهان در کوران تهیه خبر، بسیاری از خبرنگاران بازداشت شده‌اند و یا مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.

تجاوز به حقوق مسلم خبرنگار غالباً از سوی دولت‌هایی صورت می‌گیرد که خود را حامیان دلسوز این افراد و حرفه خبرنگاری قلمداد می‌کنند. این در حالی است که رسانه‌های غوغاسالار این دولت‌ها و خبرنگاران وابسته به آنان، در خدمت اهداف پوچ خود هستند و سعی دارند بر ضد مخالفان خود جنجال بیافرینند. اطلاع‌رسانی خبرنگاران این بنگاه‌های سخن‌پراکنی به حدی قوی است که اطلاعات مورد نظر خود را به مخاطبان خود عیناً دیکته می‌کنند و فرصت تفکر را از مخاطب می‌گیرند.

این امر مسئولیت خبرنگاران آزاده ما را در امر اطلاع‌رسانی بیش از پیش سنگین می‌سازد. در ایران اسلامی، چه در دوره هشت سال دفاع مقدس و چه پس از آن، به دفعات شاهد از جان‌گذشتگی خبرنگاران رشید میهن عزیزمان در امر تهیه خبرهای واقعیات و دفاع از آزادی و اسلام بودیم. دفاع مقدس ملت ایران در مقابل تجاوز بیگانه فصلی تأثیرگذار در تاریخ این مرز و بوم است که بخشی از آن حاصل تلاش خبرنگاران، نویسندگان و روزنامه‌نگارانی بود که با هدف اطلاع‌رسانی و نیز انتقال فرهنگ اسلامی-انقلابی جبهه به این معرکه وارد شده بودند. بسیاری از این عزیزان پس از جنگ نیز همچنان به آرمان‌های خود وفادار ماندند و به تلاش خستگی‌ناپذیر خود ادامه دادند.

**محمود صارمی** از جمله خبرنگاران پرتلاش و آزاده‌ای بود که از حضور در خطرناک‌ترین میدان‌ها ترس به دل راه نداد و به رسالت خویش تا انتها وفادار ماند. صارمی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۷۷ به همراه هشت نفر از اعضای کنسولگری ایران در مزارشریف افغانستان توسط نیروهای افراطی طالبان به شهادت رسید. «شورای فرهنگ عمومی»، ۱۷ مردادماه ۱۳۷۷، سالروز شهادت محمود صارمی را به عنوان «روز خبرنگار» نام‌گذاری کرد. هفدهم مردادماه، این روز ارزشمند اجتماعی بر همه خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و نویسندگان گرامی باد.



## کلیات علم اقتصاد، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان

مؤلف: حمیدرضا وزیری

ناشر: عشق دانش

سال انتشار: ۱۳۸۳

نوبت چاپ: اول

قطع: وزیری

ورود به عرصه دانش اقتصاد مستلزم تلاشی گسترده و به‌روز است. معلمان و دبیران محترم باید آگاهی لازم را علاوه بر بنیادهای علمی اقتصاد- دارا باشند تا بتوانند به‌صورت کاملاً علمی پاسخگوی مخاطب باشند. این آگاهی مستلزم دانسته‌های دانش‌بنیانی است که در علم اقتصاد به دو بخش اقتصاد خرد و کلان تقسیم می‌شود. معمولاً کتاب‌های اقتصادی بسیار پیچیده بوده و زبان علمی خود را دارد و این برای مخاطبان دشواری ایجاد می‌کند. کتاب علم اقتصاد، اقتصاد خرد و اقتصاد کلان راه‌حلی برای گشودن این مشکل است. اغلب دبیران، دانش‌آموزان و دانش‌جویان نیم‌سال اول به دنبال کتاب آموزشی «اقتصاد به بیان ساده» هستند. اما آنچه که در بازار کتاب یافت می‌شود، کتاب‌های تخصصی رشته اقتصاد است که جواب‌گوی آنان نیست. بهترین کتابی که به معلمان به عنوان کتاب کمک‌آموزشی و به دانشجویان به عنوان کتاب درسی (رشته‌های غیرتخصصی اقتصاد) می‌توان معرفی کرد، کتاب «کلیات علم اقتصاد»، اثر دکتر حمیدرضا وزیری است. این کتاب برای دبیران مدرس اقتصاد در مدارس فنی‌و حرفه‌ای کتاب مناسبی است. در پایان هر فصل، تمرین‌ها و خودآزمایی‌ها به خواننده کمک می‌کنند موضوعات و مسائل مطرح در کتاب را بهتر درک کنند.



## برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دوروش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد: نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

◆ اشتراک مجله: ۱۴-۱۳۳۹۷۱۳۰۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۶۶۵۶/۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال